

مرگ ققنوس در آتش

ظهر بود که هواپیما از مهرآباد به آسمان برخاست و پس از چند دقیقه پرواز، دچار نقص فنی شد و خلبان تقاضای فرود اضطراری کرد. چه رعب آور بود، دیدن هواپیمایی بدون تعادل و در حال سقوط! نمی تواند منظره ای عادی باشد و همگان را در جای خود میخکوب می کند. نگاه های میبهوت مردمان در خیابانها، تنها به یک سو خلاصه می شد: شهرک توحید. بال هواپیما با یکی از ساختمان های شهرک برخورد کرد و سرانجام سقوط کرد و بعد فقط صدای انفجار بود و شعله های مرگ آور آتش. زمین برخورد لرزید، آسمان سیاه شد. تهران را دود سیاه غلیظی در برگرفت. خدایا مگر چه شده که اینگونه زمین و آسمان هم بی تاب شدند؟ بوی مرگ در شهر پیچید. به یکباره خبر همچون بمبی در همه جا منفجر شد و ما نیز به قعر اندوه و غم سقوط کردیم. پیکرشان در آتش سوخت، از جسمشان چیزی به جز خاکستر باقی نماند. ققنوس را به خاطر دارید؟ همان که بارها در داستان ها و شعرهایمان تمثیل کردیم. همان که وقت مرگ در شعله های آتش می سوزد و تبدیل به خاکستر می شود. ناگهان از خاکسترش ققنوسی جوان متولد می شود و لذت حیات را می چشد. من اعتقاد دارم، این یاران در شعله های آتش سوختند، اما از خاکستر وجودشان روحی دیگر زاده شد و همچنان زنده است و به حیات ادامه می دهد. آنها زنده هستند. در کنار ما، در یادمان و در قلبهایمان.

صفحه ۲

به یاد صاحب
سوته دلان



کنسرت گوگوش
۲۹ نوامبر نه
دسامبر!

صفحه ۱۷

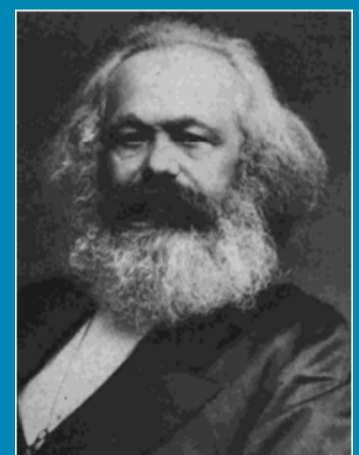
تکرار کمپ دیوید در آنایولیس



صفحه ۱۶

زنده
کردن
مردگان
روی
الاکلنگ

روزگاری که کارل مارکس
مطبوعات انگلستان را به
ریشخند می گرفت



صفحه ۲۸

یک فنجان قهوه یک ایران خاطره!

صفحه ۱۵



info@persianweekly.co.uk

سر آغاز

هفته نامه اجتماعی، فرهنگی، هنری
چاپ لندن

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ع. نجفی

هفته نامه پرشین به هیچ گروه و ارگان سیاسی و غیر سیاسی وابسته نمی باشد و صرفاً در جهت اطلاع رسانی صحیح کام بر می دارد تمامی مطالب از مقالات رسیده و سایت ها و خبرگزاریهای معتبر با ذکر منبع انتخاب و به چاپ می رسد

زیر نظر شورای تحریریه

مدیر بازاریابی و فروش: جواد توتونچی

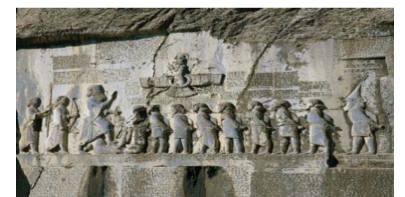
تهیه و تنظیم مطالب: فرشته کدیور

طراح و صفحه آرایی:
ع. نجفی - علیرضا ریاحیهمکاران این شماره:
دکتر آرا - قارون - ترانه - بهزاد مهدی.ق - رضا ارمیاوب سایت: بهزاد رحیق
چاپ:

Web Print UK Ltd.
Unit B1 Eastern Approach
Alfred's way Barking
London IG11 0TS
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
امور وب سایت:
Media of Persia
نشانی الکترونیکی:
www.persianweekly.co.uk

نشانی پست الکترونیکی:
info@persianweekly.co.uk
هفته نامه پرشین از نوشته های نویسندگان و خوانندگان استقبال کرده ولی در ویرایش ادبی آنها آزاد است مسئولیت آگهی ها و محبت آنها بعهده صاحبان آن میباشد هفته نامه پرشین در قبول یا رد آگهی ها صاحب اختیار میباشد

Lord Business Centre
2 Floor Unit 20,
665 North Circular Road
London NW2 7AX
020 8453 7350
020 8453 7351



در تصاویر حکاکی شده بر سنگهای تخت جمشید هیچکس عصبانی نیست، هیچکس سوار بر اسب نیست، هیچکس را در حال تعظیم نمی بینید. هیچکس سرافکنده و شکست خورده نیست هیچ قومی بر قوم دیگر برتر نیست و هیچ تصویر خشنی در آن وجود ندارد. از افتخارهای ایرانیان این است که هیچگاه برده داری در ایران مرسوم نبوده است در بین صدها پیکره تراشیده شده بر سنگهای تخت جمشید حتی یک تصویر برهنه و عریان وجود ندارد. بخاطر بسپاریم که از چه نژادی هستیم و دارای چه اصالتی می باشیم.

مرگ ققنوس در آتش

مردم کشورمان ایران دو سال پیش در چنین روزهایی، یکی از سیاه ترین و تلخ ترین روزهای زندگیشان را پشت سر می گذاشتند. منظورم همان روز شوم ۱۵ آذر ۱۳۸۶ است. روزی که بی شک یادآور یکی از درناک ترین خاطرات حیاتمان است. بله، فاجعه سقوط هواپیمای C-۱۳۰ را می گویم که حامل جمعی از خبرنگاران، عکاسان، گزارشگران، تصویربرداران و در مجموع اصحاب رسانه ها و امرای ارتش بود. آنها به منظور پوشش خبری مانوری در چابهار به همراه این پرواز رهسپار دیار باقی شدند.

نمی توان این حادثه را اتفاقی دانست که می بایست رخ می داد. گمان نمی کنم بتوانم آنچه را که در دلمان درد بزرگی ایجاد کرد را به چیزی تشبیه کنم که در گذشته رخ داده باشد، چرا که بی سابقه بود عمق این فاجعه در ذهن و در تاریخ مطبوعاتمان.

ظاهر بود که هواپیما از مهرآباد به آسمان برخاست و پس از چند دقیقه پرواز، دچار نقص فنی شد و خلبان تقاضای فرود اضطراری کرد. چه رعب آور بود، دیدن هواپیمایی بدون تعادل و در حال سقوط! نمی تواند منظره ای عادی باشد و همگان را در جای خود میخکوب می کند. نگاه های میوهت مردمان در خیابانها، تنها به یک سو خلاصه می شد: شهرک توحید. بال هواپیما با یکی از ساختمان های شهرک برخورد کرد و سرانجام سقوط کرد و بعد فقط صدای انفجار بود و شعله های مرگ آور آتش. زمین بر خود لرزید، آسمان سیاه شد. تهران را دود سیاه غلیظی در برگرفت. خدایا مگر چه شده که اینگونه زمین و آسمان هم بی تاب شدند؟ بوی مرگ در شهر پیچید. به یکباره خبر همچون بمبی در همه جا منفجر شد و ما نیز به قعر اندوه و غم سقوط کردیم.

پیکرشان در آتش سوخت، از جسدشان چیزی به جز خاکستر باقی نماند. ققنوس را به خاطر دارید؟ همان که بارها در داستان ها و شعرهایمان تمثیل کردیم. همان که وقت مرگ در شعله های آتش می سوزد و تبدیل به خاکستر می شود. ناگهان از خاکسترتش ققنوسی جوان متولد می شود و لذت حیات را می چشد. من اعتقاد دارم، این یاران در شعله های آتش سوختند، اما از خاکستر وجودشان روحی دیگر زاده شد و همچنان زنده است و به حیات ادامه می دهد. آنها زنده هستند. در کنار ما، در یادمان و در قلبهایمان.

لمس کردیم ملتی را که یک شبه به سوگ نشست و ما این بار با اشک چشم خبرها را می نوشتم. از آن لحظه رخت عزا به تن روزنامه ها هم پوشانده شد آنها هم در فراغ صاحبانشان سیاه پوش شدند.

مگر این اشک امانان می داد. چگونه خبر مرگ همکاران خود را بر کاغذ بیاوریم. نام کدامیک را بنویسیم. نمی توانستیم آرام باشیم و بی تابی نکنیم. در این غم، دل سنگ هم می شکند و خون می شود. به هر بهانه ای به یاد سوختگانمان می افتادیم. آخر ما مرگ را باور داریم، اما این مرگی بود که می توانست اتفاق نیفتد، ولی افتاد و همه را در سوگ و عزا نشانده. ما هم آتش گرفتیم. ما هم سوختیم. چه گذشت بر آنان در واپسین لحظاتی که شمارش معکوس برای جدا شدن از این دنیا را آغاز کرده بودند. مجالی مانده بود تا با کسی کلامی از دلشان بگویند. چه چیز را تجربه کردند در آخرین دم زندگی؟ چه مرگی بود که اینگونه نیکو با جمع یاران به استقبالش می رفتند؟ خوب می دانم که هنوز وقت رفتنشان نبود. هنوز فرزندان و همسرانشان انتظار بازگشتشان را می کشیدند. هنوز پدران و مادرانشان منتظر به صدا در آوردن رنگ در خانه هایشان بودند. هنوز قلم ها منتظر تراوش افکارشان به روی کاغذ بودند. هنوز دوربین هایشان منتظر فشار انگشتانشان برای ثبت دیده ها بودند. این بار این تراژدی را چه کسی باید به تصویر می کشید؟

این حادثه یکی از تاسف بارترین حوادث رسانه ای در طول تاریخ بود و در واقع می توانم بگویم یکی از خبرسازترین سوانح هوایی. چرا که یکباره تعداد زیادی از خبرنگاران (۸۸تن) کشته شدند و در سراسر تاریخ رسانه ها حتی در دوران های جنگی تا کنون چنین حادثه غم انگیزی برای خبرنگاران رخ نداده بود. پس از این واقعه، فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران با صدور بیانیه ای، حادثه سقوط مرگبار C-۱۳۰ را بدترین فاجعه ای دانست که تا کنون برای رسانه ها پیش آمده بود و در پیام همدردی بیان داشت: «امروز روز اندوه و استیصال برای روزنامه نگاری است.»

با یاد امیر که شوخی طبع و خنده هایش همیشه طنین انداز شور زندگی بود. به یاد بابای پویا که انتظار قبولی دانشگاه پسرش را می کشید. به یاد سید مهدی میر افضلی که طبیعت را سر لوحه ثبت دیده های خویش قرار داده بود. و به یاد همه یاران پر کشیده، روحشان شاد، یادشان گرامی.

فرشته کدیور

با اشتراک هفته نامه از ما حمایت کنید

علاقمدان به اشتراک و دریافت هفته نامه پرسشنامه زیر را تکمیل نموده و برای ما ارسال نمایند

نام:
نام خانوادگی:
آدرس:
آدرس اینترنتی:
کدپستی:
تلفن:
موبایل:

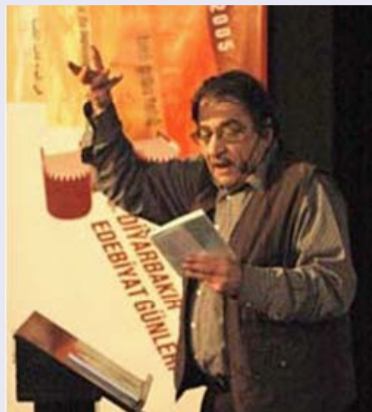
مدت اشتراک: سه ماه ۲۴£ ششماه ۴۲£ یکسال ۶۰£

لطفاً فرم را به دفتر هفته نامه ارسال نمائید و به تمامی سوالات دقیق پاسخ دهید

Lord Business Centre, 2 Floor Unit 20,

665 North Circular Road, London NW2 7AX

Barclays Bank A/N: 40948519 S/C:20-29-41



ما

غروب که سر رسید
تنها توانستیم جان خویش را به در بریم،
باران
بی آمان می بارید
و ما نیز هم چون باران
سر ایستادن نداشتیم.

گریان

گریبان در دیده و خسته می رفتیم
صف به صف
هم چون قطاری با حلقه حلقه ای دود و شیشه
از قله به قله می رفتیم.

باران بی آمان می بارید
جهان خیس از گریه های ما بود
بی چتر
بی راه
گریبان در دیده و خسته می رفتیم:
بچه ها
پرستوها
زنان

و درختانی که خزانی ترین خواب ها را می دیدند.
از فراریان بی بازگشت
تنها یک نفر
چتر با خود آورده بود،
آسوده بود و آرام می آمد
در زهدان مادر خویش
از اندوه کردستان خبر نداشت.

در سرزمین من

در سرزمین من
روزنامه ها لال به دنیا می آیند،
رادیو: کر،
تلویزیون: کورا!

و او که می پرسد: چرا؟!
لال اش می کنند و می کشندش
کرش می کنند و می کشندش
کورش می کنند و می کشندش
در سرزمین من!

گورهای بی نشان

در برابر چشم های آسمان
ابر را
در برابر چشم های ابر
باد را
در برابر چشم های باد
باران را
در برابر چشم های باران
خاک را
دزدیدند،

و سرانجام در برابر همه ای چشم ها
دو چشم زنده را زنده به گور کردند،
چشم هایی که زدها را دیده بود.



info@persianweekly.co.uk

به یاد داشته باشید با صرافی های معتبر پولهای خود را ارسال نمایید

به یاد صاحب سوته دلان



یازده سال از درگذشت علی حاتمی می گذرد. علی حاتمی به سال ۱۳۲۳ در محله قدیمی تهران در خانواده‌ای سنتی به دنیا آمد. تاثیرهایی که در دوران کودکی و نوجوانی از زندگی در این محیط و مشاهده سنخ‌های گوناگون مردم آن گرفت و آن چه از این محیط و روابط آموخت مهمترین عامل در شکل دادن ذهنیت و بینش و روحیه او بودند و همین محیط بود که ذهن او را از کودکی با گنجینه‌ای پایان‌ناپذیر از قصه‌ها، تصنیف‌ها، باورها و آئین‌های سنتی و بومی انباشت که دستمایه آثارش شد و در همین محیط آدم‌هایی را دید که بعدها در هیئت‌های دیگر قهرمانان فیلم‌های او شدند. حاتمی به دانشکده هنرهای دراماتیک هم رفت اما مایه اصلی هنرش را از آنجا نیاورد.

خانواده و محیط پیرامون حاتمی برای پرورش استعداد هنری و ادبی که از آغاز در او بود نامساعد نبودند و کوشش او را به سوی هنر و شعر و موسیقی و نمایش و قصه تقویت کردند. به نمایش علاقه‌ای ویژه داشت و از همان نوجوانی به تجربه‌هایی در این زمینه پرداخت، همین دلبستگی سبب شد هنگام تحصیل در دبیرستان در هنرستان هنرپیشگی تهران و سپس هنرستان آزاد هنرهای دراماتیک ثبت‌نام کند. پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی، در سال ۱۳۴۳ به دانشکده هنرهای دراماتیک رفت. در سال ۱۳۴۴ نخستین نمایشنامه‌اش را به نام دیب (دیو) در تالار نمایش همان دانشکده به روی صحنه آورد که نمایشی برای کودکان بر پایه‌قصه‌های عامیانه بود. پس از آن نیز چند نمایشنامه دیگر در همان سبک و سیاق نوشت و توشه‌ای را که از شنیدن و خواندن داستان‌های قدیمی گرد آورده بود، در آنها با خلاقیت خویش پیوند زد.

در سال ۱۳۴۵ به استخدام تلویزیون ملی ایران درآمد و تا سال ۱۳۴۷ در آن سازمان اشتغال داشت. پس از آن به ساختن فیلم‌های تبلیغاتی - بیشتر به قصد امرار معاش - پرداخت و در کنار آن نمایشنامه‌نویسی را ادامه داد و نمایشنامه‌ی حسن کچل او را در سال ۱۳۴۸ داوود رشیدی در تئاتر سنگلج به روی صحنه آورد. با فیلمی که از همین داستان در سال ۱۳۴۹ به نمایش درآمد حاتمی به عالم سینما وارد شد و حسن کچل، و نیز توفیقی که در همان سال نمایش داده شد، جزو پر فروشترین فیلم‌های سال ۱۳۴۹ بودند.

فعالیت سینمایی حاتمی با سرعت و جدیت ادامه یافت. در سال ۱۳۵۰ باباشمل و در سال ۱۳۵۱ سه فیلم قلندر، خواستگار و ستارخان از او بر پرده‌ی سینما ظاهر شدند. در همین اوان با زهرا خوشکام (حاتمی) بازیگر سینما ازدواج کرد. فرزند آنان لیلا حاتمی امروز به راه هنر گام نهاده است.

حاتمی پس از آن به همکاری با تلویزیون ملی پرداخت و مجموعه تلویزیونی داستان‌های مثنوی شامل شش نمایش در سال ۱۳۵۳ و سریال تلویزیونی سلطان صاحبقران در سال ۱۳۵۶ از تلویزیون پخش شد. در کنار آن، فعالیت سینمایی را نیز دنبال می‌کرد و فیلم سوته‌دلان را در سال ۱۳۵۶ بر پرده آورد. در این زمان طرح یک سریال تلویزیونی با نام جاده‌ی ابریشم را با تلویزیون در میان نهاد که با رخداد انقلاب در سال ۱۳۵۷ متوقف شد و پس از وقته‌ای طولانی با تغییراتی عمده در فیلمنامه‌ی آن با نام هزارستان ساخته شد و در سال ۶۷ به نمایش درآمد. در مدتی که کار تولید این سریال متوقف بود حاتمی سه فیلم سینمایی به نامهای حاجی واشنگتن (۱۳۶۱)، کمال‌الملک (۱۳۶۳) و جعفرخان از فرنگ برگشته (۱۳۶۷) ساخت. پس از پایان کار هزارستان، حاتمی دست به کار ساختن فیلم مادر شد که در سال ۱۳۶۹ به نمایش درآمد و سپس دلشدگان از او در سال ۱۳۷۱ روی پرده آمد.

آخرین فیلمی که دست به کار آن شد جهان پهلوان تختی بود. حاتمی هنگام ساختن دکورهای این فیلم دچار دردی شد که متأسفانه نشانه بیماری لاعلاجی بود. درمان‌ها در تهران و لندن موثر نشد و حاتمی که در بحبوحه‌ی بیماری و درمان، دوباره کارگردانی جهان پهلوان تختی را از سر گرفته بود در ۱۵ آذر ۱۳۷۵ درگذشت. با درگذشت او، سینمای ایران از ده‌ها فکر و ایده‌ای که در ذهن بارور و خلاقش می‌جوشید، محروم ماند. یادش گرامی.

است، یاد وطن به صورت "یک آسمان ستاره ابراندود" در آینه روح او مانده است، و اکنون، بعد از یک شکست تاریخی دیگر، با آرزویی دیرین از خود می پرسد:
آیا شود که در افقی روشن
دیدار تو دوباره کند شادم؟
من خانم ژاله اصفهانی را خیلی وقت بود که می شناختم. شاعری که در روزگار گرمای جنبش چپ هم آوازه با شاعران بزرگی چون ناظم حکمت و البیاتی و مایاکوفسکی و دیگران شاعران خلق شناخته می شدند. اما همیشه من فکر می کردم این نام باید خیلی کلاسیک نه کلاسیک بلکه اسطوره ای باشد. همان طور که آن دیگر بودند. تازه آمده بودم لندن جایی برای من محفل شعر خوانی گرفته بودند. رو به روی من آن گوشه مجلس بانویی نشست بود که نگاهش میخکوبت می کرد. یک طوری گویی پرند ه ایست. ابری است یا درختی که در آن گوشه محفل روییده است. آخر مجلس آمدن من کلی تشکر کرد میزبان آمد گفت می دونید ایشون خانم ژاله اصفهانی هستند. اصلاً یکه خوردم در اندیشه عنقا هم نمی گنجید که من با خانم ژاله مصاحب شوم چه برسد که ایشان بنشینند شعر مرا بشنوند و این تواضعی بود که از همگان بعید بود و از زاله نه. شاعران ایرانی دیگر را که ببینی با شاخ فیل راه می روند و وقتی به توی جوان می بینند انگار با بزغاله گمشده کریستوس حرف می زنند که در صحرای سینا سرگردان شده و فقط نمی زدنند دیگر تمام نصح و تکبر و تبختر تاریخیشان را تقدیمت می کنند.

مرا بسوزانید
و خاکسترم را
بر آبهای رهای دریا بر افشانید،
نه در برکه،
نه در رود:
که خسته شدم از کرانه های سنگواره
و از مرزهای مسدود.

زیست نامه ی ژاله اصفهانی

۱۳۰۰ تولد در اصفهان
۱۳۰۷ آغاز شعرگویی برای عروسکها
۱۳۱۳ شعرهای دوران دبیرستان در روزنامه سپنتا، اخگر و باختر امروز

۱۳۲۳ چاپ نخستین مجموعه شعر به نام گل‌های خودرو
۱۳۲۵ پذیرش در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شرکت و شعرخوانی در نخستین کنگره نویسندگان ایران در تیرماه ازدواج با افسر نیروی هوایی، شمس الدین بدیع تبریزی (بعدها دکتر اقتصاد، پژوهشگر و مترجم). مهاجرت به اتحاد شوروی پیشین.

۱۳۲۵-۱۳۳۳ زندگی در باکو، فراگیری زبانهای ترکی و روسی، تحصیل در دانشگاه دولتی آذربایجان و اخذ لیسانس در رشته ادبیات

۱۳۲۸- تولد اولین فرزند؛ بیژن (مهندس ذوب آهن و لیسانس روانشناسی)

۱۳۳۳ - تولد دومین فرزند؛ مهرداد (مهندس ساختمان و موسیقیدان).
۱۳۳۳-۱۳۳۸ تحصیل در دانشگاه دولتی مسکو؛ Lamanosov

نگارش تز دکترای خود در باره زندگی و آثار ملک الشعرای بهار
۱۳۳۸ - اخذ دکترا در ادبیات

۱۳۳۹-۱۳۵۹ پژوهش ادبی در آکادمی علوم، انستیتو ادبیات جهانی به نام ماکسیم گورکی در مسکو: نیمایوشیچ پدر شعر نو به روسی شعر نو چیست؟ بررسی تحقیقی و تطبیقی آثار شاعران ایران، افغانستان و تاجیکستان

رساله عارف قزوینی- شعر و موسیقی مبارزش
۱۳۴۴- با انتشار کتاب زنده رود ژاله در ایران ممنوالقلم شد...-۱۳۵۸
در ایران تجدید چاپ شد.....

۱۳۵۹-۱۳۷۳ شهریور ۱۳۵۹ بازگشت به ایران
۱۳۶۰- مجموعه شعر: اگر هزار قلم داشتم، تهران
۱۳۶۱- زندگی در لندن

۱۳۶۲- البرز بی شکست، لندن
۱۳۶۵- ای باد شرطه، لندن

۱۳۶۶- هرگلی بویی دارد، لندن، ترجمه...
۱۳۷۱- خروش خاموشی، سوئد، گزینیه شعرها
۱۳۷۳- سرود جنگل، لندن، گزینیه شعرها

۱۳۷۵-۱۳۸۴- ترنم پرواز، لندن
۱۳۷۶- موج در موج، تهران

۱۳۷۹- سایه سال ها، آلمان، سرگذشت ژاله به قلم خود اوست
۱۳۸۱- شکوه شگفتن، لندن

۱۳۸۴- ترجمه شعرها به انگلیسی

خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد

رضا ارمیا

ژاله اصفهانی شاعر نازنین، مبارز و غربت نشین زبان فارسی، ناگهان شنوندگانش را تنها گذاشت. شاعری که به راه اعقاد داشت و مسیرش را انتخاب کرده بود و به مقصدش ایمان داشت. و مگر تعهد جدی ازین سه چیز می تواند چیز دیگری باشد. و از همه این ها مهم تر او به انسان اعتقاد داشت و از ان معدود کسانی بود که از مرزها و اراض ها چون پرند ای به راستی جهان وطن گذشته بود و راست گفته بود ان که گفته بود پرندگان گذر نامه نمی خواهند. و پرند جانش به جان آزادی بسته است و پرند گلویش را با طوق طبیعت پاک و امیدوار می آراید و پرند مبرشر شادمانی است. و به این خاطر این شعر زاله را می توانیم دهان به دهان بشنویم:

شاد بودن هنر است
شاد کردن هنری والاتر.

لیک هرگز نپسندیم به خویش،
که چو یک شکلک بی جان، شب و روز،
بی خبر از همه، خندان باشیم.
بی غمی عیب بزرگی ست،
که دور از ما باد!



زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست.
هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود.
صحنه پیوسته به جاست.
خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد.

غربت و خاصه برای شاعران وحشتناک است. شما جایی باشید که زبانتان را ندانند و قدرتان را نشناسند و در وطنی که دوستش می داری همه ترا از یاد برده باشند. من خیلی از این گرتارات تقدیر غربت را دیده ام و در کنارشان یا پس از دیدنشان گریسته ام. در زبان فارسی این تراژدی وحشتناک ترست. چرا که تقریباً تمام سرهنگان ادبی اش به غربت تن داده اند و رنج بار این که هم وطنانشان که مهاجر شده اند در همان روز مهاجرتشان را کد مانده اند. حتی به عقب رفته اند اما پیش نیامده اند. اینچنین با هم زبانانی که در سالها سال پیش زندگی می کند یک شاعر چه کار می تواند بکند

یاد تو
قطره قطره می چکد از چشمم

روی تو

رفته رفته می رود از یادم.

شاعر با چنین همراهانی نوستالژی تلخی را تجربه میکند. "با اینکه او روی وطن را، چهره طبیعی وطن را، رفته رفته فراموش کرده



info@persianweekly.co.uk

از گوشه و کنار

هوایمای ماهان بدون چمدان مسافران پرواز کرد

پرواز روز جمعه گذشته هوایمایی ماهان از تهران به دبی بدون حمل بار و چمدان تعدادی از مسافران صورت گرفت.



بار و چمدان تعداد زیادی از مسافران این پرواز جا مانده و مسئولین این شرکت هوایمایی اعلام کردند که بار و چمدان این مسافران در پرواز شب همان روز حمل خواهد شد. این در حالی بود که برخی از مسافران پرواز همان روز امتحان زبان پیشرفته در دبی دارند و مدارک آنها در تهران جا مانده بوده. رضا جعفرزاده مدیر روابط عمومی سازمان هوایمایی کشوری نیز با تائید این خبر گفت: جا ماندن ساک و چمدان مسافران به خاطر اشتباهی بوده که توسط مسئولین پروازی ماهان صورت گرفته است. و مسئولین شرکت ماهان قول داده اند که در اسرع وقت بار و چمدان مسافران را به صاحبان آنها برسانند.

شرکت‌های اجاره دهنده حیوانات در ژاپن

کمبود فضای خانه‌ها و نیز کنترل جمعیت شدید در ژاپن موجب افزایش تشکیل شرکت‌هایی شده که حیوانات خانگی را اجاره می‌دهند. در سال ۲۰۰۰ میلادی تنها ۱۷ شرکت از این دست وجود داشت اما اکنون به ۱۳۴ شرکت رسیده است. این شرکت‌ها حیوانات خانگی برای یک ساعت تا یک هفته اجاره می‌دهند.



چنین شرکت‌هایی حیوانات خانگی گوناگونی را اجاره می‌دهند: از سگ و گربه و موش خرما و لاک پشت گرفته تا انواع و اقسام پرندگان. در کنار اجاره حیوانات خانگی مواردی از قبیل عکس‌های حیوان، شیوه آموزش، سن و مختصات جسمانی آن در اختیار فرد اجاره‌کننده گذاشته می‌شود. نکته جالب در مورد یکی از این شرکت‌ها این که در این شرکت قبل از اجاره دادن هر نوع حیوان خانگی تحقیقاتی در مورد شخصیت اجاره‌کننده صورت می‌گیرد.

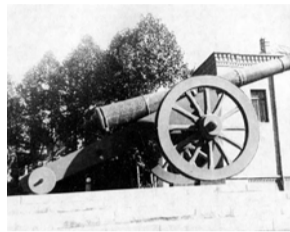
شانزلیزه با لامپهای کم مصرف نورباران می شود

مسئولان شهر پاریس قصد دارند تزیینات روشنایی درختان خیابان معروف شانزلیزه را با لامپهای کم مصرف انجام دهند که در نتیجه هم نور این خیابان افزایش خواهد یافت و هم مصرف برق آن کاهش می‌یابد.

به نقل از آسوشیتدپرس، "برتران دلانو" شهردار پاریس اعلام کرد یک میلیون لامپ جدید کم مصرف در این تزیینات فصلی مورد استفاده قرار می‌گیرد و هزینه برق مصرفی این تزیینات در مقایسه با لامپهای معمولی هفتاد درصد کمتر خواهد بود این درحالی است که روشنایی آن هشت برابر خواهد شد. گفتنی است خیابان شانزلیزه چهارصد و پنجاه درخت دارد که هم اکنون با سی هزار لامپ نواری تزیین شده است. تزیینات کنونی این درختان به گونه ای است که به نظر می‌رسد نور از شاخه‌های درختان درحال فرو ریختن به زمین است.

شلیک توپ و مرگ ۲ نفر

یک توپ جنگی ۲۰۰ ساله که روستاییان قصد داشتند برای خوش آمدگویی به یک وزیر آن را شلیک کنند در اثر ریخته شدن باروت زیاد در آن منفجر شده و باعث کشته شدن ۲ نفر شد.



به گزارش رویترز، روزنامه‌های هندی خبر دادند که ساکنان روستای بادولی در ایالت غربی راجاستان هند قصد داشته‌اند تا سه‌شنبه بعدازظهر با ورود یکی از وزیران ایالتی با شلیک توپ ادای احترام نظامی کنند.

روزنامه تایمز هند خبر داد که این انفجار باعث کشته شدن ۲ نفر و زخمی شدن ۶ نفر دیگر شد. در پی این حادثه وزیر بازدید کننده سریعاً ادامه بازدید را لغو کرده و به مرکز ایالت بازگشت.

مسکو و سنت پترزبورگ، جزء ۱۰ شهر گران اروپا

بر اساس تحقیقات سازمان ملل متحد، مسکو دومین شهر گران و سنت پترزبورگ هفتمین شهر گران در قاره اروپا شناخته شدند. به نقل از روزنامه «ایزوستیا»، این در حالی است که روسیه از لحاظ میزان رفاه و سطح زندگی مردم رده‌ای بسیار پایین و رتبه ۶۷ را به خود اختصاص داده است.

مسکو دومین شهر گران در اروپا از لحاظ هزینه‌های زندگی شناخته شده است. این نتیجه تحقیقات سالانه کارشناسان کمیته اقتصاد بین الملل سازمان ملل متحد است. ضمن اینکه در این لیست روسیه به تنهایی دارای شاخص مورد توجه نبوده و سنت پترزبورگ، پایتخت دوم روسیه نیز جزء ۱۰ شهر گران اروپا بوده و رتبه هفتم را به خود اختصاص داده است.

شهر اسلو گرانتین شهر در اروپا و شهر کیشینیف، با حدود ۷۰ درصد کاهش قیمت‌ها نسبت به مسکو، ارزانترین شهر اروپا هستند. شهرهای بزرگ آمریکا در سال جاری رده‌های پایینی در این لیست به خود اختصاص داده اند که به عقیده کارشناسان این مسئله به کاهش ارزش دلار بستگی دارد.

به نوشته این روزنامه، با این وجود سطح زندگی و رفاه مردم در روسیه رتبه ۶۷ را در میان کشورهای جهان دارا است. این رده بندی با توجه به سطح مرگ و میر، میزان تولید ناخالص داخلی و دسترسی مردم به تحصیلات مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این رده بندی در سال جاری ایسلند در میان ۱۷۷ کشور جهان جایگاه نخست را به خود اختصاص داد و از نروژ که چندین سال در راس این جدول قرار داشت پیشی گرفته است. استرالیا در مکان سوم قرار دارد.

روسیه حتی از کشورهای تونگا و جزایر سیشل هم پایین تر است. تولید ناخالص داخلی ملی ۷ در صدی و سطح تحصیلات عالی مرسوم در روسیه نتوانستند در این خصوص به این کشور کمکی کنند. سطح بالای مرگ و میر در روسیه و پائین بودن سطح بهداشت آن این امکان را به روسیه نداد تا نتایج بهتری از خود نشان دهد.

کشف نوع جدید دایناسور شاخدار



دانشمندان به تازگی گونه جدیدی از دایناسورهای شاخدار را که ۶۸ میلیون سال قبل می‌زیسته، کشف کردند. به نقل از خبرگزاری شین‌هوا، این نوع جدید دایناسور شاخدار ۶۸ میلیون سال قبل در غرب کانادا زندگی می‌کرده است که به تازگی دانشمندان فسیل این دایناسور را از زیر خاک بیرون آوردند.

بر اساس این گزارش، این نوع دایناسور کشف شده از قدیمی‌ترین دایناسورهای شاخدار بوده که بر روی زمین می‌زیسته است. دانشمندان

معتقدند کشف این دایناسور به تکمیل کردن اطلاعات آن‌ها درباره دایناسورهایی که ۶۷ میلیون تا ۶۹ میلیون سال قبل می‌زیسته‌اند، کمک می‌کند.

بریتانیا زندان شناور می خرد

دولت بریتانیا قصد دارد تا برای کاهش فشار موجود بر زندان‌های پر جمعیت این کشور یک شناور را از هلند خریداری کند. به نقل از دیلی تلگراف، مقامات وزارت دادگستری این کشور برای بررسی خرید یک کشتی ویژه برای زندانیان با امنیت بالا و ظرفیتی حدود ۲۰۰ زندانی عازم هلند شده‌اند. جمعیت زندان‌های بریتانیا هفته گذشته به ۸۱ هزار و ۴۵۵ نفر رسید که بر اساس آمار رسمی تنها ۹ جای خالی دیگر در سیستم زندان‌های بریتانیا که به شدت تحت فشار جمعیت بالای آن است، باقی می‌ماند. در حال حاضر ۱۷۷ زندانی هم در بازداشتگاه‌های پلیس به سر می‌برند.

«جک استرا» وزیر دادگستری بریتانیا برای ایجاد فضای بیش‌تری برای زندانی‌ها دستور مذاکره با مقامات هلندی را صادر کرده است. یک منبع آگاه در این زمینه گفت: «جک خواهان حل سریع این مشکل تا شروع سال جدید است.»

سال گذشته از «چالز کلارک» وزیر کشور بریتانیا برای فروش تنها زندان شناور این کشور به قیمت ۵/۲ میلیون پوند انتقادات زیادی شد. «استرا» ماه گذشته اعلام کرد که معتقد است اعمال مجازات‌ها و تنبیهات اجتماعی بر مجرمانی که مجازات آن‌ها کم‌تر از یک سال حبس است، مناسب‌تر و بهتر است.

جسد مومیایی دختر اردشیر، مجسمه مانکن از آب درآمد



اعضای یک باند که با قیراندود کردن یک مانکن پلاستیکی مورد استفاده در فروشگاه‌های لباس، قصد داشتند با دریافت ۳ میلیارد تومان، این مانکن را به جای جسد مومیایی شده دختر اردشیر هخامنشی به فروش برسانند، دستگیر شدند. در زیرزمین یکی از محله‌های شهرستان مراغه از چندی پیش ۳ نفر با وسواس و ظرافت خاص در حال ساخت صندوقچه ای بودند و تمام تلاش آنها معطوف به ساخت صندوقی بود که

نمادی از تاریخ این مرز و بوم را به نمایش گذارد. در گوشه ای از زیرزمین، یک مانکن پلاستیکی صامت و خاموش قرار داده شده بود. سرانجام پس از چند ماه آنها با ساخت صندوق بزرگ آن را به سبک تابوت‌های مورد استفاده دوران هخامنشی‌ها تزیین کردند و آن گاه مانکن پلاستیکی با دقت و در میان الیاف رنگ و رو رفته ای قرار گرفت، سپس با لایه‌های قیر و کتان به عنوان جسد دختر اردشیر دوم درون این تابوت قرار گرفت تا هر سه مرد شاید با انتخاب نام «آپامه» ادعا کنند که این جسد را در کاوش‌های خود از یکی از مناطق شمال شرق کشور به دست آورده‌اند.

آنها با تهیه آهن آلات قراضه و رنگ آمیزی آنها، دست و گردن جسد مومیایی را تزیین کردند، سپس با قرار دادن ۱۲۷۰ سکه تقلبی طرح هخامنشیان و قرار دادن ۸ سکه اصل و تاریخی و ۲ سفال اصل که آن را از غارتگران میراث فرهنگی خریداری کرده بودند، از زوایای مختلف تابوت و جسد مانکن که او را «آپامه» می‌نامیدند، فیلمبرداری کردند. با پایان گرفتن تلاش چندماهه ۳ مرد شاید، آنها به جستجوی خریداران اشیای عتیقه برآمده و در اولین اقدام، با نشان دادن سی‌دی تهیه شده و ارائه یکی از سکه‌های اصل که از طلای خالص است، ۳ میلیارد تومان به عنوان قیمت پیشنهادی ارائه کردند.

پس از توافق اولیه و دریافت ۱۲ میلیون تومان به عنوان پیش پرداخت، عنوان کردند جسد آپامه را میان خریداران به مزایده خواهند گذاشت، تا آن را به بالاترین قیمت پیشنهادی به فروش برسانند. با آغاز کلاهبرداری‌ها، موضوع در قالب یک گزارش به ماموران پلیس آگاهی همدان اطلاع داده شد و با بررسی و تحقیق در این زمینه، یکی از افسران پلیس در قالب واسطه‌ی یکی از موزه‌های خارج از کشور با فروشندگان جسد مومیایی وارد معامله شد و مشخص شد ۳ مرد شاید با حيله و ترفند سعی در کلاهبرداری گسترده دارند.



info@persianweekly.co.uk

به یاد داشته باشید با صرافی های معتبر پولهای خود را ارسال نمایید

ناخنک

امروز هم مثل روزهای دیگر سرم را پایین انداخته بودم و مثل ... های سابق امامزاده داوود راه همیشگی را طی می‌کردم تا خود را به دکه ناخنک برسانم تا به شغل شریف و پردرد سر ناخنک‌زنی بپردازم! طبق عادت معمول، برای اینکه بدن سالمی داشته باشم و قبراق و سردماغ ناخنک بزنم، مسافتی از راه همیشگی را پیاده گز می‌کنم. همین طور که مثل کبک خرامان از لابه‌لای ماشین‌ها و صد البته آدم‌ها می‌لولیدم و می‌رفتم، در ذهن شلوغ پلوغم سوژه‌ها را و رانداز می‌کردم، تا یکی از آنها را برای عملیات ناخنک‌زنی آماده کنم. یک لحظه سرم را بالا گرفتم تا جهت‌یابی کنم. از دور و نزدیک (درست یادم نمی‌آید) گرد و غباری به چشم آلبالو گیلان چپم آمد. با آنکه از باد و طوفان خبری نبود، هاله‌ای از گرد و غبار منطقه را زیرپوشش خود قرار داده بود. هر چه نزدیک‌تر می‌شدم، غبار غلیظ‌تر می‌شد، چون گوییم هم خارش افتاده بود. درحال سرفه کردن جمعیت کثیری را دیدم که از پل چوبی، پیاده به سمت میدان انقلاب می‌رفتند. یک آن ترس ورم داشت و رنگ و رویم به قناری پهلوی زد، اما متأسفانه صدایم شنیده او نشد! اول فکر کردم تظاهرات است، برای همین کمی با احتیاط به محل تجمع نزدیک شدم، اما حضور فراوان مأموران راهنمایی و ترافیک موجود، به من فهماند که قضیه سیاسی نیست. با یک پرس و جوی کوچک از کارگران آفتاب نشینی که زیر پل و کنار آن پراکنده‌اند، متوجه شدم باز مترو کار دست هم داده است. از آنجا که به همه مشکوک هستم، فکر می‌کنم کار بدخواهان ناخنک باشد. همان طور که می‌دانید، یعنی بارها گفته‌ام، بعضی‌ها هستند که چشم دیدن ناخنک را ندارند، برای همین دست به هر اقدامی می‌زنند تا کرکه ناخنک را پایین بکشند. اگر اشتباه نکرده باشم، این دود هم از آتش آنان بلند می‌شود. وقتی که با اجرای ترفندهای مختلف از جمله: تهدید و صدالبته ارباب، قطع برق، آب، تلفن و غیره، راه به جایی نبردند، دست به دامن مترو شده‌اند، تا با چاله کردن بر سر راه وارث ناخنک، مانند رستم دستان داستان شاهنامه، او را در چاه یا چاله سرنگون کنند تا هم خود از شر او راحت شوند و هم ناخنک از دست خودش!

هر چند نباید گناه مردم را شست، اما من می‌شویم، همان طور که مرده شوی، تن همه را می‌شوید. مگر من چه چیز از او کم دارم؟ فرق من و او در این است که من بازنده جماعت طرفم، او با مرده. خداییش را بخواهید کار او خیلی از کار مالک ناخنک، ساده‌تر است!

خدا را شکر که از دور گرد و غبار را دیدار کردم و الا ممکن بود، توسط بدخواهان کمین بخورم! چشم‌تان روز بد نبیند، وقتی که به محل سوار شدن به تاکسی رسیدم، دیدم که ای داد بیداد، جماعت را هم بر علیه من بسیج کرده‌اند تا من نتوانم سوار تاکسی شوم و خود را به دکه ناامن ناخنک‌زنی برسانم. تا چشم کار می‌کرد، ماشین‌های تا خرخره پر و جماعت منتظر خیابان را پر کرده بود، آن هم خیابانی که خلوت‌ترین و مناسب‌ترین راه برای رسیدن به دکه شخصی صاحب ناخنک بود. من که به واسطه «رگی» که آن را می‌شناسید، جلو کسی یا چیزی کم نمی‌آورم. برای همین دور از چشم بدخواهان تغییر مسیر دادم و خود را به بهارستان رساندم. چشم‌تان دوباره روز بد نبیند، دیدم در آنجا هم کمین گذاشته‌اند. از اتوبوسی که تنها وسیله ممکن برای رسیدن به دکه ناخنک‌زنی بود، خبری نبود که نبود. معلوم بود آنها را هم بدخواهان ناخنک خریده‌اند تا از این طریق هم نتوانم به محل موردنظر برسم. جماعت هم که مثل همیشه مانند ستاره دنباله‌دار صف کشیده بودند، گویا آنان هم با بدخواهان دست به یکی کرده بودند!

اما کار نشد ندارد، چون در همین لحظه یکی از موتورسواران قانون گریز، مقابل پایم ترمز کرد. هرچند که تا به حال سوار این گونه مرکب‌ها نشده بودم، اما دیدم وقتی طرف مثل قهرمان فیلم‌های آمریکایی، برای نجات من از دست بدخواهان، خود را به خطر انداخته، بدون معطلی، درست مثل فیلم‌ها پشت ترکش پریدم. او هم مثل باد مرا از مهلکه که در بر د و با هزار سلام و صلوات به دکه ناخنک رساند. وقتی از او تشکر کردم طلب هزار تومان ناقابل کرد، هرچند که زورم آمد، ولی همراه با یک لیخند زورکی آن را دودستی تقدیمش کردم. هر چه باشد معرفت به خرج داده و جان خود را به خطر انداخته بود! بدخواهان بعد از خواندن ناخنک امروز جلز و ولز خواهند کرد، درست مثل همیشه. باید به طول و عرض و قد و بالای آنان برسانم که مترو و متعلق‌تاش هم نتوانست جلو قلم و قدم مالک ناخنک را بگیرد، تا بعد.

از مقدار زیادی باروت توسط گای فوکس در سال ۱۶۰۵ طراحی شد اما پیش از انفجار پارلمان مقامات دولتی آن را کشف و خنثی کردند. هنری گانت، کشیش ژووییت نیز جزو عاملان این توطئه بود و در ماه مه سال ۱۶۰۶ به قتل رسید. عاملان این توطئه به دستور جیمز اول، پادشاه انگلستان اعدام شدند و کتابی که قرار است در لندن حراج شود به دستور پادشاه توسط صحاف سلطنتی با پوست هنری گانت صحافی و جلد شده است.

سرقت سه تابلو خط نفیس از موزه رضا عباسی

سه تابلو خط نفیس مربوط به دوره صفوی و قاجار روز سه‌شنبه هفته گذشته از موزه رضا عباسی سرقت شده است. محمدرضا زاهدی مدیر موزه رضا عباسی با تأیید این خبر گفت: این سرقت هفته گذشته انجام شده است و این مسئله از سوی اداره آگاهی و یگان حفاظتی میراث فرهنگی در حال پیگیری و بررسی است. زاهدی، اطلاعات بیشتر در این رابطه و چگونگی سرقت را به روشن شدن این موضوع موکول کرد. هفته گذشته سه تابلو خط نفیس مربوط به دوره صفوی و قاجار از این موزه سرقت شد که دو تا از این تابلوها اثر «احمد نیری» و «میرزا غلامرضا» است. موزه رضا عباسی، در سال ۱۳۴۵ در خیابان شریعتی تهران گشایش یافت و به یاد نقاش و خوشنویس مشهور دوره صفوی رضا عباسی نام‌گذاری شد. این موزه شامل آثار هنری دوره پیش از تاریخ تا قرن سیزده هجری است که در سه تالار با عنوان پیش از اسلام، هنرهای اسلامی و همچنین نگارگری و خوشنویسی به نمایش گذاشته شده است.

ماجرای زنی به نام «اسکناس»

«اسکناس» ۴۵ ساله سرانجام پس از ماه‌ها تلاش و پیگیری موفق به تغییر اسمش شد.

زنی به نام «اسکناس» چندی قبل با مراجعه به اداره ثبت احوال و ارائه تقاضای تغییر نام گفت: ۴۵ سال پیش در روستایی دورافتاده در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمدم. پدرم نام مرا که یازدهمین فرزند خانواده بودم «اسکناس» گذاشت. کم کم متوجه شدم اسم عجیب و غریب با همه همبازی‌هایم فرق دارد. خاطره تلخ نخستین روز مدرسه را هنوز به یاد دارم. آن روز وقتی سر کلاس، معلم روستا اسم مرا خواند، همه بچه‌ها به خنده افتادند و من با گریه به خانه برگشتم. بارها به خاطر اسمم مورد تمسخر دیگران قرار گرفتم. این مشکل در تمام عمر عذاب می‌داد و همیشه از این که کسی اسمم را بپرسد وحشت داشتم. حتی وقتی به بانک مراجعه می‌کردم، نگاه تعجب‌انگیز مشتریان و کارمندان بانک آزارم می‌داد. خیلی وقت‌ها به ناچار خودم را به اسم دیگری معرفی می‌کردم تا روابط دوستانه‌ام تحت تأثیر این نام قرار نگیرد. حتی یکی، دو بار خواستگارم وقتی متوجه اسمم شدند، با آنکه شرایط مان خیلی نزدیک بود از ادامه راه منصرف شده و با دید تمسخر به من و خانواده‌ام نگاه کردند. نام «اسکناس» درس‌های زیادی برایم داشته و همیشه برایم دغدغه است. ۱۵ ساله بودم که برادر یکی از دوستانم مرا به خاطر نام عجیبم مورد تمسخر قرار داد و این ماجرا دعوی شدید خانوادگی را همراه داشت. در جریان این درگیری فهمیدم پدرم کارگر زحمتکشی بوده که با کشاورزی روی زمین‌های اجاره‌ای شکم خانوادگی پر تعدادش را سیر می‌کرده است. به همین خاطر هیچ وقت اسکناس در خانه نداشته و همیشه رویای پولدار شدن در سر داشته است. شوق و علاقه پدرم به داشتن اسکناس و نگه داشتن آن به طور ثابت در خانه برای رهایی از فقر و فلاکت باعث شد تا پدر، مرا «اسکناس» بنامد تا شاید به برکت تولدم و تکرار و تلقین این نام، وضع مالی خود و خانواده دگرگون شود. کم کم خواهران و برادران بزرگترم به خانه بخت رفتند و خود به خود فشار مالی خانواده کمتر شد. پدر هم به خاطر سادگی و صفای وجودش باور کرد بهبود اوضاع به خاطر نام من و حضور همیشگی «اسکناس» در خانه اش است. با این که از داشتن این اسم در عذاب بودم و آن را نمی‌پسندیدم، به خاطر باورهای پدر این رنج را تحمل کرده و دم برنیاوردم. تا این که پس از ازدواج و تشکیل زندگی صاحب سه فرزند شدم. پدرم هم بر اثر سکت قلبی و کھولت سن درگذشت.

فرزندانم نیز بارها با اعتراض به اسمم، مرا نزد دوستان و همکلاسی‌هایشان به نام دیگری معرفی کردند. اما پس از مرگ پدرم هم به خود اجازه نمی‌دادم روی حرف او حرفی بزنم و اعتراضی کنم. تا این که مدتی قبل پسرم هنگام بازی در زمین فوتبال به خاطر برخورد آرنج یکی از دوستانش با گیجگاه سرش بی‌هوش شد و روی زمین افتاد. سه شبانه روز بیداری و مراقبت از پسرم در بیمارستان را با دعا و مناجات پشت سر گذاشتم و برای شفای پسرم به درگاه خداوند متوسل شدم. فرزندم پس از چند روز به طور معجزه آسایی از مرگ نجات یافت و از حالت اغما خارج شد. بنابراین تصمیم گرفتم با اسمم را تغییر دهم. چون به این نتیجه رسیدم «اسکناس» داشتن یا نداشتن مهم نیست، بلکه بزرگترین نعمت سلامتی است. از طرفی پدرم هم در قید حیات نیست و من که تاکنون به احترام او این همه سختی را تحمل کردم، دلیلی برای حفظ این نام عجیب نمی‌بینم. با طرح تقاضای این زن در هیأت حل اختلاف اداره ثبت احوال و تکمیل فرم درخواست، هیأت کارشناسی با بررسی این موضوع که نام «اسکناس» در فهرست اسامی نامناسب و مغایر با جنسیت متقاضی است، درخواست وی را پذیرفتند. آنها داشتن اسمی شایسته و نیکو را حق این زن دانستند و پس از انجام اقدام‌های مقدماتی شناسنامه وی را برای تغییر نام به محل صدور آن ارسال کردند. بدین ترتیب نام این زن پس از ۴۵ سال تغییر کرد.

با توافق افسر پلیس آگاهی مراغه، فروشندگان به بهانه دریافت ۲ میلیارد تومان و تحویل دادن جسد مومیایی شده، در زیرزمینی که این جسد تقلبی نگهداری می‌شد، حضور پیدا کردند و بلافاصله محل از سوی تیم‌های عملیاتی و ضربت پلیس آگاهی محاصره و هر سه مرد شهادت دستگیر شدند و جسد و تابوت قلبی به پلیس آگاهی انتقال یافت. متهمان در تحقیقات اعتراف کردند، تاکنون با چند نفر از کسانی که قصد خرید جسد مومیایی تقلبی را داشته‌اند، وارد مذاکره شده و با دریافت مبالغی، آنها را فریب داده‌اند.

حراج کتاب صحافی شده با پوست انسان



یک کتاب قدیمی متعلق به اوایل قرن هفدهم میلادی که جلد آن با پوست یک کشیش ژووییت صحافی شده است در لندن حراج می‌شود.

به گزارش شبکه BBC، این کتاب نادر در سال ۱۶۰۶ میلادی توسط رابرت بارکر، کاتب سلطنتی در شهر لندن

نوشته شده و داستان زندگی و مرگ کشیشی به نام هنری گانت است که به اتهام توطئه برای منفجر کردن پارلمان انگلستان همراه با دیگر عاملان این توطئه ناکام اعدام شد.

توطئه انهدام پارلمان انگلستان و ترور جیمز اول، پادشاه این کشور با استفاده

سرعت انتقال پول با قیمت مناسب را با ما تجربه کنید



صرافی بین المللی برادران سروری

**SARWARY BROTHERS
INTERNATIONAL
TRAVEL & MONEY EXCHANGE**

انتقال پول

به اکثر نقاط جهان در مدت ۱۵ دقیقه
و بلعکس بدون شارژ ظرف کمتر از ۱ ساعت

آلمان - آمریکا - ایران - استرالیا - ترکیه
آمریکای شمالی - افغانستان - مسکو - دوی
آمریکای جنوبی - یونان - پاکستان و سراسر اروپا...

Head Office: 122 Plashet Road, Plaistow,
London, E13 0QS
Tel: 020 8257 3547, Mobile: 07976 303 612
020 8257 5040, Fax: 020 8552 8491
Branch One: 10a The Broadway Southall,
Middlesex, UB1 1PS
Tel: 020 8571 0166, Fax: 020 8893 5976
Email: mohsin@sarwary.e7even.com



بین الملل

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید



info@persianweekly.co.uk



قذافی با چهل زن محافظ به فرانسه می رود

گروه بین الملل: کاخ ریاست جمهوری فرانسه این روزها سرگرم آماده شدن برای استقبال از معمر قذافی رهبر لیبی در دهم

دسامبر جاری یعنی پنج روز دیگر است. این نخستین سفر قذافی به پاریس پس از ۳۴ سال است، زیرا به دلیل مسائل امنیتی، قضایی و سیاسی و همچنین متهم شدن دو تن از معاونانش به دست داشتن در انفجار یک هواپیمای مسافری فرانسه بر فراز آسمان نیجر در سال ۱۹۸۸ روابط دو کشور تیره بود. اما آنچه این سفر را تحت تاثیر قرار داده نه سفر قذافی پس از بیش از ربع قرن بلکه خواسته مشروطی است که وی در آستانه سفرش خطاب به مقامات فرانسوی اعلام کرده است. خواسته رهبر لیبی که رهبران فرانسه را به خود مشغول کرده برپایی خیمه محل اقامتش در باغ کنار کاخ الیزه در پاریس است. قذافی این خیمه را برای خوردن و خوابیدن و زندگی روزمره نمی خواهد اما از آن برای استقبال از میهمانان خارجی اش اعم از روسای جمهوری و دیپلمات ها استفاده می کند و البته برخی فعالیت های رسمی اش را نیز در آن انجام می دهد. بحث بر سر برپایی خیمه قذافی در پاریس در جریان سفر رسمی اش به فرانسه از مدت ها قبل به موضوعی مهم و جدل برانگیز میان دو کشور تبدیل شده است، اما مقامات الیزه در نهایت برای آنکه بحران دیپلماتیک جدیدی میان دو کشور رخ ندهد با این درخواست موافقت کرده اند. اما قذافی تنها به برپایی خیمه در پاریس اکتفا نکرده و قرار است پنج هواپیما شامل ۴۰۰ نفر از جمله ۴۰ زن محافظ شخصی او و نیز چند دستگاه خودروی زرهی با وی راهی فرانسه شوند. جالب تر اینکه به گفته معاونان قذافی وی قصد دارد با خودروی شخصی خود و از طریق اسپانیا به فرانسه برود. البته محافظان قذافی این اقدام را به دلیل طول مسافت و حفاظتی که باید از او انجام شود دشوار و خطرناک توصیف کرده اند. گفته می شود خرید چندین فروند هواپیما و هلی کوپتر جنگی از فرانسه و کمک این کشور به راه اندازی دوباره تاسیسات هسته ای لیبی محور مذاکرات قذافی را در پاریس تشکیل خواهد داد اما از همه اینها مهمتر پیش شرطی بود که قذافی برای رهبران الیزه تعیین کرد و آن برپایی چادر بدوی اش در کنار الیزه است.

چاوس؛ من کوتاه نمی آیم

موضوع شکست هوگو رئیس جمهور ونزوئلا هنوز آنچنان مردم ونزوئلا را شاد نگه داشته و سرگرم کرده است که آتش افشانی شبانه در خیابان را هنوز تعطیل نکرده اند و چاوس از آنها خواسته است که خانه هایشان بازگردند. چاوس به مخالفان خود و جبهه «نه به چاوس» تبریک گفت و افزود، بروید ببینید چطور می توانید پیروزی تان را سازماندهی کنید. با این حال رئیس جمهور جنرال به پا کن ونزوئلا هنوز کوتاه نیامده است و مرتب تکرار می کند: قبول، من شکست خوردم، اما این طرح برای ونزوئلا خیلی خوب است و من کوتاه نمی آیم. شاید زمان بندی انتخابات خوب نبود، تجار، بازرگانان، دانشجویان و مدافعان حقوق بشر، پیروان کلیسای رومن کاتولیک و دانشجویان در شرایطی جشن پیروزی خود را پایان نمی دهند که چاوس به هوادارانش گفته که ناامید نشوید، پیروزی مخالفان خیلی جزئی و ضعیف است. براساس زفراندومی



که پیروز در ونزوئلا برگزار شد رئیس جمهور ونزوئلا می توانست مدت ریاست جمهوری خود را افزایش و به استقلال بانک مرکزی پایان دهد، هر موقع دلش خواست روزنامه ها و رسانه ها را به بهانه وضعیت فوق العاده ببندد و به این وسیله به مدلی خاص از سوسیالیسم نائل شود. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته است که نتایج انتخابات اخیر دفاع جدی مردم از دموکراسی بود و مردم باید از آن حفاظت کنند. ارزش سهام بورس کاراکاس نیز ۴ درصد افزایش یافت. ریکاردو سانچز رئیس اتحادیه دانشجویان ونزوئلا گفته است: اگر چاوس هنوز حوصله دارد می توانیم این مقابله را ادامه بدهیم. جالب است که حتی همسر سابق چاوس نیز به رفراندوم رای منفی داد. اساسا چاوس به سخنرانی هایی که مردم را به شعار دادن وادارد خیلی علاقه مند است و با عباراتی نامودبانه مخالفانش را مورد خطاب قرار می دهد. عباراتی که او دیگران را مورد خطاب قرار می دهد باعث شده تا مخالفانش او را مبتلا به «توهم دشمن پنداری» بدانند. چاوس همواره بخش عمده ای از سخنانش علیه آمریکا و جرج بوش است. از نظر او همه مخالفانش خائینی هستند که از جانب امپریالیسم اجیر شده اند.

ادبیات نامتعارف چاوس در اجلاس کشورهای آمریکای لاتین در شیلی که چندی پیش برگزار شد، جنجال آفرید. او نخست وزیر سابق اسپانیا را فاشیست نامید و گفت: «فاشیست ها که آدم نیستند. ما را از فاشیست ها آدم تر هستند.» جملات چاوس باعث شد پادشاه اسپانیا گردش را از پشت میز دراز کند و بگوید «پس چرا خفه نمی شی» و جلسه را ترک کند. یک هفته بعد صدای پادشاه اسپانیا که به چاوس گفته بود «خفه شو» زنگ موبایل دانشجویان ونزوئلایی شد.

این جنجال بعد از دو هفته هنوز ادامه دارد و چاوس دیروز گفته است: «آن آقای پادشاه از کودتای سال ۲۰۰۰ علیه من اطلاع داشته. آقای پادشاه چرا توطئه می کنی.» وقتی پادشاه اسپانیا به کشورش بازگشت بسیاری از مطبوعات به خاطر اینکه چاوس را ساکت کرده از او تقدیر کردند. جنجال هایی که دور و بر چاوس را خلوت نمی کنند باعث شده است تا برخی تحلیلگران معتقد شوند روند نزولی چاوس شروع شده است. برخی دیگر معتقدند فکر کنید همه چیز تمام شده است، حتی با وجود رای منفی به رفراندوم پیشنهادی چاوس، رئیس جمهور ونزوئلا هنوز قدرتمند است و توانایی ایجاد تغییر در بسیاری از زمینه های اجتماعی، سیاسی و انتقادی را دارا است.

عمر البشیر معلم انگلیسی را عفو کرد

عمر البشیر رئیس جمهور سودان جیلیان گیبونز معلم ۵۴ ساله بریتانیایی را که متهم به اهانت به پیامبر اسلام شده بود، بخشید. هفته گذشته دادگاهی در سودان خانم گیبونز را در سه مورد اهانت به پیامبر اسلام، ایجاد نفاق و تحقیر باورهای دینی مردم به پانزده روز حبس و سپس اخراج از سودان متهم کرده بود. براساس قوانین سودان، اهانت کنندگان به پیامبر ممکن است به شش ماه حبس و چهل ضربه شلاق محکوم شوند. این آموزگار متهم بود که در کلاس او به شاگردان اجازه داده شد تا نام پیامبر را بر عروسک خود بگذارند. خود وی می گوید این اقدام از روی عمد و به قصد توهین نبوده و شاگردان رایج ترین نام در آن منطقه را بر روی عروسک گذاشته بودند. در پی محاکمه و زندانی شدن این معلم انگلیسی، دو روز گذشته یک هیات انگلیسی به رهبری دو نماینده پارلمان با عمر البشیر در سودان ملاقات کردند و خواستار بخشش گیبونز شدند. روابط انگلستان و سودان از زمان بحران دارفور تیره شده است و به نظر می رسد عفو اخیر عمر البشیر بتواند تا حدودی این روابط را ترمیم کند. در واکنش به اقدام البشیر، دیروز گوردون براون نخست وزیر انگلستان از این تصمیم استقبال کرد. همچنین دیوید میلیبند وزیر خارجه انگلستان با صدور بیانیته ای گفت: «از این تصمیم رئیس جمهور سودان بسیار ممنون هستیم. قضیه گیبونز در صدر اولویت های این وزارتخانه قرار داشت.» در این بیانیته از دو نماینده انگلیسی و نیز جامعه مسلمانان بریتانیا تشکر شده است. این جامعه با صدور اطلاعیه ای گفته بود که قضیه گیبونز ناشی از «یک سوءتفاهم» بوده است. قرار است به زودی این معلم انگلیسی آزاد و به کشورش بازگردانده شود.

۴۲۹ اسیر فلسطینی آزاد شدند

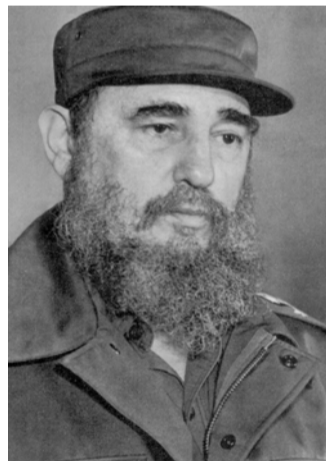
اسرائیل روز گذشته به بهانه کمک برای پیشبرد روند صلح و پشتیبانی از دولت خودگردان فلسطین به رهبری محمود عباس ۴۲۹ اسیر فلسطینی را آزاد کرد. این تعداد قرار بود پیش از کنفرانس آنابولیس آزاد شوند اما اسرائیل آزادی آنها را به تعویق انداخت. گفته می شود غالب این زندانیان دوران محکومیت خود را سپری کرده اند. از بین این تعداد ۴۰۸ نفر به منطقه کرانه باختری و ۲۱ نفر به غزه تعلق دارند. اغلب اسرای آزاد شده به گروه فتح و برخی به سایر گروه ها از جمله جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین تعلق دارند. از این اسرا تعهد گرفته شده است که دیگر دست به اعمال «تروریستی» نزنند. گفته می شود حدود ۱۱ هزار فلسطینی در زندان های اسرائیل اسیر هستند که تعدادی از آنها بیش از ۲۵ سال است در زندان به سر می برند. در همین حال اسرائیل به فشارهای نظامی و اقتصادی خود بر منطقه غزه که تحت کنترل حماس قرار دارد ادامه می دهد. طبق گزارش های ارسالی این منطقه شاهد فاجعه بی انسانی است و اسرائیل سوخت رسانی و ارسال برق به این منطقه را قطع کرده است. روزهای



گذشته به تعدادی از اهالی غزه که قصد سفر به مصر داشتند اجازه داده شد تا به این کشور سفر کنند. در حملات دو روز گذشته اسرائیل به غزه ۹ فلسطینی کشته یا زخمی شدند. در پاسخ به تهدیدهای اخیر ایهود باراک وزیر دفاع اسرائیل مبنی بر حمله فراگیر به غزه، سازمان جهاد اسلامی گفت: «در صورت هرگونه حمله نظامی به غزه هفتاد جوان فلسطینی آماده عملیات شهادت طلبانه هستند.» ابوحامد سخنگوی گردان های القدس وابسته به جهاد اسلامی همچنین از ساخت موشک هایی پیشرفته خبر داد که به گفته او با موشک های کاتیوشای روس برابری می کند. ابوحامد می گوید: «ما هم اکنون ده ها موشک در اختیار داریم که حتی به مرکز شهر المجدل در سرزمین های اشغالی و دورترین نقطه در شمال این منطقه می رسد.»

خیزش دوباره کاسترو برای ریاست جمهوری

بی بی سی؛ فیدل کاسترو به رغم آنکه هنوز از نظر جسمی بهبود نیافته، دوباره برای عضویت در پارلمان ملی کوبا ثبت نام کرد. کاسترو که ۸۱ سال دارد ۱۶ ماه پیش به علت بیماری از قدرت کناره گرفت و مسوولیت های خود را به برادرش راول واکنار کرد. وی برای اینکه دوباره رئیس جمهور شود باید ابتدا به عضویت پارلمان درآید و ثبت نام او برای نمایندگی پارلمان به همین منظور است. از یک سال پیش که کاسترو در معرض جراحی داخلی قرار گرفت در عرصه های عمومی آشکار نشده و تنها از طریق تلویزیون یا تصاویر روزنامه ها دیده شده است. از جمله این اتفاقات دیدار او با هوگو چاوس رئیس جمهور ونزوئلا بود. قرار است بیستم ژانویه آینده انتخابات پارلمانی در کوبا برگزار شود.



بدترین بحران انسانی آفریقا در سومالی



رویترز؛ جان هولمز مقام عالی سازمان ملل در امور کمک های انسانی روز دوشنبه وارد سومالی شد و گفت که این کشور شاخ آفریقا نیازمند تلاش های بیشتری است. تاکنون تقریباً ۶ هزار غیرنظامی در سال جاری در سومالی کشته شده اند. انتظار می رود این مقام سازمان ملل عبدالله یوسف رئیس جمهور و نورحسین حسین نخست وزیر سومالی را تحت فشار قرار دهد تا در جلب کمک های انسانی برای هزاران آواره سومالیایی سازمان ملل را مساعدت کنند. این افراد در اثر درگیری میان سربازان دولتی تحت حمایت اتیوپی و شورشیان اسلامگرا از خانه و کاشانه خود آواره شده اند. مقام های سازمان ملل می گویند که بحران انسانی سومالی بدترین بحران آفریقا به شمار می رود به طوری که یک میلیون نفر آواره شده اند و تلاش هایی که برای عرضه موادغذایی به نیازمندان صورت می گیرد به خاطر دزدی های گسترده و بسته بودن مرزها با مانع مواجه شده است.



View
all our
properties on
rightmove.co.uk
The UK's number one property website



مشاورین املاک آوادر خدمت هموطنان ایرانی



SALE - LETTING - MANAGEMENT
UP TO 100% MORTGAGES

خرید خانه و دریافت وام مسکن تا سقف ۱۰۰٪
بدون نیاز به ارائه مدرک درآمد

100% وام مسکن

659, Watford Way, Mill Hill, London, NW7 3JY Tel: 020 8959 9390

www.avaproperty.com

Looking for a quick sale at the right price?



rightmove.co.uk

The UK's number one property website

Looking to let?





info@persianweekly.co.uk

اقتصاد



دورنمای اقتصاد انگلستان ناخوشایند است



رئیس بانک مرکزی انگلستان با هشدار به دورنمای ناخوشایند اقتصادی این کشور، گفت: پیش بینی می شود که رشد اقتصادی کاهش پیدا کند.

مروین کینگ King Mervyn رئیس بانک مرکزی انگلستان در سخنان خود در مقابل اعضاء کمیته پارلمانی انگلیس مسئول بررسی امور خزانه، گفت: بهای بالاتر انرژی و مواد غذایی و همچنین تداوم کاهش اعتبار جهانی موجب شده اند تا دورنمای اقتصادی جنبه ناراحت و ناخوشایندی را به خود گیرد. رئیس بانک مرکزی انگلستان با هشدار به احتمال وجود کاهش رشد اقتصادی گفت: محتمل ترین نتیجه ممکن این است که رشد بازدهی اقتصادی کاهش پیدا کند، و تورم نیز دست کم برای مقطعی از زمان رو به بالا برود. وی در زمینه احتمال بروز مشکلات بیشتری در ارتباط با بازارهای اعتباری نیز ابراز نگرانی کرد. مروین کینگ همچنین اعلام کرد تسهیلات نقدینگی جدیدی به مدت ۵ هفته در این کشور به اجرا در خواهند آمد تا بانک های بزرگ مطمئن شوند که در ایام کریسمس، در نظام بانکی، پول به اندازه کافی وجود خواهد داشت. رئیس بانک مرکزی انگلستان، در مقابل اعضاء کمیته پارلمانی مسئول بررسی امور خزانه، در تشریح گزارش ماهانه مربوط به تورم گفت: پیش بینی می شود پس از گذشت این مقطع نامعلومی، رشد اقتصادی به میانگین بلند مدت خود بازگردد و تورم نیز در سطح ۲ دهم درصد قرار گیرد. مروین کینگ گفت: آشوب در بازارهای جهانی موجب شده است تا شرایط اعتباری سخت تر شوند به ویژه برای قرض کنندگانی که قرضشان با ریسک زیادی همراه است. وی افزود: سخت شدن شرایط اعتباری بر روی مسائل دیگر از قبیل هزینه مصرف کننده و اقتصاد تاثیر خواهد گذاشت.

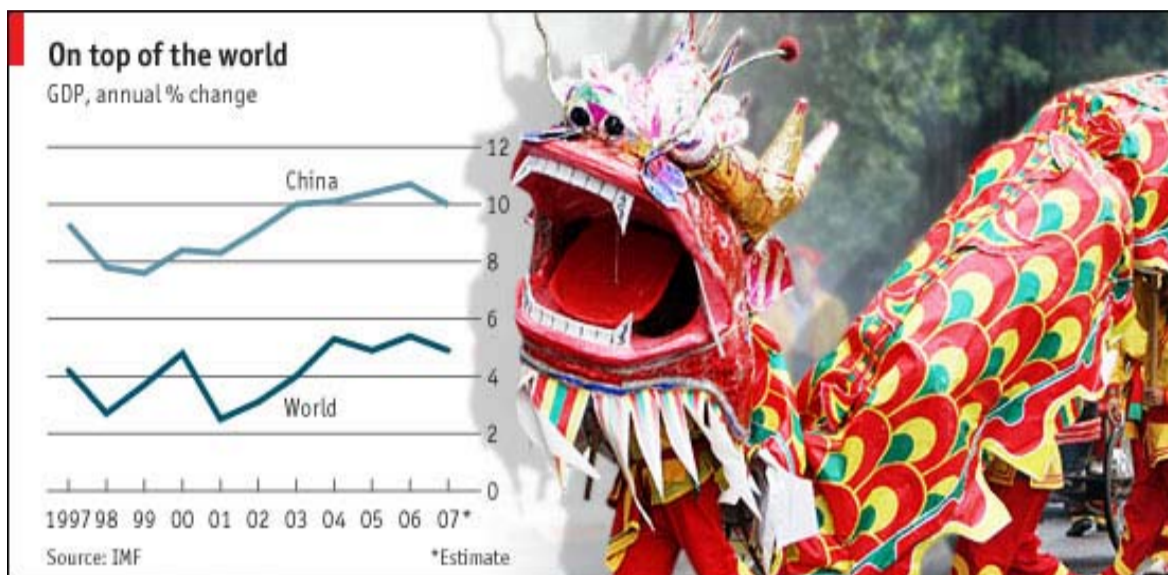
رئیس بانک مرکزی انگلستان تصریح کرد: در نتیجه آسان تر شدن دسترسی به قرض کردن، و همچنین گران تر شدن آن، احتمال می رود که نرخ پس اندازهای شخصی افزایش پیدا کند و به رشد آهسته تر هزینه مصرف کننده بیانجامد.

به گفته کارشناسان اقتصادی، کاهش اعتبار جهانی موجب شده است تا بانک ها در جمع آوری پول با مشکلات زیادی روبرو شوند. به گفته این کارشناسان، بانک نرثرن راک Rock Northern نمونه بارزی از قربانیان اثرهای ناشی از کاهش اعتبار جهانی به شمار می رود.

بریتیش پترولیوم ۲۰ میلیون دلار جریمه شد

وزارت دادگستری آمریکا، شرکت بریتیش پترولیوم را به جرم تخریب و آلودگی محیط زیست منطقه آلاسکا به پرداخت ۲۰ میلیون دلار جریمه محکوم کرد. خبرگزاری فرانسه ضمن اعلام این خبر افزود: نشست یکی از بزرگترین خطوط لوله انتقال نفت بریتیش پترولیوم در آلاسکا، موجب آلودگی مناطق وسیعی از محیط زیست منطقه شده است. بیش از ۷۶۰ هزار لیتر نفت خام از خط لوله این شرکت طی مارس ۲۰۰۶ میلادی وارد آبهای منطقه آلاسکا شده است. وزارت دادگستری آمریکا طی بیانیه ای ضمن هشدار به شرکت های خارجی، اعلام کرد: جریمه شرکت بریتیش پترولیوم باید سایر شرکت های خارجی فعال در صنعت نفت آمریکا را نسبت به رعایت قوانین محیط زیست، حساس کند.

کارشکنی چینی ها علیه تجار ایرانی



چین در حالی امتیاز اولین شریک تجاری ایران را پس از عقب نشینی آلمان یدک می کشد که کارشکنی بانک های متبوع این کشور تاجران ایرانی را به ستوه آورده است. به گفته رئیس اتاق مشترک ایران و چین بانک های دولتی چین در هفته اخیر از گشایش LC برای تجار ایرانی خودداری می کنند. مانع تراشی بانک های چینی که از اوایل تابستان صورت جدی تری به خود گرفته بود گمان می رفت با مذاکره بخش خصوصی ایران و همچنین رایزنی دولتی ها (سفر وزیر کشور به چین) برطرف شود اما چینی ها که با صادرات حجم وسیعی کالای مصرفی، بخش عمده یی از بازار مصرف ایران را در اختیار گرفتند و توانستند سرمایه گذاری در توسعه پارس شمالی را از آن خود کنند گویی تحت تاثیر شرایط بین المللی رویکرد جدیدتری را نسبت به مراوده اقتصادی با ایران در پیش گرفتند تا از بازی جدید دیگر کشورهای عضو گروه ۱۱ «عقب نمانند». البته عسکراولادی درباره مانع تراشی ها می گوید: «بانک های چینی هنوز دلیلی برای محدودیت ها بیان نکرده اند» او معتقد است: «ادامه این روند به مبادلات تجاری و روابط اقتصادی دو کشور صدمه خواهد زد». رئیس اتاق مشترک ایران و چین همچنین از اعزام هیات تجاری اتاق مشترک ایران و چین به پکن خبر می دهد: «این هیات ها که یکی از آنها در پکن به سر می برد با هدف مذاکره برای حل مشکلات بانکی به وجود آمده بین دو کشور اعزام شده اند و از سوی دیگر بانک مرکزی نیز در حال مذاکره با طرف چینی برای حل این موضوع است». عسکراولادی در گفت و گو با ایسنا تصریح می کند: علاوه بر هیات های اعزام شده یک هیات تجاری بخش خصوصی نیز در هفته جاری اعزام هنگ کنگ می شود تا دلایل تصمیم اخیر بانک های چینی را مورد بررسی قرار داده و در جهت حل آن اقدام کند هر چند کار سختی است. فضای تجاری خارجی ایران روز به روز محدودتر شده و شرکای مهم تجاری ایران در صورت حرکت کند دولتی ها یکی پس از دیگری کناره گیری می کنند. رئیس اتاق بازرگانی ایران چندی پیش با انتقاد از کندی روند مذاکرات بانک مرکزی ایران و بانک های چین گفت: «باید با توجه به اصلاحات اقتصادی ایران و ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه گذاری مشترک شرکت های خصوصی تدابیری اتخاذ شود که بانک های دو کشور بتوانند به سهولت با یکدیگر کار کنند». بیش از دو ماه از اظهارات رئیس اتاق ایران می گذرد اما مشکلات تجار ایرانی کماکان ادامه دارد و به رغم پیش بینی افزایش سطح مبادلات اقتصادی میان دو کشور و وعده معاون وزیر تجارت چین مبنی بر رفع موانع تامین اعتبار و تسهیل روابط اقتصادی دو کشور، بانک های چینی تمایلی به مصالحه ندارند. از این رو در صورت تداوم محدودیت های تجاری به طور قطع مبادلات اقتصادی ایران و چین برخلاف پیش بینی ها روند نزولی خواهد گرفت.

احتمال کاهش مبادلات اقتصادی

در این میان رئیس اتاق مشترک ایران و چین با اشاره به مبادلات ۱۸ میلیارد دلاری ایران و چین در سال ۸۵ می گوید: در صورت ادامه مشکلات بانکی و گسترش دامنه آن میزان مبادلات دو کشور کاهش یافته و برخلاف پیش بینی ها به ۲۰ میلیارد دلار نخواهد رسید. عسکراولادی در حالی محدودیت ها را جدی مطرح می کند که در اواسط تابستان سال جاری او سطح روابط تجاری-اقتصادی ایران و چین را رضایت بخش توصیف می کرد. همچنین رئیس اتاق ایران نیز معتقد بود که در پنج سال آینده در حوزه انرژی بیش از ۵۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری مشترک با چین انجام شود.

اما گویی چینی ها همانند آلمانی ها سیاست رویارویی با ایران را بر ادامه روابط اقتصادی ترجیح داده و به رغم مذاکرات مثبت سیاسی میان دو کشور و وعده حمایت های سیاسی و اقتصادی چین از ایران فشارهای اقتصادی و سیاسی آمریکا علیه ایران، در اولویت قرار گرفته است.

با هدف ایجاد دنیایی پاک

گوگل در تولید انرژی پاک سرمایه گذاری می کند

گوگل اعلام کرده است که با هدف ایجاد دنیایی پاک در پروژه جدیدی میلیونها دلار برای تحقیقات و راه اندازی یک بخش انرژی تجدیدپذیر زیستی سرمایه گذاری خواهد کرد.

«لری پیج» و «سرگی برین» بنیانگذاران گوگل اعلام کرده اند که پروژه جدیدی را عنوان RE < C (انرژی تجدیدپذیر ارزان تر از زغال) توسعه می دهند. شرکت گوگل به منظور راه اندازی این پروژه زیستی ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری می کند.

هدف از اجرای این پروژه، ایجاد دنیایی پاک و جذب کارشناسان انرژی برای یافتن منابع انرژی تمیزتر و کم هزینه تر از انرژی هایی است که در حال حاضر برپایه سوخت های فسیلی استوار شده اند. براساس گزارش نیویورک تایمز، لری پیج در این خصوص اظهار داشت: «همه می دانند که برخی فناوریها برای انرژیهای تجدیدپذیر مثل انرژی خورشیدی بسیار مفید هستند اما من احساس می کنم که درباره این موضوع بسیار کم پرداخته شده است».

گوگل در اجرای پروژه RE < C تعداد زیادی پایگاه اطلاعاتی را راه اندازی می کند که در این پایگاهها تمام عملیاتی لازم برای خدمات آنلاین انجام می شود.

هزینه های انرژی این پایگاه های اطلاعاتی از بودجه گوگل تامین می شوند و به همین علت این شرکت در اجرای این پروژه از کشورهای استفاده می کند که در آنها پایگاههایی که به پردازش اطلاعات می پردازند، انرژی خود را از برق تامین می کنند.

یک پایگاه اطلاعاتی از ۱۰ هزار سرور تشکیل شده است که انرژی مصرفی آنها برابر با انرژی مورد نیاز هزار خانواده است، بنابراین با کاهش میزان انرژی مورد نیاز این پایگاه ها می توان تا حد قابل ملاحظه ای در مصرف انرژی صرفه جویی کرد.

به گفته تحلیلگران مالی «وال استریت» در صورتی که گوگل این گام بسیار بلند را در عرضه انرژیهای تجدیدپذیر بردارد، سرمایه گذاری در بخش تحقیقات انرژیهای تجدیدپذیر زیستی می تواند به طور چشمگیری توسعه یابد.

این اقدام گوگل در شرایطی اجرا می شود که بسیاری از شرکت های بخش فناوری نیز در بخش انرژی های پاک تلاش هایی را انجام داده اند، برای مثال شرکت «اچ پی» یک پانل انرژی خورشیدی را با توان یک مگاوات در سانفرانسیسکو نصب کرده است و همچنین قصد دارد در سال ۲۰۰۸ پانل دیگری را در ایرلند راه اندازی کند که ۸۰ کیلووات بر ساعت برق تولید می کند. همچنین گوگل در راستای اجرای این پروژه با دو شرکت بزرگ به توافقاتی دست یافته است. یکی از این شرکتها «eSolar» است که یک سیستم آینه ای را برای جمع آوری انرژی خورشیدی و تبدیل این انرژی به بخار برای تغذیه ژنراتورهای الکتریکی توسعه داده است و دیگری شرکت Makani Power است که در حال توسعه توربین های مخصوصی است که می توانند بادهای تند و ملایم را در مقیاس وسیع جمع آوری کنند.



موسسه پذیرائی گلچین



مشاور ، طراح و برگزار کننده جشنهای شما
(عروسی - نامزدهی - تولد - مهمانیهای خصوصی - مراسم عزاء)
تهیه بهترین و مجلل ترین سالن و
هتل با سرویس پذیرائی کامل



با انواع غذاهای ایرانی-فرنگی و دریایی به همراه

(کیک - گل آرائی - ماشین عروس - سفره عقد - فیلمبرداری - عکاسی - موزیک زنده - میز - صندلی - سرویس رومیز)

گلچینی از بهترین تزئینات غذائی با مدرن ترین سرویس



Mob: 07904 515 081 - Tel / Fax: 020 3084 4620

www.golchin.co.uk

38 Glebe Road Stanmore HA7 4EL

E mail: info@golchin.co.uk

قبل از ارسال ارز خود حتما نرخ ما را بپرسید



پاسارگاد

Exchange

PASARGAD

Registration no: 12234004

شما می توانید ارز خود را به هر گوشه دنیا اعم از
ایران ، امارات ، اروپا ، ترکیه ، آمریکا و بالعکس به سرعت انتقال دهید
از دیگر خدمات ما خرید سکه طلا و مسکوکات می باشد

Tel: 020 8922 0002

020 8922 0001

077 8383 1841

Address:

164 Ballars Lane, Finchley Centre N3 2PA

www.pasargaduk.com

info@pasargaduk.co.uk



info@persianweekly.co.uk

گردشگری

آرامش در شهر
بادگیرها

گردآوری: فرشته کدیور

شهر قنات‌ها و بادگیرها، شهر دوچرخه‌ها، شهر شیرینی‌ها، اینها همه القابی است که به شهر یزد داده می‌شود. شهری در کنار کویر و در فاصله ۶۷۷ کیلومتری تهران و یکی از ۷ کلانشهر کشور.

پیشینه تاریخی:

برخی از مورخین بنای اولیه شهر یزد را به زمان اسکندر مقدونی نسبت می‌دهند که وی زندانی ساخته و نام آن را چنین نهاده است و به اعتقاد عده‌ای دیگر در دوره ساسانیان به فرمان یزدگرد اول (۳۲۹-۴۲۱ م) در این محل شهری بنام «یزدان‌گرد» بنا گردیده است. نام یزد از همین عنوان گرفته شده است و به معنی مقدس، فرخنده و در خور آفرین می‌باشد. مورخین یونانی شهر کهن و باستانی را ایساتیس خوانده‌اند که احتمالاً بعد از ویرانی شهر کهن «کته» پدید آمده است. پس از ظهور اسلام و گرایش مردم ایران به دین اسلام به یزد لقب «دارالعباده» داده شد. یزد به معنای پاک و مقدس و یزدگرد به معنای داده خدایی است. شهر یزد نیز به معنای شهر خدا و سرزمین مقدس است.

فرهنگ، زبان و گویش مردم:

مردم یزد به زبان فارسی رایج با پاره‌های ویژگی‌های گویشی سخن می‌گویند و بسیاری از واژه‌ها و ترکیبات زیبای فارسی را در گویش خود حفظ کرده‌اند. زرتشتیان در میان خود هنوز به زبان نیاکانشان سخن می‌گویند و بویژه مراسم مذهبی خود را با این زبان انجام می‌دهند. گویش یزدی بخشی از فارسی دری (فارسی خالص و اولیه ایرانیان) است.



باقت و معماری یزد:

مشخص‌ترین وجهه شهر معماری خاص کویری آن است. بادگیرها، مناره‌ها و گنبد‌ها مشخص‌ترین جنبه ظاهری معماری شهر است



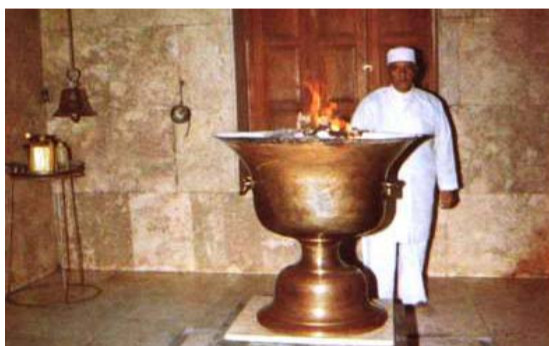
ساختمان هشتی و بادگیر، عمارت بهشت آئین و تالار آینه، عمارت تهرانی، آب انبار دو دهانه و باغ ناصر است. فضای سبز باغ درختان میوه مانند انگور و سرو و کاج داشته و همچنین گل‌های محمدی و سرخ نیز در باغ دیده می‌شوند. فضای داخلی باغ تقریباً سبز است و تا حدودی باغ فین کاشان را در ذهن بیننده تداعی می‌کند. درهای ساختمان اصلی از چوب و به صورت کنده کاری دیده می‌شود و در داخل بنا اتاق‌های متعددی قرار دارد که در اکثر این اتاق‌ها حوضی قرار گرفته و درهای یکی از اتاق‌ها که رو به حیاط و باغ باز می‌شود، با شیشه‌های رنگارنگ با طرح‌های زیبا مزین شده که در هنگام وجود خورشید و پرآب بودن حوض منظره زیبایی از نقاط رنگی منعکس شده را بر روی حوض مرمین به نمایش می‌گذارد. در یکی دیگر از اتاق‌ها بادگیر معروف دولت آباد قرار دارد که با ارتفاع زمین ۲۳ متر از زمین بلندترین بادگیر از نوع خود بوده و به خوبی کولر می‌تواند خنکی ساختمان را تامین کند.

آتشکده:

به گونه‌ای از نیایشگاه‌های زرتشتیان گفته می‌شود. زرتشتیان معبد و آتشکده را «در مهر» هم می‌گفته‌اند که یادآور سنت‌های پیش تاریخی در ایران و آیین مهر یا میتراپیسم نیز هست. آتشکده مکان مقدس زرتشتیان است که همواره در آن آتش نماینده فروغ ایزدی فروزان است. شکل و بنای آتشکده‌ها در همه جا یکسان بوده، معمولاً هر آتشکده هشت درگاه و چند اتاق هشت گوشه داشته و آتشدان در وسط بنا واقع بوده و پیوسته آتش مقدس در آن می‌سوخته. اما با گذر زمان و به تدریج در دین زرتشت مقرر می‌شود که آفتاب بر آتش نتابد. بنابراین آتش را در فضای باز نگهداری نکرده و اتاقی در وسط بنا ساختند که آتشدان در آن قرار داشت. تعداد آتشکده‌ها بسیار بود و تأسیس آن‌ها به زمان خیلی پیش از ظهور زرتشت، یعنی زمان پیشدادیان (هوشنگ و جمشید) می‌رسید.

ساعت مارکار:

نام ساعتی است که در یکی از میدان‌های شهر یزد به نام میدان مارکار



واقع شده است. در کنار این میدان مدرسه مارکار و پرورشگاه مارکار قرار گرفته است. تمام این محل‌ها توسط یک فرد زرتشتی به نام پشوتن جی دوساباهای مارکار که خود در هند می‌زیسته است ساخته شده است. امروزه نیز با اینکه چندین سال از درگذشت این فرد می‌گذرد هزینه‌های جاری آن از محل موقوفات وی تامین می‌گردد.

خانه لاریها:

از مجموعه بناهای تاریخی متعلق به دوران قاجاریه شامل شش باب خانه با فضاهای کاملاً معماری ویژه خانه‌های کویری می‌باشد. این مجموعه همجوار بناهای تاریخی چون مدرسه ضیائییه یا زندان اسکندر بقعه سید گل‌سرخ و برج و باروی یزد است که جمعاً شش هزار متر مربع وسعت دارد خانه لاریها به شماره ثبتی ۱۸۲۷ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

صنایع یزد:

در یزد صنایع بزرگی همچون فولاد آلیاژی و مجتمع صنعتی چادرملو و کارخانه فولاد نورد یزد و صنایع کاشی و سرامیک جای گرفته است که با وجود این صنایع حدود ۵۲ درصد از مصرف برق در تعرفه صنعتی استفاده می‌شود.

سوغات:

از سوغات معروف یزد می‌توان به ترمه معروف یزد، حلوا ارده، روغن کنجد و شیرینی‌هایی نظیر باقلوا، قطاب و پشمک و کیک یزدی اشاره کرد.

در این معماری از بادگیر برای گرفتن جریان باد و خنک کردن فضای ساختمان استفاده می‌شد. بافت و ساخت معماری ویژه منطقه یزد از بارزترین نمونه‌های معماری خاص اقلیم‌های گرم و خشک در جهان است. تناسب آن با نیازها و شرایط اقلیمی - فرهنگی مردم منطقه، گذشته از زیبایی خاص این معماری، از ویژگی‌های آن است. در مرکز هر محله معمولاً حمام، بازارچه، آب انبار، مسجد، حسینیه، لرد، کارگاه‌های کوچک، جوی آب (برای دسترسی به قنات) قرار دارد که بسیاری از این امکانات هنوز پا برجا هستند. حیاط مرکزی اصلی ترین فضای خانه یزدی است. حوض آب در وسط حیاط قرار گرفته است و باغچه‌ها دور تا دور آن با درختانی که نیاز کمی به آب دارند همچون انار، انگور، انجیر و پسته که علاوه بر سبزی خانه و تامین سایه و خنکی هوا از خشکی هوا نیز می‌کاهد.



از جمله نمونه‌های بارز معماری قرنهای گذشته محله فهادان یا یوزداران است که در گویش محلی جنگل یا محل یوزاران نامیده می‌شود. اقلیت های دینی نظیر یهودیان بیشتر در محله یهودی‌ها در سمت جنوب مسجد جامع ساکن هستند و کنیسه‌ای دارند. زرتشتیان نیز از جمله در محله عیش آباد، محله نعیم آباد، کوچه بیوک، محله نرسی آباد، مظهرستان ساکن هستند.

بادگیر:

از مظاهر و سمبل‌های تمدن ایرانی است دقیقاً معلوم نیست اولین بادگیر در کدام شهر ایران ساخته شده ولی سفرنامه نویسان قرون وسطی بیشتر از بادگیرهای شهرهای کویری و گرم و خشک مانند یزد و گناباد و طبس نام برده‌اند کاریز و بادگیر و خانه‌های گنبدی بدون تردید از نمادهای تمدن ایرانی است. اولین بادگیرها در یزد خودنمایی کردند. سیستم کاری بادگیرها به این نحو می‌باشد که هوای جاری بیرون از خانه را به داخل خود می‌کشند و با تشت های آبی که درون آنها تعویبه شده، هوا را خنک و سبک می‌کنند و به داخل خانه هدایت می‌کنند.

از اماکن دیدنی یزد می‌توان از میدان امیرچخماق، باغ دولت آباد، زندان اسکندر (مدرسه ضیائییه)، آتشکده زرتشت، ساعت مارکار و مسجد جامع یزد نام برد.

میدان امیرچخماق:

در این میدان بنای چند طبقه‌ای وجود دارد. این بنا ورودی بازارچه و بخشی از حسینیه ای است که در قرن ۱۲ هجری بنا شده است. تاریخ بنای میدان و تکیه امیرچخماق قرن ۹ هجری است. این میدان ابتدا حسینیه بوده است که توسط امیر چخماق ساخته شده است و همراه مسجدی به همین نام که هم اکنون در کنار این میدان قرار دارد ساخته شد. اما حسینیه امیر چخماق توسط یکی از فرمانروایان یزد خراب شد ولی این بنا هم اکنون در حال بازسازی و تبدیل دوباره آن به حسینیه می‌باشد.

باغ دولت آباد:

از باغ‌های قدیمی کشور است. بنای این مجموعه به سال ۱۱۶۰ توسط محمدتقی خان بافقی که به خان بزرگ معروف بوده ساخته شده و در حدود ۲۶۰ سال قدمت داشته و محل اقامت حاکم وقت و معاصر با شاهرخ میرزا و کریم خان زند بوده است. که در حال حاضر زیر نظر یکی از نوادگان محمدتقی خان به نام محمد علی خان معزالدینی اداره میشود.

این مجموعه یادگاری است از دوره‌های افشاریه و زندیه که شامل عمارت سردر،





info@persianweekly.co.uk

به یاد داشته باشید با صرافی های معتبر پولهای خود را ارسال نمائید



Abbey Claims
Professional Accident
management services

کلیه مشکلات خود را از ابتدا تا انتها به ما واگذار نمائید

دریافت خسارت کامل شما از بیمه و جلوگیری از بالا رفتن قیمت بیمه شما
تسهیلات ویژه برای رانندگان Minicab
اگر در حین کار دچار از کار افتادگی شده اید ما کلیه مزایای شما را دریافت می کنیم

DON'T GET CONFUSED
Had an accident?
NOT YOUR FAULT, CALL ABBEY CLAIMS

We will give you the best options

Personal Injury Compensation
Replacement Vehicle/PCO Licence
deliver to your door
Special Schemes for PCO registered drivers
Loss of earning
Protection of no claim bonus
Recovery and Storage
Vehicle Repair
Criminal Injuries Compensation
Employment matters
Industrial Injuries / trips/slips



We even collect your documents if you have any difficulties.
We can offer a PCO licence registered vehicle to you at a competitive rate
Abbey Claims is authorised by the Ministry of Justice in respect of
regulated claim management activities.

صافکاری و نقاشی و دیگر تعمیرات ماشین با نازلترین قیمت با تخفیف ویژه جهت رانندگان Mini Cab
تحویل ماشین در محل و دریافت مدارک شما از محل

Simply Call: www.abbeyclaims.co.uk

020 7060 9577

LORD BUSINESS CENTER, 665 NORTH CIRCULAR ROAD, LONDON, NW2 7AX





info@persianweekly.co.uk

هزار و یکشب
داستانهای

قصه های هزار و یکشب

(گردآوری و تالیف: بهزاد - ر / از کتاب قصه های هزار و یک شب)

چون شب بیستم بر آمد

گفت: ای ملک جوان بخت چون نورالدین به پی وزیر آمد وزیر دختر به او سپرد و گفت: امشب با زن خویش به کامرانی بگذران که بامداد به پیش ملک رویم. نورالدین را ماجرا بدینگونه شد.

اما شمسالدین چون از سفر بازگشت برادر بر جای نیافت و از خادمان جویا شد. خادمان گفتند: روزی که تو با ملک رفتی او نیز بقصد تفرج سوار گشته برفت و تا اکنون بازنگشته. شمسالدین را خاطر پریشان گردید و به دوری برادر محزون شد و با خود گفت: سبب مسافرت برادر جز این نبوده که من با او درشتی کردم و سخنان تلخ گفتم. در حال برخاسته به پیش ملک رفت و او را از ماجرا بیگانه‌اند. ملک به اطراف کتابها نوشت و رسولان فرستاد. رسولان برفتند و بی‌خبر بازگشتند. شمسالدین از برادر امید ببرید و خویشتن را ملامت می‌کرد و از سخنان بی‌خردانه خود پشیمان بود.

پس از چندی شمسالدین دختری از بازرگانان به زنی بخواست. اتفاقاً شبی که عروس را آوردند نورالدین نیز همان شب با دختر وزیر بصره به حجله اندر شد. هر دو زن به یک شب آبتن شدند. زن شمسالدین دختری بزاد و زن نورالدین پسری.

بامداد روز عروسی وزیر بصره نورالدین را پیش ملک برد. نورالدین بس دلیر و خداوند جمال بود و زبان فصیح داشت. آستان ملک ببوسید و این دو بیت برخواند:

رای سلطان مُعظم شهریارِ دادگر
ز آنکه چون خورشید روشن رای مُلک آرای او

پس ملک ایشان را گرمی بداشت و از وزیر پرسید: این پسر کیست؟ وزیر گفت: مرا برادری به مصر اندر وزیر بود. خود در گذشته دو پسر دارد: پسر بزرگش به جای وی به وزارت نشست و پسر کهنترش همین است که پیش من آمده. من دختر به عقد او در آورده‌ام و او پسری است هشیار و دانشمند و او را آغاز جوانی است اما مرا عمر به پایان رفته و تدبیر من کم شده و چشمم کم‌بین گشته و از ملک تمنا دارم که برادرزاده بر جای من نشاند. ملک تمنای وزیر بجا آورده سخنش را بپذیرفت و وزارت به نورالدین سپرده خلعتی شایسته با اسب سواری خود به نورالدین داد. آنگاه وزیر بصری و نورالدین زمین بوسیده از پیش ملک در غایت خرسندی و شادی بازگشتند. روز دیگر نورالدین پیش ملک رفته زمین ببوسید و گفت:

سپر جاه تو مرا دریافت
همچو آئینه طبع من بزود

ملک نورالدین را بر مسند وزارت اجازت داد. نورالدین در مسند وزارت نشسته به کار مملکت و رعیت مشغول شد و ملک به سوی او نظاره می‌کرد. دانشمندی او ملک را سخت عجب آمد. چون دیوان مُقَضی شد نورالدین به خانه بازگشت و کارهای خویش با وزیر باز گفت و او را از تفکرات ملک آگاه ساخت و هر دو شادمان و خرسند بنشستند و به این ترتیب بگذشت تا زن نورالدین پسری بزاد. نام او را حسن بدرالدین نهادند. همه روزه وزیر بصری به تربیت حسن پسر نورالدین مشغول بود. نورالدین به پیش ملک می‌رفت و شغل وزارت می‌گذارد و شبانه‌روز از ملک جدا نمی‌شد تا اینکه خواسته بی‌شمار اندوخت. کشتی کشتی متاع گران‌قیمت به جهت معامله به شهرها فرستاد و بسی ضیاع و عقار و بساتین بنا کرد. چون پسرش حسن چهارساله شد وزیر بصری درگذشت؛ نورالدین به ماتم بنشست. پس از هفت روز بقیه‌ای بر خاک او ساخته خود به تربیت حسن پرداخت. چون حسن به سن رشد رسید دانشمندی را به آموزشگری او بگماشت. حسن قرآن بیاموخت و خط بنوشت و از سایر دانشها نیز بهره‌ور شد و روز به روز نیکویی و خویش فزون‌تر می‌شد چنانکه شاعر گوید:

نیکویی بر روی نیکوت همانا عاشق است
کز نکو رویان کند هر روز نیکوتر ترا

روزی نورالدین جامه‌های حریر و خز به حسن پوشانیده بر اسبی سوار کرد و پیش مُلکش برد. ملک چون حسن بدرالدین را بدید در حُسن و جمالش حیران شد و به نورالدین گفت: هر روز این پسر را در پیشگاه حاضر کن. نورالدین زمین ببوسید و هر روز حسن را با خود پیش ملک می‌برد تا اینکه حسن پانزده ساله شد و نورالدین رنجور گردید. حسن را پیش خود خوانده وصیت بگذاشت و رسوم رعیت‌داری و وزارتش آموخت.

در آن حال نورالدین را از برادر و وطن یاد آمده گریان شد و گفت: ای پسر، شمسالدین نام برادری دارم که عم تو و به مصر اندر وزیر است. من برخلاف خواهش او از مصر به در آمدم. اکنون تو خامه بردار و بدانسان که من گویم نامه بنویس. پس حسن بدرالدین قلم و قرطاس گرفته آنچه که نورالدین می‌گفت او می‌نوشت تا اینکه تمامت ماجرای خویشتن از وصول بصره و وصلت وزیر و هر حکایت که روی داده بود یکیک باز گفت و حسن بنوشت. آنگاه به حسن گفت: وصیت من نیک نگاهدار هرگاه ترا خُزنی روی دهد و غمی رسد به مصر رفته به عم خود بازگو که برادرت در غربت به آرزوی تو جان داد. پس حسن وصیت‌نامه پیچید و به کیسه اندر محکم بدوخت و بر بازوی خویشتن بیست و بر احوال پدر همی‌گریست تا اینکه نورالدین درگذشت. فریاد از خانگیان و کنیزکان بلند شد و ملک و سایر بزرگان و سپاهیان به ماتم نورالدین بنشستند و پس از سه روز به خاکش سپردند و حسن تا دو ماه به ماتم‌داری نشسته به پیش ملک نمی‌رفت. ملک وزارت به دیگری سپرد و فرمود که خانه نورالدین مُهر کرده ضیاع و عقار و بساتین و اموالش را بگیرند. وزیر نو با خادمان قصد خانه نورالدین کرد که خانه را مهر کرده حسن را به قید آرند.

مملوکی که از ممالیک وزیر نورالدین در میان ایشان بود. بر خود هموار نکرد که پسر ولی‌نعمت او به خواری بگیرند. در حال پیش حسن بدرالدین بنشاید و دید که محزون نشسته است، واقعه بر او بیان کرد. حسن گفت: فرصتی هست که به خانه رفته چیزی بردارم و آن را توشه غربت کنم؟ مملوک گفت: از مال درگذر و خود را نجات ده. حسن بدرالدین چون سخن مملوک بشنید سر و روی خود با دامن جامه پوشید و روان گشت تا به خارج شهر رسید. در آنجا شنید که مردم به افسوس و حسرت با یکدیگر می‌گویند که ملک، وزیر نو را به مُهر کردن خانه وزیر نورالدین و گرفتن حسن بدرالدین فرستاده. چون سخنان ایشان بشنید راه بیابان پیش گرفت و نمی‌دانست به کدام سو رود تا اینکه راهش به گورستان افتاد.

چون مقبره پدر بدید به بقیه اندر شد. هنوز نشسته بود که یک نفر یهودی از اهل بصره رسید. گفت: ای وزیر با تدبیر چرا بدینگونه پریشانی؟ حسن گفت: همین ساعت خفته بودم پدر را بخواب دیدم که به سبب ترک زیارت مقبره‌اش با من بخشم اندر است من بسی ترسیدم برخاسته به زیارت قبر وی آمدم و اکنون همی‌خواهم که یک کشتی از کشتیهای خود به هزار دینار زر به تو بفروشم و در احسان پدر صرف کنم. یهودی کیسه زر به در آورده هزار دینار بشمرده و گفت: ای آقای من خطی بنویس و مُهر کن. حسن قلم گرفته بنوشت که نویسنده این خط حسن بدرالدین بفروخت به فلان یهودی یک کشتی از کشتیهای پدر خویش را به هزار دینار زر نقد و قبض ثمن کرد. پس یهودی خط گرفته برفت و حسن ملول نشسته بر احوال خویش همی‌گریست تا اینکه شب در آمد.

حسن در همان جا بخت. چون گورستان مکان جنین مومنه‌ای بدان بقیه گذشت. دید که بقیه از پرتو حسن بدرالدین روشن گشته. جنین را شگفت آمد و بر هوا بلند شد. عفریتی را بدید و بر او سلام کرد و گفت: از کجا می‌آئی؟ عفریت گفت: از شهر مصر می‌آیم. جنین گفت: من از بصره همی‌آیم و پسری به گورستان خفته یافتم که در خوبی به جهان اندر مانند ندارد. با من بیا به تماشای او رویم. پس هر دو به بقیه فرود آمدند و چشم بر جمال حسن بدرالدین دوختند. جنین گفت: من تاکنون پسری بدین زیبایی ندیده‌ام. عفریت گفت: من هم آدمی به این خوبی ندیده بودم ولی در مصر شمسالدین وزیر را دختری است که به این پسر همی‌ماند و ملک مصر او را خواستگاری کرد. وزیر گفت: ای پادشاه از حکایت برادرم نورالدین آگاه هستی که او از من خشم روی بتافت و من نیز از روزی که مادر این دختر را زاده سوگند یاد کرده‌ام که جز پسر برادر به دیگری ندهم. چون ملک سخن وزیر بشنید در خشم شد و گفت: من از مثل تویی دختر می‌خواهم و تو بهانه‌های خُنگ می‌آوری. به خدا سوگند دختری را ندهم مگر به پست‌ترین مردم. پس ملک سپاهی را که پشتش گوز و سینه‌اش برآمده بود بخواست و دختر وزیر را بدو کابین کرد و گفت که امشب دختر بدو سپارند و زنگیان بر آن سپاه احذب گرد آمده بودند و شمعهای روشن به دست گرفته گوزپشت را به گرمابه می‌بردند و با یکدیگر مزاح می‌کردند و همی‌خندیدند. اما دختر وزیر را مشاطگان می‌آراستند و او می‌گریست.

چون قصه بدینجا رسید بامداد شد و شهرزاد لب از داستان فرو بست.

ادامه دارد ...



تصویر بر آقایی براننده

صرافی آسان

انتقال سریع ارز به تمام نقاط ایران و بلعکس فقط در یک روز

با بهترین قیمت و کمترین هزینه

اولین دارنده مجوز رسمی در شمال انگلستان

اطمینان و سرعت هدف ماست.

شما میتوانید در هر وقت روز از قیمت ارز با خبر

شوید فقط با یک تماس.

Mobile 077 3704 2007

Tel/Fax 011 3324 4205

Registration Number 12269534

نامی مطمئن و پیشرو

5 STAR SAT

ساتلایت ۵ ستاره

نصب و تبدیل سیستم ثابت و موتورایزر
جهت دریافت هزاران کانال افغانی، فارسی
کردی، عربی، ترکی و اروپایی

کنترل کلیه کانالها از هر جای منزل بدون نیاز به سیم کشی

نصب آنتن تلویزیون و نصب تلویزیون پلاسما

نصب و راه اندازی کانالهای ماهواره ای در تمام نقاط انگلستان



Tel: 020 8395 3114

Help Line: 07817 690 167



Technomate

Your Digital Partner For Life

آریانا TV از کابل

آریانا افغانستان از آمریکا



info@persianweekly.co.uk



سینما



«نابودگر» خواهد شد. چهارمین قسمت از مجموعه فیلم های علمی - تخیلی «نابودگر» به نام «نجات نابودگر؛ آینده آغاز می شود» ساخته خواهد شد.

شکست «پل هگیس» در دادگاه

پرونده شکایت «پل هگیس» کارگردان برنده اسکار کانادا، علیه همکار تهیه کننده اش در فیلم مشهور «تصادف» با شکست روبرو شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، «هگیس» در این دادگاه ادعا کرده بود که همکار تهیه کننده اش در فیلم برنده اسکار «تصادف» (Crash) قریب به ۵ میلیون دلار به او بدهکار است. «هگیس» علاوه بر کارگردانی و فیلمنامه نویسی فیلم «تصادف»، تهیه کنندگی این فیلم را به عهده داشته است. این پرونده دومین شکایتی بود که هگیس در رابطه با فیلم «تصادف» علیه «باب یاری» یکی از تهیه کنندگان فیلم تشکیل داده است. یاری در برابر شکایت هگیس، هر دو بار مدعی شده که با کسر هزینه های جنبی فیلم، «تصادف» آنچنان فیلم پرسودی هم نبوده است.

حضور راسل کرو در فیلم «استان بازی» قطعی شد



«راسل کرو» برای بازی در فیلم «استان بازی» که یک فیلم حادثه ای سیاسی و تبلیغی هالیوود است جایگزین برد پیت شد تا به این ترتیب فیلم نزد اذهان عمومی مقبول شود. وجهه «برد پیت» در ماه های اخیر با رسوایی هایی زیادی همراه بوده است و دستگاه تبلیغی هالیوود او را برای بازی در این نقش مناسب ندانست. به گزارش ایرنا به نقل از هالیوود ریپورتر، پیت دو هفته پیش توسط مسئولان شرکت فیلمسازی یونیورسال پیکچرز از بازی در این فیلم کنار گذاشته شد. مسئولان شرکت دلیل این کار خود را احتمال شکست فیلم به علت رسوایی های پیت و احتمال طرح شکایت از او عنوان کردند. راسل کرو که به عنوان جایگزین پیت مشخص شده است اکنون در فیلم «داروغه» به کارگردانی رایدلی اسکات سرگرم بازی است. داروغه فیلمی بر اساس داستان های رابین هود است. در فیلم «استان بازی» کرو نقش یک سیاستمدار و روزنامه نگار را بازی می کند که راز یک قتل را فاش می کند. هالیوود که به عنوان بازوی تبلیغی کاخ سفید عمل می کند همواره متوجه استفاده از موقعیت هنرمندان و بازیگران در بهترین حالت تبلیغاتی آن برای پیشبرد نقشه های کاخ سفید است.

ودی آلن اول دسامبر سال ۱۹۳۵ در بروکلین، نیویورک در خانواده ای یهودی متولد شد و در همین شهر نیز بزرگ شد، او را به خاطر موهای قرمز، «مو قرمز» می نامیدند.

او از همان کودکی در مدرسه هم کلاسی های خود را با حقه های طرح دستی و برخی حرکات کمدی، سرگرم می کرد، او همچنین در دو رشته ورزشی بیسبال و بسکتبال بسیار ماهر بود.

او در سن ۱۶ سالگی نوشتن را با نوشتن برای ستاره هایی چون «سید سزار» آغاز کرد و پس از دبیرستان در رشته «ارتباطات و فیلم» در دانشگاه نیویورک مشغول به تحصیل شد، ولی چند ترم بعد به دلیل تنبلی و عدم تعهد نسبت به قوانین دانشگاه، از دانشگاه اخراج شد و بعدها طی دوره کوتاهی نیز در کالج سیتی نیویورک تحصیل کرد.

او پس از ناکامی در تحصیلات دانشگاهی، در ازای هفته ۷۵ دلار دریافتی در ماه به طور تمام وقت بعنوان نویسنده «هرب شراینر»، مجری تلویزیونی استخدام شد.

«آلن» در سن ۱۹ سالگی نوشتن فیلمنامه را شروع کرد، او در ازای هفته ۱۵۰۰ دلار به استخدام «سید سزار»، کمدین درآمد.

سال ۱۹۶۱ او به عنوان یک کمدین بازی در برخی شوهای تلویزیونی و کلوب ها شایانه را آغاز کرد و در سال ۱۹۶۹ با بازی در فیلم «دوباره این رو بازی کن، سم»، آنقدر به شهرت رسیده بود که عکس او را روی جلد مجله «لایف» چاپ کردند.

این در حالی است که او اولین فیلم سینمایی خود را در سال ۱۹۶۶ با نام «What's Up, Tiger Lily?» ساخته بود.

او اولین اثر مهم و مطرح خود با نام «پول رو بردار و بدو» در سال ۱۹۶۹ ساخت.

«آلن» در سال ۱۹۷۷ برای فیلم «آنی هال» برای اولین بار برنده دو جایزه اسکار در بخش بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه غیراقتباسی شد و چند سال بعد نیز برای فیلم «هانا و خواهرش» برنده سومین جایزه اسکار خود در بخش بهترین فیلمنامه اقتباسی شد.

او در مجموع ۲۲ بار نامزد جوایز اسکار و سه بار برنده این جایزه معتبر سینمایی شد.

از جمله های فیلم این کارگردان برجسته آمریکایی می توان به فیلم «match point»، «آنی هال»، «موزها»، «منهتن» و «زلیگ» اشاره کرد.

گذار به سرقت اعتراف کرد



ژان لوک گذار، فیلمساز صاحب نام موج نو سینمای فرانسه، اعتراف کرد برای ساخت فیلم های خود دست به دزدی می زده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه اعلام کرد گذار در این باره به هفته نامه آلمانی «دی سائت» گفت: «چاره ای نداشتم، این تنها کاری بود که می توانستم انجام بدهم. برای اینکه ریوت (ژاک، فیلمساز فرانسوی) اولین فیلم خود را بسازد، حتی از خانواده ام پول دزدیدم. برای فیلم دیدن و فیلم ساختن ناچار بودم دزدی کنم.»

گذار «از نفس افتاده» نخستین فیلم بلند خود را سال ۱۹۶۰ ساخت که از آن به عنوان یکی از آثار پیشرو سینمای موج نو فرانسه یاد می شود. او تاکنون بیش از ۵۰ فیلم کارگردانی کرده و خالق فیلم هایی مانند «یک زن یک زن است» (۱۹۶۱)، «گذران زندگی» (۱۹۶۲)، «پی پرو خله» (۱۹۶۵)، «چینی» (۱۹۶۷)، «نام کوچک: کارمن» (۱۹۸۳) و «ستایش عشق» (۲۰۰۱) است. فیلمساز ۷۷ ساله فردا شنبه در برلین جایزه یک عمر دستاورد هنری آکادمی فیلم اروپا را می گیرد. او با اشاره به اینکه وقت زیادی برای فیلمسازان معاصر ندارد، گفت: «بیشتر کارگردان ها و سه چهارم آدم هایی که در برلین جایزه می گیرند تنها به این دلیل دوربین دست گرفته اند که حس کنند زنده اند. آنها دوربین را برای دیدن چیزهایی که بدون آن قابل دیدن نیستند، به کار نمی برند.» «پاریس متعلق به ماست»، نخستین فیلم بلند ژاک ریوت همان سالی به نمایش درآمد که «از نفس افتاده» ژان لوک گذار پخش شد.

کریستین بیل به جای آرنولد در ترمیناتور ۴

کریستین بیل جانشین آرنولد شوارتزنگر در قسمت چهارم فیلم

۳۵ سیمیرغ بلورین در جشنواره بیست و ششم فیلم فجر



۳۵ سیمیرغ در بیست و ششمین جشنواره فیلم فجر بر شانه سینماگران ایران و جهان می نشیند. به گزارش روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی، تنها سیمیرغ زرین جشنواره فیلم فجر نیز به مانند سال گذشته به فیلم برگزیده از نگاه ملی (شرقی، دینی و ایرانی) اهدا می شود.

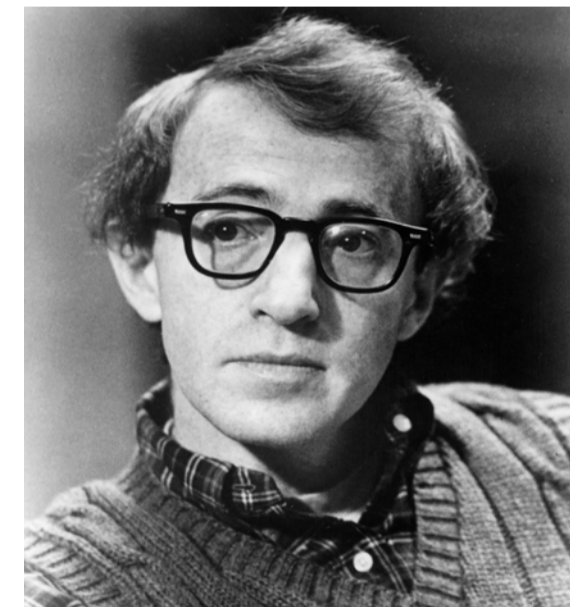
در بخش سودای سیمیرغ - مسابقه سینمای ایران علاوه بر این سیمیرغ زرین، ۱۵ سیمیرغ دیگر در دو گروه به برگزیدگان اهدا می شود. گروه اول سیمیرغ ها به برگزیدگان رشته های فیلم، کارگردانی، فیلمنامه و بازیگر نقش اول زن و بازیگر نقش اول مرد اهدا می شود.

در گروه دوم جوایز سودای سیمیرغ نیز، ۱۰ سیمیرغ بلورین در حوزه های فیلمنامه اقتباسی، فیلمبرداری، تدوین، موسیقی متن، بازیگران نقش مکمل زن و بازیگر نقش مکمل مرد، طراحی صدا، طراحی صحنه و لباس، جلوه های ویژه و چهره پردازی پیش بینی شده است که این گروه از سیمیرغ ها در صورتی اهدا می شود که آثار و یا هنرمندان موجب پیشرفت و ارتقای حوزه تخصصی خود را فراهم کرده باشند و هیئت داوران در اهدای جوایز این گروه الزامی ندارند.

سه سیمیرغ دیگر بخش سینمای ایران نیز به برگزیدگان بهترین فیلم از نگاه تماشاگران، فیلم های مستند بلند و نیمه بلند، مستند کوتاه و فیلم داستانی کوتاه اهدا می شود.

در بخش سینمای جهان نیز ۱۴ سیمیرغ به برگزیدگان اهدا می شود که به ترتیب ۷ سیمیرغ به بخش جام جهان نما - مسابقه سینمای بین المللی، ۳ سیمیرغ به بخش جلوه گاه شرق - مسابقه سینمای آسیا، ۳ سیمیرغ به بخش در جست و جوی حقیقت - مسابقه سینمای معناگرا و یک سیمیرغ به بهترین فیلم از نگاه تماشاگران اختصاص یافته است. بیست و ششمین جشنواره بین المللی فیلم فجر از ۱۲ تا ۲۲ بهمن در تهران برگزار می شود.

«ودی آلن» ۷۲ ساله شد



تایپ فارسی و انگلیسی پذیرفته میشود
077 5731 4898

کریستین بیل جانشین آرنولد شوارتزنگر در قسمت چهارم فیلم



info@persianweekly.co.uk

به یاد داشته باشید با صرافی های معتبر پولهای خود را ارسال نمایید



اوقات بسیاری را در این کافه گذرانده اند. یکی از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی که خواست نامش فاش نشود، گفت: ثبت بناهای تاریخی اولین قدم برای حفاظت از یک اثر فرهنگی و تاریخی است که انجام می شود. سپس مسوولان سازمان میراث فرهنگی موظف می شوند که نسبت به حفظ و احیای بنای ثبت شده اقدامات لازم را انجام دهند.

اما هم اکنون شاهد هستیم که بسیاری از بناهایی که به ثبت ملی رسیده است در سکوت مسوولان سازمان میراث فرهنگی تخریب می شوند. چنین به نظر می رسد که اگر اقدامی برای حفظ هتل و کافه نادری صورت نگیرد با بی توجهی مالکان و مسوولان میراث فرهنگی در آینده بی نه چندان دور از بین خواهد رفت.

طبق گفته یکی از کارشناسان سازمان میراث، اگر این بنا به فروش رود مالک جدید اجازه تخریبش را ندارد زیرا شهرداری موظف است هر ساخت و ساز جدید را به سازمان میراث فرهنگی اطلاع دهد. سازمان میراث فرهنگی می تواند با توجه به ثبت شدن بنا در فهرست آثار ملی و سپس تعیین حریم از تخریب بنا جلوگیری کند.

کافه و هتل نادری در سال ۱۳۰۶ توسط یک مهاجر روس به نام خاچیک مادیکیانس ساخته شد. کافه نادری به دلیل قرار گرفتن در خیابان نادری (جمهوری فعلی) به این نام انتخاب شد. این شخص برای اولین بار در تهران به کار شیرینی پزی پرداخت و بعد از مدتی در کنار کافه نادری هتلی به همین نام احداث کرد.

هتل نادری بعد از گراند هتل دومین هتل ساخته شده در تهران بود. هم اکنون نوه های خاچیک مادیکیانس، مالکان فعلی هتل و کافه نادری هستند.

از معماری قدیمی کافه نادری دیگر اثری باقی نمانده، پس از آتش سوزی که در دهه پنجاه به خاطر بی احتیاطی یکی از مشتریان که هنگام چرت زدن سیگارش روی تخت می افتد، ساختمان آتش می گیرد شکل سنتی و اولیه بنا که در معدود عکس های به جا مانده مشخص است از بین می رود و مجموعه بازسازی شده شکل مدرن تری به خود می گیرد و ظاهری شبیه ساختمان های دهه پنجاه پیدا می کند.

اگر به کافه نادری سری بزنید متوجه می شوید بیشتر کسانی که در کافه نادری کار می کنند، از گفت و گو طفره می روند. گارسون های کافه نادری از مشتریان جوان کافه مسن تر هستند. بیشتر آنها نزدیک به ۴۵ سال است که در این کافه قهوه درست و از مشتریان پذیرایی می کنند. بنا به گفته یکی از گارسون های کافه، آنها با تهدید و زور هم از این کافه نخواهند رفت.

اما با تصمیم جدی تر فروش این مکان شاید فرصت کمی باقی مانده باشد تا مسوولان سازمان میراث فرهنگی نسبت به حفظ جدی تر مشهورترین کافه تهران اقدام کنند.

یک فنجان قهوه یک ایران خاظره!

کافه نادری فروخته می شود



مالکان فعلی هتل و کافه نادری به دلیل مشکلات مالی قصد فروش این مکان فرهنگی و تاریخی تهران را دارند. اما به دلیل ثبت این بنا تعداد خریداران کم است و مالکان فعلی در سکوت مسوولان سازمان میراث فرهنگی، با بی توجهی کامل به تخریب تدریجی هتل و کافه نادری کمک می کنند. مسوولان سازمان میراث فرهنگی باید پس از به ثبت رساندن یک اثر یا بنای تاریخی نسبت به حفظ و احیای بنا اقدامات لازم را انجام دهند. هر چند هتل و کافه نادری در اول مهرماه سال ۱۳۸۲ پس از پیگیری های رسانه ها به ثبت ملی رسید اما بدون هیچ گونه توجهی از طرف مالکان فعلی و مسوولان سازمان میراث فرهنگی طی چهار سال گذشته رها شده است. بی توجهی مسوولان سازمان میراث فرهنگی در حدی است که بسیاری از آنها از به ثبت رسیدن هتل و کافه نادری خبر نداشتند. یکی از کارکنان هتل و کافه نادری در این باره به اعتماد گفت: به دلیل مشکلات مالی، مالکان فعلی از شش سال قبل قصد فروش این مکان را داشته اند که به همین دلیل هیچ گونه اهمیتی به این مکان نمی دهند. اینجا برایشان هیچ اهمیتی ندارد و تنها به فکر فروش و سودی هستند که از اینجا نصیب شان می شود. وی افزود: مساحت هتل و کافه نادری حدود سه هزار متر مربع است که قیمت تقریبی آن حدود ۸ میلیارد تومان برآورد شده است. هم اکنون مشکلات بهداشتی مشهورترین کافه تهران در حدی است

که با تذکر وزارت بهداشت و درمان، مالک فعلی مجبور شده است نسبت به بازسازی سرویس های بهداشتی آن اقدام کند. با وجودی که فضای امروزه کافه نادری از بسیاری از رستوران ها و کافه های فعلی ساده تر است و بهداشت و نوع سرویس دهی مشهورترین کافه تهران با استانداردهای روز همخوانی ندارد، این کافه همیشه پر از مشتری است. به گفته یکی از کارکنان این کافه بسیاری از کسانی که به این کافه می آیند یا از مشتریان دائم این مکان هستند که با داستان کافه نادری آشنا نیستند یا از نقاط دوری می آیند تا قهوه بی را در کافه مشهور و قدیمی تهران بنوشند. یکی از مهمترین دلایل اهمیت کافه نادری در میان مردم را می توان حضور طبقه روشنفکر جامعه ایران از سالیان دور در آن دانست. صادق هدایت، صادق چوبک، جلال آل احمد، فرخ تسمی، محمدعلی سپانلو، احمد شاملو، بزرگ علوی و بسیاری از روشنفکران دوره معاصر ایران از جمله کسانی بودند که

درباره موافقان و منتقدان کیارستمی

کو ساز مخالف برای بازار گرمی

بهزاد عشقی



در ایران عده بی نسبت به کیارستمی تعصب دارند و متعصبانه از آثارش دفاع می کنند. در عوض عده بی فیلم های کیارستمی را دوست ندارند و متعصبانه با آن مخالفت می کنند. نگارنده اما نسبت به کیارستمی و هیچ فیلمساز دیگری تعصب ندارد. هر فیلمساز اگر فیلم خوبی بسازد شایسته تحسین است و اگر فیلم بدی بسازد، در هر موقعیت و جایگاهی که باشد باید مورد انتقاد قرار گیرد. اصولاً کار نقد به تعبیری تابوشکنی از پدیده هایی است که جنبه قدسی پیدا کرده اند. مگر می شود فیلمساز که چند شاهکار آفریده همواره و در هر موقعیتی شاهکار بیافریند؟ آیا چنین فیلمسازی مصونیت دائمی دارند و هیچ وقت دچار تلاشی روحی و جسمی نمی شوند؟ آیا فیلم کنتسی از هنگ کنگ، به صرف اینکه ساخته چارلی چاپلین است، باید ستوده شود؟ آیا چاپلین که شاهکارهایی چون عصر جدید و جویندگان طلا و دیکتاتور بزرگ را ساخته است، هرگز نمی توانسته است فیلم نازلی در اندازه کنتسی از هنگ کنگ را بسازد؟ واقعیت این است که سینما هنری مشروط به شرایط است و جدا از خلاقیت و توان فردی فیلمساز، عوامل

بیرونی سیاسی و اجتماعی در روند آفرینش یک فیلم مدخلیت دارند و تاثیر خود را به جا می گذارند. توان فردی فیلمسازان نیز ابدی نیست و بدیهی است که چاپلین در کهنسالی نمی توانسته است مانند دوران چل چلی اش از خود خلاقیت نشان دهد. پس چرا باید تعصب ورزید و از کنتسی از هنگ کنگ دفاع کرد؟ مدافع این فیلم نه تنها نمی توانست فیلم را بالا ببرد، بلکه برعکس خود را فرو می کاست. به همین دلیل کنتسی از هنگ کنگ، با وجود اسطوره چاپلین، به هنگام نمایش عمومی هیچ مدافعی نداشت. دوست عزیز در ایران نسبت به کیارستمی و فیلم هایش تعصب دارد و نسبت به کسانی که از فیلم های این فیلمساز انتقاد می کنند، به سختی برمی آشوبد. به این دوست نازنینم گفتم: منتقدان کیارستمی خواسته و ناخواسته بازار تو را گرم می کنند. کیارستمی در دنیا ستوده شده است و در ایران نیز بسیاری او را می ستایند. اگر قرار باشد هیچ کس از او انتقاد نکند، تو به عنوان هوادار سرسخت و متعصب کیارستمی، موجبیت خود را از دست می دهی. ستودن کسی که همه او را می ستایند چه چیزی عاید تو می کند؟ آلن رب گری به عنوان یکی از بانیان و مروجان داستان نو، سخت با رئالیسم سوسیالیستی و اصول ادبیات فرامیشتی شوروی مخالف بود. بعد از فروپاشی شوروی مصاحبه گری با آلن رب گری به مصاحبه می کند و از او درباره وضعیت داستان نو می پرسد. رب گری به می گوید که بعد از فروپاشی شوروی داستان نو دچار افت شده است. مصاحبه گر در شگفت می شود. آیا این یک تناقض است؟ شما که همیشه مخالف رئالیسم سوسیالیستی و ادبیات رسمی شوروی بوده اید حالا چرا به چنین اعتقادی رسیده اید؟ رب گری به می گوید که داستان نو برای شکوفایی احتیاج به چالش و تعارض با جریانی مخالف داشت اما اکنون جریان مخالف از دست رفته است و داستان نو نیز موجبیت و اعتبار خود را از دست داده است. در واقع هر پدیده بی برای بالندگی و رشد به ضد خود احتیاج دارد. کیارستمی نیز برای آنکه بشکفتد و همچنان بیبالد، گاهی لازم است که مورد بازخوانی قرار گیرد. در واقع مخالف خوانی با کیارستمی، گاهی بیشتر از ستایش های جزم اندیشانه، می تواند به این فیلمساز یاری برساند. در واقع ما گاهی ساز مخالف کوک می کنیم تا همچنان باعث گرمی بازار این فیلمساز و هواداران متعصب اش شویم.



مدرسه فارسی اوستا در کینگستون

کلاسهای آموزش زبان فارسی جهت خواندن، نوشتن و مکالمه صحیح و تضمین موفقیت

در امتحانات

فارسی GCSE و A' level

آموزش GCSE رایگان

کلاسهای متنوع ورزشی توسط مربی از:

REPs (registered exercise professionals)

The Quaker Meeting House

Eden Street 78

Kingston Town Centre (Next to Primark)

avesta_farsi@hotmail.co.uk

تلفنهای تماس:

020 8241 3833

079 3088 6194



info@persianweekly.co.uk

سیاست



تاثیر انتخابات پارلمانی روسیه در رابطه با اتحادیه اروپا

صلاح الدین هرسنی



روابط فعلی روسیه با اتحادیه اروپا براساس واقعیت های راهبردی و مناسبات استراتژیک و قواعدی پراگماتیک تنظیم یافته است. دلایل قبول این منطق همچنین قرارداد سال ۲۰۰۳ روسیه با اتحادیه اروپا در چهار زمینه اقتصادی، امنیت داخلی، امنیت خارجی و مسائل انسانی دلیل دیگر برای گسترش همکاری روسیه با اتحادیه اروپا بوده است. حال پرسش آن است که نتایج انتخابات پارلمانی روسیه چه تاثیری را در روابط این کشور با اتحادیه اروپا بر جای می گذارد؟ پاسخ احتمالی به پرسش فوق آن است که نتایج انتخابات پارلمانی روسیه، سطح روابط این کشور با اتحادیه اروپا را از نرم قبلی آن خارج و در سطحی نسبی منجر به کاهش مناسبات راهبردی و واگرایی، در روابط دو کشور خواهد کرد.

در گذشته روابط روسیه با اتحادیه اروپا، نشانه هایی وجود داشته که موجد گسترش مناسبات راهبردی و قواعد پراگماتیکی دو کشور بوده است. برای نمونه موضع گیری مشترک و همسوی روسیه و اتحادیه اروپا در مقابله با گسترش یکجانبه گرایی امریکا دلیلی بر این مدعا است. در باب مقابله با یکجانبه گرایی امریکا روسیه بدان جهت برای اتحادیه اروپا واجد اهمیت بوده است که این کشور می توانست به جهت تعریف جدید خود در نظام کنونی بین الملل، در مسائل گوناگون از امریکا سر باز زند و علیه تثبیت هژمونی امریکا در سطوح منطقه ای و جهانی مانع ایجاد کند. از دیگر سو پاره ای از ملاحظات اتحادیه اروپا در برخورد با امریکا برای روسیه جذابیت خاصی داشت که موجب همکاری شده بود. آن اینکه اتحادیه اروپا کوشیده است در کنار قدرت و هژمونی شکننده امریکا و توازن به وجود آمده نظام بین الملل، دیپلماسی خود را از مدار امریکا خارج کند. نشانه دیگر همکاری روسیه با اتحادیه اروپا در ملاحظات امنیتی بود که در شرکت این کشور در مبارزه با تروریسم نمود یافت و متضمن نتایج قابل ملاحظه ای برای روسیه در قبال اروپای غربی شد. دیدگاه های مشترک اتحادیه اروپا و روسیه در باب کنترل دوجانبه تسلیحات هسته ای و نیز گسترش سلاح های هسته ای را باید در راستای ملاحظات امنیتی دو کشور ارزیابی کرد. اما در این میان ملاحظات دو کشور پیرامون مسائل اقتصاد و انرژی نقش محوری را در همکاری روسیه و اتحادیه اروپا بازی کرده است چرا که برای اتحادیه اروپا بحث انرژی از اهمیت اساسی برخوردار است و روسیه به عنوان کشوری صاحب انرژی تامین کننده نیازهای انرژی اروپاست. لذا بحران احتمالی انرژی در برخی از کشورهای اروپایی دستمایه ای برای همکاری بیشتر اتحادیه اروپا با روسیه است. برای نمونه بحران انرژی بهار کی یف (اوکراین) در ژانویه ۲۰۰۵ نشان داد که کشورهای اروپایی چه میزان از مجازات روسیه در باب انرژی آسیب پذیرند. نکته قابل توجه در باب ملاحظات اقتصادی روسیه و اتحادیه اروپا آن است که پوتین با مکانیسم و ابزار های سیاسی موجود کرملین خواهان بازگذاشتن در های اقتصاد روسیه در برابر سرمایه کشورهای اتحادیه اروپاست تا شاید بتواند از این طریق هزینه های بالقوه گسترش اتحادیه اروپا را در تجارت روسیه جبران کند.

نشانه دیگر این تغییر در مناسبات را باید در فضای کنونی موجود حاکم بر نظام بین الملل ارزیابی کرد. تردیدی نیست که فضای کنونی حاکم بر نظام بین الملل به ویژه بعد از جنگ سرد، برای روسیه یک فرصت بود تا تهدید و روسیه توانست به مدد تفکر ناسیونالیست روسی و نیز به مدد تفکر رهبر پراگماتی چون پوتین تا حد زیادی قدرت از دست رفته خود را بازیابد. چنین موقعیتی از ارتقا به ویژه در شرایط حاضر فرصتی را برای روسیه به وجود آورده است که بتواند خود را در مقابل یکجانبه گرایی امریکا عرضه کند و در تعقیب سیاست های چندجانبه گرایی مستقل و بی نیاز از مساعدت اتحادیه اروپا باشد. نکته آن است که با توجه به تعریف نظم جدید روسیه در نظام کنونی بین الملل، این کشور حاضر به تداوم الگو چون گذشته با اتحادیه اروپا در مناسبات نیست و خواهان آن است که مستقل عمل کند. طبیعی که اتخاذ چنین موضعی از سوی روسیه مورد مطلوب اتحادیه اروپا نباشد و منجر به واگرایی در مناسبات شود. نشانه دیگر تغییر در مناسبات روسیه با اتحادیه اروپا را باید در فضای موجود قبل و فرآیند برگزاری انتخابات پارلمانی روسیه دانست. قراین موجود حاکم بر فضای انتخابات پارلمانی نشان داد که شرایط حاکم و نتایج آن می خواهد مستمسکی برای افزایش قدرت پوتین باشد. البته پوتین این افزایش قدرت را مرهون برخی از برنامه های از قبل تهیه یافته می دانست که زمینه هایش به دست خود او فراهم آمد. برای نمونه تغییر در آرایش نیروهای سیاسی آن هم در سطح نخست وزیری و انتخاب زوبکف به جای فرادکف، ایجاد جنگ روانی میان دو رقیب احتمالی قدرت (مدودوف و ایوانوف)، در انزوا و محاق قرار دادن کمونیست های معتدل و اپوزیسیون های موجود روسیه به رهبری زوگائف و گاسپاروف، عدم رعایت حقوق بشر، کیش شخصیت و عدم پذیرش ناظران بین المللی و اتحادیه اروپا در نظارت بر انتخابات تمهیدات و فصلی جدید در صحنه کاملاً کنترل شده سیاست در روسیه بوده؛ امری که به وسیله پوتین به اجرا درآمد تا به صورت تلویحی زمینه برای پیروزی حزب متحد ملی در انتخابات پارلمانی فراهم آید.

تکرار کمپ دیوید در آنابولیس



یهود اولمرت نخست وزیر اسرائیل و محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در روند برپایی کنفرانس آنابولیس تعهد کتبی دادند که مذاکرات صلح را دوباره آغاز کنند و برای دستیابی به صلح تا قبل از پایان سال ۲۰۰۸ به توافقی دست یابند. این مذاکرات در عمل دیروز با سخنان اولمرت و عباس در کاخ سفید آغاز شد. پیش از آن طی مذاکرات مقدماتی جرج بوش رئیس جمهور امریکا موفق شد اولمرت و عباس را به امضای یک بیانیه مشترک ترغیب کند. در این بیانیه آمده بود که «ما عزم خود را جزم می کنیم تا جلوی خونریزی و درگیری بین ملت هایمان را بگیریم و می خواهیم دوره جدیدی از صلح و دوستی بر پایه آزادی، امنیت، عدالت، کرامت، احترام و شناخت متقابل را آغاز کنیم.» در این بیانیه آمده است: «ما برای آغاز دور جدید مذاکرات برای دستیابی به صلح به توافق رسیده ایم تا بتوانیم تمام مسائل مورد اختلاف را بدون استثناء حل کنیم. ما موافقیم مذاکرات فشرده و مداوم برقرار کنیم و قول می دهیم تا پایان سال ۲۰۰۸ به توافقی دست یابیم.» دستیابی به این توافق طبق این بیانیه براساس طرح کار مشترکی در کمیته بی است که به صورت منظم فعالیت خواهد داشت. اولین نشست این کمیته پیگیری ۱۲ دسامبر سال جاری (دو هفته دیگر) خواهد بود. قرار است این نشست توسط تزیبی لیبونی وزیر خارجه اسرائیل و احمد قریع رئیس هیات مذاکره کننده فلسطین برگزار شود. همچنین قرار است محمود عباس و اولمرت هر دو هفته یک بار با یکدیگر دیدار داشته باشند. همچنین دو طرف فلسطینی و اسرائیلی تعهد کردند به تعهدات خود در چارچوب طرح نقشه راه و کمیته چهار جانبه صلح که از حدود هشت سال پیش، به عنوان مکمل کمپ دیوید در «اسلوا» آغاز شده و عملاً منتهی شده بود عمل کنند. در پایان گفته اند: «در صورتی که دو طرف خلاف تعهدات خود عمل کنند، اجرای پیمان صلح یا اجرای طرح نقشه راه به صورت مستقیم از سوی امریکا صورت خواهد گرفت.» گفته می شود جرج بوش برای آنکه نشان دهد در پیگیری و نحوه پیشبرد روند صلح جدی است می خواهد به اسرائیل سفر کند. وی در دوران ریاست جمهوری خود که تاکنون هشت سال طول کشیده هنوز به اسرائیل سفر نکرده است. بوش در سخنان اخیر خود در کنفرانس آنابولیس متعهد شد که از این روند «حمایت کامل» کند و گفت: «محور مذاکرات تاسیس یک کشور مستقل فلسطینی است که با اسرائیل همزیستی داشته باشد.» بوش می گوید: «تاسیس چنین کشوری سبب خواهد شد فلسطینیان شانس زندگی آزاد و هدفمند و شرافتمندانه را داشته باشند و اسرائیلی ها هم به صلح دست یابند.» بوش می گوید: «اسرائیل باید به توسعه شهرک سازی ها پایان دهد و کشورهای عرب هم باید حمایت خود را از محمود عباس به اثبات برسانند.» یهود اولمرت نخست وزیر اسرائیل مذاکرات صلح با فلسطینی ها را «در دناک» توصیف می کند. وی با این حال می گوید: «ما آماده ایم سازشی در دناک و مملو از خطر داشته باشیم تا شرایط این صلح را تحقق بخشیم.» در یک اظهار نظر دیگر اولمرت در گفت و گو با رادیو امریکا گفت: «ممکن است تا سال ۲۰۰۸ توافقی حاصل نشود.»

وی در توضیح این مطلب گفت: «ما ادعا نمی کنیم این امر طی یک هفته یا یک سال تحقق پیدا می کند. اما باید از یک جایی شروع کرد. ما تعهد دادیم که این مساله را شروع کنیم.» اولمرت در یک اظهار نظر دیگر از اعراب خواست روابط خود را با اسرائیل عادی کنند. در همین رابطه محمود عباس گفت: «سرنوشت بیت المقدس عنصر اساسی در هر گونه توافقی است. ما می خواهیم قدس شرقی پایتخت مان باشد و روابط آزادی با قدس غربی داشته باشیم.» محمود عباس تاکید دارد که تمام مسائل مورد اختلاف فلسطینیان و اسرائیل از جمله بیت المقدس، سرنوشت آوارگان، آزادی زندانیان، فعالیت شهرک سازی ها باید در مذاکرات گنجانده شود تا بتوان به صلحی کامل و عادلانه رسید. هشت سال پیش گفت و گوی صلح اسرائیل و فلسطین قطع شد و اجرای طرح نقشه راه منتهی شد. با این وجود دو طرف اسرائیلی و فلسطینی تاکنون بارها با یکدیگر گفت و گو و مذاکره کرده اند. اما این مذاکرات هرگز رنگی بین المللی به خود نگرفته و در حد توافقاتی دوجانبه بوده است. کنفرانس آنابولیس که با حضور پنجاه کشور جهان برگزار می شود یک بار دیگر قضیه فلسطین را در سطحی بین المللی مطرح می کند و از طرفین مصرانه می خواهد گفت و گوهای جهت دار را به منظور دستیابی به یک صلح پایدار به پیش برد.

با وجودی که هنوز از کنفرانس آنابولیس نتیجه ملموسی جز آغاز دوباره مذاکرات صلح حاصل نشده اما طرف های شرکت کننده در آن امیدوارند این مذاکرات نتایج قابل توجهی را در پی داشته باشد. عربستان سعودی که یکی از مخالفان ابتدایی این کنفرانس بود می گوید: «ما برای حمایت از شروع گفت و گوهای جدی و دنباله دار بین فلسطینی ها و اسرائیلی ها به گونه ای که همه قضایا را شامل شود به اینجا آمده ایم.» سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان در این رابطه می افزاید: «اما این مذاکرات باید گفت و گوهای مربوط به سوریه و لبنان را هم شامل شود.» این درخواست از سوی اردن و مصر نیز تکرار شده است. در همین رابطه سعود الفیصل گفت: «امریکا وعده داده که مذاکرات ظرف یک سال تکمیل شود و به عربستان اطمینان داده شده است که امریکا تمام توان خود را برای حصول موافقتنامه بین طرفین به کار خواهد گرفت.» در همین رابطه المقداد فرستاده سوریه به کنفرانس آنابولیس می گوید برقراری روابط طبیعی با اسرائیل باید بر آید یک «صلح همه جانبه» باشد. وی در توضیح این مطلب گفته است: «به تعبیری روشن تر برقراری روابط طبیعی پس از عقب نشینی کامل اسرائیل از اراضی سال ۱۹۶۷ صورت خواهد گرفت؛ موضوعی که مورد تایید اولمرت نیز هست اما هنوز از جزئیات آن سخنی به میان نیامده است.» المقداد یک بار دیگر یادآور شد اشغال سرزمین های عربی به وسیله اسرائیل منشأ بی ثباتی در خاورمیانه است. نمایندگان سوریه و عربستان از جمله کشورهایی بودند که تا پیش از کنفرانس آنابولیس بعید به نظر می رسید حاضر شوند با طرف اسرائیلی بر سر یک میز مذاکره بنشینند. در یک اظهار نظر دیگر سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه درباره ادامه کنفرانس آنابولیس که قرار است ابتدا در ۱۷ دسامبر در پاریس و سپس ژانویه سال ۲۰۰۸ در مسکو برگزار شود، گفت: این برنامه هنوز قطعی نشده است اما درباره روند کنفرانس افزود «تفاهمی کلی» وجود دارد که این نشست ها تداوم یابد.

ادامه محکومیت ها
در حالی که کنفرانس آنابولیس امروز به کار خود پایان می دهد، همچنان مخالفت فلسطینی ها با این کنفرانس ادامه دارد. طی روزهای گذشته فلسطینی های مقیم غزه و بخشی از فلسطینی های کرانه باختری در اعتراض به این کنفرانس تظاهرات کردند. اسماعیل هنیه نخست وزیر منطقه غزه می گوید: «کنفرانس آنابولیس شکست خواهد خورد.»
وی می گوید: «محمود عباس هیچ حقی برای اعطای امتیازات در هیچ گونه طرح صلحی ندارد.» هنیه خطاب به رهبران عرب و فلسطینی شرکت کننده در آنابولیس گفت: «آنها حق ندارند برای آن دسته از فلسطینی هایی که در انتخابات به حماس رای دادند، تصمیم گیری کنند.»

برای دوام و استمرار هر چه بیشتر هفته نامه پرشین، ما را به صاحبان مشاغل معرفی نمایید. آگهی های شما موجب ارتقاء کیفیت این هفته نامه خواهد شد.



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمایید

برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمایید

سالن مجزای رستوران ژینو با حداقل ۸۰ نفر همراه با موزیک زنده و رقص عربی

بیا بید

ببینید

بچشید

غذاوت کنید

Zhi Noo

Restaurant

175 South Ealing Road

London, W5 4QP

Telephone: 020 8847 1740

www.cafezhinoo.co.uk

E-mail: bijankimiachi@hotmail.com

غذاوت یا قضاوت؟

ضمن تشکر از دقت نظر خوانندگان هفته نامه پرشین و تماس های مکرر دوستان عزیز در خصوص کلمه "غذاوت" درج شده در آگهی مربوط به رستوران ژینو به استحضار می رساند:

همانطور که می دانید کلمه قضاوت به معنی داوری کردن است و در اینجا از این کلمه به صورت صنعت ایهام استفاده شده است. در واقع نوعی ساختار شکنی در ادبیات نوشتاری به وقوع پیوسته است که مشابه این امر در چند سال اخیر در ادبیات و خصوصا در کارهای تبلیغاتی به وفور رخ داده است.

در این تبلیغ از کلمه قضا به دو مفهوم غذا خوردن در آن رستوران و همچنین قضاوت کردن در مورد کیفیت و نوع غذا استفاده شده است. نوشتن ناصحیح کلمه، نگارشی است تعمدی به منظور جلب کردن توجه و نظر مخاطب به سوی این تبلیغ. امید است با این توضیح مختصر، حقیقت مطلب برای خوانندگان گرامی شفاف شده باشد و برای اطلاعات بیشتر در این رابطه به نوشتار زیر توجه فرمائید.

دیکانستراکتیویسم «Deconstruction» یا ساختار شکنی برای اولین بار در دهه های ۶۰ و ۷۰ توسط فیلسوف فرانسوی، الجزایری ژاک دریدا «Jacques Derrida» در عرصه فلسفه و ادبیات مطرح شد. دریدا گفتار فلسفی غرب را که در گفتار مقدم بر نوشتار از زیر سوال برده و مفاهیم جدیدی را در رابطه با گفتار «speech» و نوشتار «writing» بیان می کند.

او بین نوشتار و گفتار فرق می گذارد و می گوید در طول تاریخ غرب از افلاطون تا به حال، تأکید بر لوگوسانتریک بوده است؛ یعنی تأکید بر روی گفتار. به بیان دیگر تقدم گفتار بر نوشتار و وحدت میان دال و مدلول. یعنی هر جا دال می آید، مدلول هم باید باشد. این اساس لوگوسانتریسم است که دریدا این نظریه را نقد می کند.

معنی دکانستراکتیویسم در فرهنگ لغت «لیتره» در زبان فرانسوی در غالب سه معنا آورده شده است: اولین مورد اصطلاح دستوری آن است، به معنای بر هم زدن ساختار دستوری واژه های یک جمله. به عبارتی دیگر، اگر کلمات یک جمله را عوض کنید، آن جمله را دکانستراکت کرده اید.

معنای دوم، معنای باز کردن و پیاده کردن است، یعنی باز کردن و پیاده کردن قطعات یک دستگاه، برای حمل آن به جای دیگر. اما معنایی که خیلی به ژاک دریدا بسیار به آن توجه می کند، معنای «فلکسیو» آن است؛ یعنی خودساختار شکنی که از خارج تحمیل نمی شود، بلکه ساختار، خود به خود تغییر پیدا می کند.

کنسرت گوگوش ۲۹ نوامبر نه ۲۹ دسامبر!

شنبه بعد از ظهر خسته تو خونه نشسته بودم. خیلی بی حال و حوصله بودم. اصلا نای انجام دادن هیچ کاری رو نداشتم. همیظوری غرق فکر و خیالات بودم که یهو با صدای زنگ تلفن یه قد از جام پریدم. گوشه رو برداشتم. امیر حسین بود. اون هم مثل من بی حال و حوصله. سعی می کرد تند تند پیشنهادهای جورواجور بده تا از این حال و هوا دربیام. یه دفعه داد زد: فهمیدم، فهمیدم کیوان کجا بریم؟ با بی تفاوتی گفتم: کجا؟ گفت: فقط زود حاضر شو! کنسرت گوگوش!

امشب، شب بیست و نهم و کنسرت گوگوشه. گفتم: برو بابا! حالت خوبه؟ من اصلا آمادگی ندارم. تازه بلیت هم نداریم. گفت: بیا بریم پیدا میشه. تو فقط زود حاضر شو تا دیر نشده. امیرحسین بلیتش خیلی گرونه باید نفری ۵۰ پوند بدیم. از کجا بیاریم تو این شرایط، کرایه خونه، خورد و خوراک، کرایه اتوبوس ... گفت بیا بریم جورش می کنیم.

خلاصه اونقدر گفت و گفت تا اینکه راضی شدم. مثل قشقه از جام پریدم. می خواستم هر طور شده، این کنسرت رو برم. شاید دیگه هیچ وقت گوگوش به لندن نیاید و این فرصت طلایی برای دیدن شاه ماهی موسیقی ایران از دستمون بره.

دویدم تو حموم تا دوش بگیرم و به قول معروف سرو صورتی صفا بدم. بعدش فقط دنبال یه لباس مناسب می گشتم. کمه لباس رو به هم ریختم. هر چی پیدا می کردم یا چروک بود یا کثیف. خلاصه بعد از کلی کنکاش، یکی رو پیدا کردم و بعدش پریش برق، اتو ... یه چشمم به چروک های لباس بود و یه چشمم به عقربه های ساعت. لباس رو تم کردم، پریدم جلوی آئینه. شنوار بود و شونه که تو دستام رد و بدل می شد. ژلی بود که روی موهای سرم خالی می شد. موهام اینجوری بهتره؟ نه اونجوری؟ نه این مدلی جذاب تر می شم. ای وای الان امیر حسین می رسه! تا تو دستم شیشه عطر و روی سر و صورتم خالی کردم. فکر کنم یکبار هم با عطر دوش گرفتم! کفشهامو پام کردم حالا دیگه با کلی انگیزه و انرژی از در خونه بیرون می رفتم. تا به قرارم با امیر حسین تو کنزینگتون برسیم. باورتون نمی شه حتی اگه بلیت اتوبوس هم می خریدم، دیگه پول هام به بلیت کنسرت نمی رسید. چاره ای نداشتم جز اینکه با دوچرخه برم! راستش من و امیر حسین اینجا دانش آموز هستیم و منبع درآمدی زیادی نداریم. ولی این کنسرت خانم گوگوش اونقدر برامون دوست داشتنی بود که حاضر بودیم بقیه هفته رو با صرفجویی و سختی سر کنیم.

همیظوری تو فکر و خیال حساب کتاب پولهام بودم که متوجه شدم امیر حسین ترکم نشسته و من دارم با سرعت پا می زدم. امیر حسین هم داشت از محاسبات پولی خودش و در کنارش مزایای رفتن به کنسرت حرف می زد. چاره ای نبود. بدجوری تب رفتن به این کنسرت وجودمون رو گرفته بود. دیگه هیچ رقمه هم کوتاه نمی اومدیم. بالاخره به یک فروشگاه ایرانی رسیدیم. حسابی خیس عرق شده بودم. دوچرخه رو کناری گذاشتیم و دوتایی پریدیم تو مغازه. شلوغ بود منتظر بودیم تا نوبتمون بشه. با اعتماد به نفس تموم مغازه رو برانداز می کردم و با یه شور و حالی زل زده بودم به پوستر تبلیغاتی کنسرت که داشت از دور برق میزد. یهو برقص منو گرفت. سرجام خشکم زد. چشمم چیزی رو که می دید باور نمی کرد. کنسرت گوگوش و مهرداد شنبه ۲۹ دسامبر و دیگه بقیه خط ها رو نتونستم بخونم. این یعنی چی؟ محکم زدم به امیر حسین. اونجا رو ببین. امروز چندمه؟ ۲۹ نوامبر. امیر حسین پس چرا گفتمی امشب بیاییم. اینکه یک ماه دیگه هست؟ خیلی دلم می خواست چیزی رو که میدیدم باور کنم. ولی کاملا شوکه شده بودم. رفتم جلو خوب نگاه کردم حالا دیگه باید باور میکردم. ای خدا بعد از اینهمه بدو بدو و حساب کتاب کردن پول، آخه این چه شانسی بود؟ با یه بغض و حس بدی سوار دوچرخه شدم و برگشتم خونه. ولی اینبار دیگه توان تند تند پا زدن رو نداشتم. دیگه هیچ انگیزه ای نداشتم. تمام طول راه حرف های امیر حسین رو نمی شنیدم. لابد داشت خودشو توجیه می کرد. می فهمیدم داره با من حرف می زنه. ولی انگار کر شده بودم. خلاصه رسیدیم خونه. با عصبانیت لباسها مو عوض کردم و به گوشه ای پرتاب کردم. دلم می خواست فقط یه کمی دراز بکشم. یهو چشمم افتاد به هفته نامه پرشین. یه فکری به ذهنم رسید. مثل اسفند پریدم و یه کاغذ و قلم برداشتم. پیش خودم گفتم هزار این ماجرا رو برای دوستان پرشین بنویسم و اگه چاپش کردن، هر کسی که دلش خواست و خوند به یاد پت و مت بیفته و لبخندی رو لباش بشینه. کیوان از لندن



info@persianweekly.co.uk

شکی



درمان صرع از طریق پیوند مغزی



متخصصان موفق شدند بیماری صرع را از طریق پیوند مغزی درمان کنند. متخصصان دانشگاه کالیفرنیا موفق شدند با انجام آزمایشاتی روی موش های آزمایشگاهی مبتلا به بیماری صرع از طریق پیوند مغزی روشی را برای درمان بیماری صرع کشف کنند. متخصصان با استفاده از اسکن مغز، رگ های عصبی که موجب ایجاد صرع می شوند را تشخیص می دهند و از طریق استفاده از الکترودهای زنده روش پیوند مغزی را اجرا می کنند. متخصصان قادر هستند در هشت منطقه از مغز این پیوند مغزی را انجام دهند و طبق آن پزشکان الکترودهای زنده را به رگ های عصبی که بر جریان یافتن خون اختلال ایجاد کرده اند و موجب بروز صرع می شوند، پیوند می زنند.

تشخیص سریع آنتی ژن های سرطانی

پژوهشگران موسسه فناوری ماساچوست در حال طراحی دستگاهی بسیار کوچک و قابل کاشت در بدن (ایمپلنت) هستند که روزی به پزشکان این امکان را می دهد تا بتوانند میزان رشد تومور و پاسخ دهی آن به روند شیمی درمانی را در بیماران سرطانی، به سرعت ارزیابی کنند. این دستگاه از نانوذراتی تشکیل شده است که می توان آنها را برای آزمایش های تشخیصی مواد مختلف به کار برد که موادی چون آنتی ژن های سرطانی و متابولیت هایی مانند گلوکز و اکسیژن (که در رشد تومور لازمند) از این دسته محسوب می شوند. این دستگاه همچنین می تواند در صورت قرار گرفتن داخل بدن به پزشکان نشان دهد که چه مقدار از یک داروی ضدسرطانی که برای درمان بیمار استفاده شده، به تومور رسیده است. این دستگاه قابلیت کاشته شدن داخل تومور را نیز دارد و در نتیجه به محققان این امکان را می دهد تا بتوانند به آنچه داخل تومور در طول زمان رخ می دهد، نگاه دقیق تری داشته باشند.

کاهش چاقی در امریکا

نتایج یک تحقیق جدید از کاهش چاقی در میان امریکایی ها حکایت دارد. نتایج یک تحقیق جدید نشان می دهد که چاقی در میان بزرگسالان امریکایی در حال کاهش است. دکتر «لی وینوگر» کارشناس سلامتی گفت: «امریکایی ها هنوز هم مردمان چاقی هستند و ۳۳ درصد از جمعیت آن همچنان با مشکل چاقی مواجه هستند اما تحقیقات نشان می دهد در دو سال گذشته روند چاقی امریکایی ها به ویژه در میان بزرگسالان در حال توقف است بنابراین می توان گفت که چاقی در میان امریکایی ها رو به کاهش است.» وی در ادامه افزود: «انجام ورزش و تحرکات بدنی و نوع تغذیه عوامل کاهش چاقی در میان امریکایی ها هستند.» دکتر «وینوگر» در عین حال مشکل بی تحرکی و کم تحرکی کودکان در امریکا و چاقی آنها را نگران کننده توصیف کرد و گفت: «باید از طریق بازی های دارای تحرک و همچنین ناچار کردن کودکان به انجام فعالیت های بدنی از چاقی آنها جلوگیری کرد.»



نهفتگی سرطان با کمک سیستم ایمنی

دستگاه ایمنی بدن قادر به در برگرفتن سلول های سرطانی است و از تکرار و رشد سلول های سرطانی جلوگیری می کند. یک تیم تحقیقاتی چندملیتی دریافته اند سیستم ایمنی بدن می تواند جلوی رشد سلول های سرطانی را بدون اینکه آنها را بکشد، بگیرد. به نظر محققان دلیل متوقف شدن ناگهانی رشد سلول های سرطانی در برگرفته شدن سلول های سرطانی از سوی سیستم ایمنی است. در طول این دوره که به دوره نهفتگی معروف است سیستم ایمنی رشد و تکرار سلول های سرطانی را کاهش داده و اقدام به کشتن سلول های سرطانی می کند، البته کشتن آنها به صورتی نیست که تومور را از بین ببرد.

آزمایش موفقیت آمیز واکسن مالاریا

آزمایش های مقدماتی تست واکسن ضد مالاریا روی کودکان آفریقایی دو تا چهار سال با موفقیت انجام شد و نشان داد که این واکسن می تواند تا ۶۵ درصد خطر ابتلا به مالاریا را کاهش دهد. تیم تحقیقاتی «پدرو آلونسو» از مرکز تحقیقات بهداشتی مانهیکا در موزامبیک با آزمایش واکسن ضد مالاریا روی ۲۱۴ کودک دو تا چهار سال این کشور امنیت، میزان ایمنی شناسی و اثرات این واکسن را مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج این آزمایش نشان می دهد که شرکت کنندگان به روش اتفاقی در دو گروه و به نسبت، سه دوز واکسن RTS,S/AS۰۲D را دریافت کردند. در این دو گروه هیچ عوارض جانبی مشاهده نشد و خطر ابتلا به مالاریا تا ۶۵ درصد کاهش یافت. این دانشمندان امیدوارند عرضه تجاری این واکسن بتواند تا حد چشمگیری از ابتلا به مالاریا پیشگیری کند.

هم گم شوند زیرا فراموش می کنند که کجا هستند، چگونه به آنجا رفته اند و چگونه می توانند به خانه برگردند.

شکل طبیعی آن؛ فراموش کردن روزهای هفته یا فراموش کردن محلی که می خواستند بروند.

۵- ضعف و کاهش قدرت تشخیص؛ افراد مبتلا به آلزایمر ممکن است در یک روز گرم، لباس های ضخیم و زیادی بپوشند، اما در یک روز سرد با یک لباس نازک بیرون بروند، یا ممکن است متوجه مبلغ پولی که پرداخت می کنند، نباشند.

شکل طبیعی آن؛ گاهی برای تصمیم گیری در مورد این مسائل در ذهن خودشان دچار شک و تردید می شوند.

۶- مشکل در درک مفاهیم انتزاعی؛ در واقع ذهن توانایی انجام وظایف پیچیده ذهنی را از دست می دهد مثلا این افراد فراموش می کنند که اعداد نماد چه مفهومی است و چه کاربردی دارد.

طبیعی آن؛ تنظیم یا تراز کارهای بانکی برایشان دشوار

۷- در جای نامناسب قرار دادن وسایل؛ این افراد وسایل را در جاهای غیرعادی و نامناسب قرار می دهند مثلا اتو را در فریزر یا کمر بند را در جا شویی می گذارند.

شکل طبیعی آن؛ فراموش کردن جای کلید یا کیف پول به شکل موقتی.

۸- تغییر حالات یا رفتار؛ افراد مبتلا به آلزایمر سریع تغییر حالت می دهند. ممکن است از حالت آرام به گریه و عصبانیت تغییر حالت دهند، البته بدون هیچ دلیل واضحی.

شکل طبیعی آن؛ گاهی فرد بدون هیچ دلیلی بد خلق و عبوس است.

۹- تغییر ویژگی های شخصیتی؛ ویژگی های شخصیتی این افراد به نحو شگفت انگیزی تغییر می کند مثلا این افراد ممکن است به شدت آشفتگی و پریشان یا بدگمان و ظنین یا ترسو شوند یا به شدت به اعضای خانواده وابسته شوند.

شکل طبیعی آن؛ ویژگی های شخصیتی با افزایش سن تا اندازه یی تغییر می کنند.

۱۰- بی تفاوتی و کم تحرکی؛ افراد مبتلا به آلزایمر منفعلی می شوند یعنی ساعت ها بدون حرکت جلوی تلویزیون می نشینند، بیش از حد معمول می خوابند و علاقه یی به فعالیت های روزانه ندارند.

شکل طبیعی آن؛ گاهی برای انجام کار یا تعهدات اجتماعی احساس خستگی و کسالت می کنند.

گاهی به پیامدهای بیماری آلزایمر شبکه یی با صد میلیارد سلول

ترجمه؛ فرانک باجلان

بیماری آلزایمر یک اختلال مغزی است که به نام پزشک آلمانی که در سال ۱۹۰۶ این بیماری را کشف کرد، نامگذاری شده است. آلزایمر سلول های مغزی را نابود می کند و سبب مشکلات حافظه و تفکر می شود.

این بیماری همچنین سبب اختلال های رفتاری می شود که روی کار، تفریح و زندگی خصوصی و اجتماعی فرد اثر می گذارد.

مشکلات شدید حافظه، گیجی و تغییرات اساسی کارکرد ذهن، نشانه های از کار افتادن سلول های مغزی هستند. مغز صد میلیارد سلول عصبی دارد که هر سلول عصبی با سلول های عصبی دیگر در ارتباط است و بدین ترتیب شبکه عصبی به وجود می آید. شبکه سلول های عصبی کارهای خاصی را برعهده دارند، برخی در کار تفکر، آموزش و حافظه دخالت دارند و برخی

به دیدن، شنیدن و بوییدن کمک می کنند و بقیه نیز حرکت ماهیچه ها را برنامه ریزی می کنند. برای انجام این فعالیت ها سلول های مغزی همانند یک کارخانه کوچک عمل می کنند. همچنین کار پردازش و ذخیره اطلاعات هم برعهده این سلول ها است. مغز هم مانند دیگر اندام های بدن با بالا رفتن سن، دچار تغییراتی می شود که اغلب سبب مشکلاتی در حافظه می شود، اما این تغییرات و مشکلات با مشکلات اساسی بیماری آلزایمر متفاوت است و نباید آنها را اشتباه گرفت. برای درک بهتر ده نشانه بیماری آلزایمر و تفاوت آن با مشکلات حافظه ناشی از افزایش سن ارائه می شود.

۱- از دست دادن حافظه؛ فراموش کردن اطلاعات جدیدی که به تازگی فرد شنیده یا آموخته است یکی از شایع ترین نشانه های زوال مغزی است. فرد اطلاعات را فراموش می کند و بعدا هم توانایی به خاطر آوردن آن اطلاعات را ندارد.

شکل طبیعی (ناشی از افزایش سن) آن چیست؟ فراموش کردن گاه گاه اسامی یا قرارها.

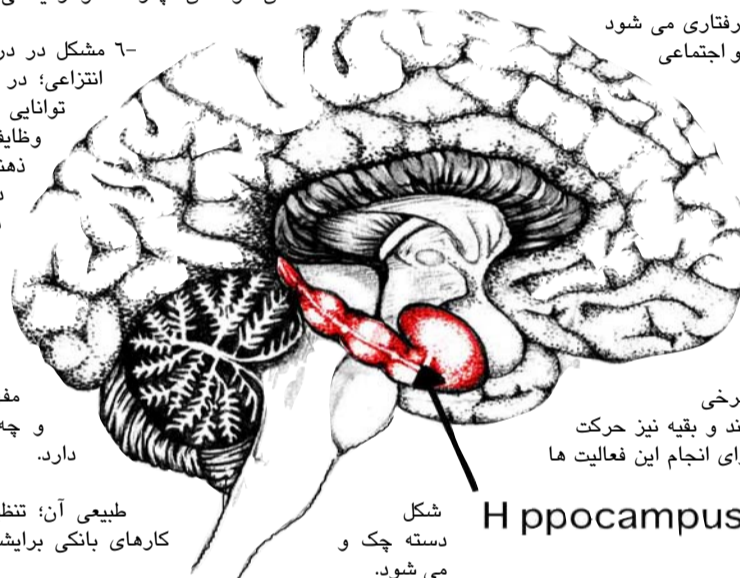
۲- مشکل در انجام وظایف روزانه؛ این افراد اغلب برای برنامه ریزی یا انجام کارهای روزانه دچار مشکل می شوند.

شکل طبیعی آن؛ گاهی اوقات فراموش کردن علت رفتن به اتاقی یا فراموش کردن گفتن حرفی.

۳- مشکل در زبان؛ افراد مبتلا به بیماری آلزایمر اغلب واژه های آسان را فراموش می کنند و به جای آن از واژه های غیرعادی برای گفتار و نوشتار استفاده می کنند که درک آن را مشکل می سازد، مثلا کلمه «مسواک» را فراموش می کنند و احتمالا می گویند «آن چیزی که برای دهان بود.»

شکل طبیعی آن؛ گاهی برای پیدا کردن واژه صحیح و مناسب دچار مشکل می شوند.

۴- کم کردن زمان و مکان؛ این افراد ممکن است در محله خودشان



Hippocampus

شکل دسته چک و می شود.

طبیعی آن؛ تنظیم یا تراز کارهای بانکی برایشان دشوار

۷- در جای نامناسب قرار دادن وسایل؛ این افراد وسایل را در جاهای غیرعادی و نامناسب قرار می دهند مثلا اتو را در فریزر یا کمر بند را در جا شویی می گذارند.

شکل طبیعی آن؛ فراموش کردن جای کلید یا کیف پول به شکل موقتی.

۸- تغییر حالات یا رفتار؛ افراد مبتلا به آلزایمر سریع تغییر حالت می دهند. ممکن است از حالت آرام به گریه و عصبانیت تغییر حالت دهند، البته بدون هیچ دلیل واضحی.

شکل طبیعی آن؛ گاهی فرد بدون هیچ دلیلی بد خلق و عبوس است.

۹- تغییر ویژگی های شخصیتی؛ ویژگی های شخصیتی این افراد به نحو شگفت انگیزی تغییر می کند مثلا این افراد ممکن است به شدت آشفتگی و پریشان یا بدگمان و ظنین یا ترسو شوند یا به شدت به اعضای خانواده وابسته شوند.

شکل طبیعی آن؛ ویژگی های شخصیتی با افزایش سن تا اندازه یی تغییر می کنند.

۱۰- بی تفاوتی و کم تحرکی؛ افراد مبتلا به آلزایمر منفعلی می شوند یعنی ساعت ها بدون حرکت جلوی تلویزیون می نشینند، بیش از حد معمول می خوابند و علاقه یی به فعالیت های روزانه ندارند.

شکل طبیعی آن؛ گاهی برای انجام کار یا تعهدات اجتماعی احساس خستگی و کسالت می کنند.

برای بهبود کیفیت و استمرار این هفته نامه ما را به صاحبان مشاغل معرفی نمائید



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

دکتر کریستیان بارنارد در روز ۸ نوامبر سال ۱۹۲۲ میلادی در بوفور وست در جنوب غربی کشور آفریقای جنوبی متولد شده بود. او حرفه پزشکی را در بیمارستان گروت شور شهر کیپ آغاز کرد. بارنارد مدرک فوق تخصص قلب را از دانشگاه مینه سوتا در شهر مینیاپولیس ایالات متحده کسب کرده بود.



بارنارد در سال ۱۹۸۳ میلادی به علت بیماری آرتروز ناگزیر شد از حرفه پزشکی دست بکشد. او در ۲ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در سن ۷۸ سالگی در تفریحگاه ساحلی پافوس در قبرس درگذشت. به این ترتیب، در روز ۳ دسامبر سال ۱۹۶۷ میلادی دکتر کریستیان بارنارد نخستین عمل پیوند قلب تاریخ پزشکی جهان را در بیمارستان گروت شور شهر کیپ در آفریقای جنوبی انجام داد.

با این که بیمار فقط ۱۸ روز پس از عمل پیوند زنده ماند اما برگ تازه ای در تاریخ پزشکی جهان ورق خورد. اکنون در نخستین سالهای هزاره سوم میلادی هر سال ده ها هزار عمل پیوند قلب در جهان انجام می شوند و بیماران سال های سال زنده می مانند.

انجام نخستین عمل پیوند قلب جهان

بهرام افتخاری

۴۰ سال پیش در روز ۳ دسامبر سال ۱۹۶۷ میلادی دکتر کریستیان بارنارد نخستین عمل پیوند قلب جهان را در بیمارستان گروت شور شهر کیپ در آفریقای جنوبی انجام داد. مردم جهان لحظه به لحظه اخبار این عمل بی سابقه که در بیمارستان گروت شور شهر کیپ انجام شد را دنبال می کردند.

پس از این عمل پرفسور کریستیان بارنارد یک شبه به یک چهره مشهور جهانی تبدیل شد. دکتر کریستیان بارنارد قلب یک زن جوان ۲۵ ساله که در یک سانحه رانندگی کشته بود را به جای قلب از کار افتاده لوییس واشکانسکی ۵۳ ساله پیوند زد. هر چند واشکانسکی فقط ۱۸ روز پس از پیوند زنده ماند و به دلیل ذات الریه درگذشت اما اهمیت این عمل در تاریخ پزشکی جهان بی سابقه بود.

اما به زودی و با پیشرفت علم پزشکی و دانش علمی و داروهای جدید که مانع پس زدن قلب پیوندی می شدند، سایر بیمارانی که مورد عمل پیوند قلب قرار می گرفتند مدت بسیار بیشتری زنده می ماندند. یک آمریکایی توانست ۲۱ سال با قلب پیوندی اش زنده بماند. یک فرانسوی به نام امانوئل ویترا که در روز ۲۸ نوامبر ۱۹۶۸ مورد پیوند قلب قرار گرفت، پس از ۲۰ سال درگذشت.

Woodside Park Physiotherapy Clinic

دارای تائیدیه از تمامی انجمن ها و مراکز سلامت در انگلستان و کلیه مراکز بیمه

آیا از دردهای مزمن رنج می کشید؟



زیر نظر متخصص فیزیوتراپ ناصر نادری

درمان دردهای ستون فقرات - سیاتیک، عصبها، مهره های ستون فقرات

سردردهای ناشی از عوارض ستون فقرات
درمان دردهای صدمات ورزشی - عضلات - تاندونها - رباط ها و غضروفها

درمان دردهای ضربات نابهنکام در حوادث و تصادفات
درمان دردهای مفاصل مچ پا و دست - بازو و انگشتان و کتف
درمان التهابات عضلانی و خشک و گرفتگی عضلات در ناحیه کمر و باسن - زانو - مچ دست و پا و گردن

We offer home visits and rehabilitation.
We are registered with all relevant health councils and associations, as well as being chartered and state-registered. We are also recognised by all major health insurance companies.

Woodside Park Physiotherapy Clinic
78 Southover, London N12 7HB

Tel: 020 8446 8558

www.woodsidephysio.co.uk

Email: info@woodsidephysio.co.uk

روز جهانی ایدز



موضوع روز جهانی ایدز امسال که در اول دسامبر (۱۰ آذر) برگزار می شود، "پیشگامی" است.

برنامه ایدز وابسته به سازمان ملل (UNAIDS) در سال ۱۹۹۷ فراخوانی برای ایدز را بنا نهاد. این فراخوان هم اکنون به وسیله "گروه حمایتی فراخوان جهانی ایدز" اداره می شود که تحت نظارت نمایندگان بزرگترین شبکه های مردمی در جهان است.

"فراخوان جهانی ایدز"، فعالیت های مربوط به ایدز در سراسر جهان را به هم پیوند داده و تقویت کرده است. این فراخوان با رویکردی مشارکتی مردم را هم صدا می کند با این هدف که رهبران جهان و دولت ها بر تعهدات خود درباره ایدز پایبند بمانند.

یکی از مشهودترین جنبه های این امر "روز جهانی ایدز" یعنی روزی برای اقدام و آگاهی مشترک است که هر ساله در اول دسامبر برابر با ۱۰ آذر ماه گرامی داشته می شود.

در راستای موضوع سال گذشته که پاسخگویی بود، موضوع روز جهانی ایدز در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ "پیشگامی" (Leadership) است.

شعار جاری فراخوان روز جهانی ایدز "همپیمان در برابر گسترش ایدز" است.

این همه گیری جهانی در سال ۲۰۰۶ به رکورد بی سابقه ابتدای ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر به ویروس ایدز (HIV) رسید که این تعداد بیشتر از سال های گذشته بود.

با وجود تلاش هایی که برای ایجاد پاسخگویی در مسئولان، انجام گرفته است، میزان پیشرفت در متوقف نمودن گسترش HIV هنوز بسیار کمتر از اهداف پیش بینی شده است. تلاش های ما با سرعت و میزان دلخواه به پیش نمی رود.

بسیاری از تعهدات سیاسی، از جمله آنهایی که در اجلاس ویژه مجمع عمومی درباره HIV در سال ۲۰۰۱ داده شدند، تحقق نیافته است. دلیل اصلی این موضوع، ضعف های مدیریتی در تمامی سطوح است.

در بسیاری جنبه ها راهبری قوی و متعهد منجر به پیشرفت های قابل توجهی در پاسخ به HIV شده است. پیشگامان را از ابتکارها، نگرش، و اقداماتشان می توان شناخت. آنان الگوی افراد دیگر می شوند و در مواجهه با مشکلات پایداری می کنند. اما پیشگامان همواره مسئولین اداری نیستند.

برای پیشی گرفتن از همه گیری جهانی ایدز، باید در تمامی عرصه ها: در بین افراد، مدارس، خانواده ها، محل های کار، اماکن مذهبی، کشورها و در سطح بین المللی پیشگام بود.

در نظر گرفتن "پیشگامی" به عنوان موضوع روز جهانی ایدز ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ باعث تشویق این روحیه و انگیزه دادن به انانی می شود که در شرایط و سطوح مختلف جامعه، گام اول را بر می دارند.



info@persianweekly.co.uk

به یاد داشته باشید با صرافی های معتبر پولهای خود را ارسال نمائید

تاریخ



پیروزی بزرگ ناپلئون در نبرد اوسترلیتز

۲۰۲ سال پیش در روز ۲ دسامبر سال ۱۸۰۵ میلادی ناپلئون اول، امپراتور فرانسه درست یک سال پس از تاجگذاری اش در نبرد اوسترلیتز به درخشان ترین پیروزی جنگی خود دست یافت. در این جنگ و در یک روز آفتابی که در اواخر فصل پاییز منظره دلپذیری داشت، ناپلئون اول فقط در چند ساعت ارتش های ۲ امپراتور دیگر، فرانز دوم، امپراتور اتریش و الکساندر اول، امپراتور روسیه را درهم شکست. به همین دلیل اوسترلیتز به جنگ ۳ امپراتور نامیده می شود.



در سال ۱۸۰۵ میلادی سومین اتحادیه علیه ناپلئون به تحریک انگلستان تشکیل شده بود. ناپلئون که به دلیل از دست دادن نیروی دریایی اش نمی توانست به خاک انگلستان که به منزله سر این اتحادیه بود حمله کند، تصمیم گرفت به بازوی آن اتریش ضربه بزند بنابراین، ناپلئون با ارتش خود آماده مقابله با ارتش های اتریش و روسیه شد.

او سپاه اتریش به فرماندهی ژنرال ماخ را در اولم در روز ۲۰ اکتبر سال ۱۸۰۵ میلادی شکست داد سپس با تعقیب بقایای سپاه اتریش، ناپلئون اول پیروزمندانه وارد وین، پایتخت امپراتوری اتریش شد. این نخستین بار در تاریخ وین پایتخت سلسله هابسبورگ بود که باید در مقابل یک فاتح تسلیم می شد.

در روز ۱۹ نوامبر، ارتش فرانسه به برون (برنو، مرکز مورایا واقع در جمهوری چک امروزی) رسید.

در مقابل ارتش فرانسه، ارتش روسیه و اتریش تحت فرماندهی ژنرال روس کوتوزوف صف کشیده بودند. دو سپاه چند بار دست به نبردهای کم دامنه ای زدند.



ناپلئون اول که یک استراتژیست بزرگ بود، تصمیم گرفت با یک مانور نیروهای دشمن را غافلگیر کند بنابراین، او در مقابل حیرت عمومی مارشال هایش در روز ۲۸ نوامبر دستور داد ارتش فرانسه عقب نشینی کرده و بلندی های پراتزن که از لحاظ تاکتیکی حائز اهمیت بودند را رها کند. ارتش متحدین این عقب نشینی را به عنوان نشانه ضعف ناپلئون تلقی کردند.

در روز ۲۰ نوامبر، ناپلئون با پرسن دالگورکی ملاقات کرد و پیشنهاد آتش بس داد اما روس ها توقعات زیادی را مطرح کردند و مذاکره قطع شد.

بنابراین نبرد قطعی به نظر می رسید و ناپلئون در منطقه ای حضور داشت که برای نبرد ایده آل بود و نیروهای اتریش و روسیه فرصت کافی برای تحکیم مواضع خود نداشتند. ارتش فرانسه باردیگر بر بلندی های پراتزن تسلط یافت و ارتش دشمن را زیر آتش توپخانه گرفت.



سواره نظام فرانسه و سواره نظام روسیه دست به یک دوئل زدند که کمتر از نیم ساعت طول کشید و در جریان آن سواره نظام روسیه در مقابل دیدگان الکساندر اول، تزار روسیه شیره اش از هم پاشید.

به این ترتیب، در روز ۲ دسامبر سال ۱۸۰۵ میلادی، ناپلئون اول امپراتور فرانسه در یک هوای فرح بخش پاییزی ارتش های ۲ امپراتور اتریش و روسیه را در اوسترلیتز درهم شکست و به یکی از بزرگترین فتوحات خود دست یافت.

Mehran Driving School



مدرسه رانندگی
مهران

Lessons start from £15.00

booking theory and practical tests.
pass plus training available
free local pick from home, work or college
block booking discounts.
intensive course.
special courses for whom with international licence.
patient, friendly reliable service.

07912 658745

از فردوسی تا مولوی

سعید از فرزندان پاک ایران زمین، دوچرخه سواری است که اخیرا به تنهایی سفر خود را از آرامگاه فردوسی در ایران شروع کرده و تا آرامگاه مولوی در قونیه ادامه می دهد. وی در حال حاضر در سرمای شدید ترکیه در میان



کولان و برف در حال رکاب زدن به سوی آرامگاه مولوی است. سعید ۱۰ دسامبر به شهر قونیه و دیدار حضرت عشق (مولوی) خواهد رسید و پاهای خسته اش را از رکاب بر می دارد.

رکاب زدن سعید پیام آور مهر و دوستی ایرانیان در سراسر جهان است و نشانه از نگرش جدید جوانان ایرانی به مسائل ایران در جهان است.

مصاحبه اختصاصی هفته نامه پرشین، در خصوص انگیزه و نحوه سفرش را که توسط آرشد با وی انجام شده، در شماره هفته آینده خواهید خواند.

ما ز بالاییم و بالا می رویم
ما ز دریاییم و دریا می رویم

ما از اینجا و از آنجا نیستیم
ما ز بیجا مییم و بیجا می رویم

کشتی نوحیم در طوفان روح
لاجرم بی دست و بی پای می رویم

همچو موج از خود برآوردیم سر
باز هم در خود تماشا می رویم

اختر ما نیست در دور قمر
لاجرم فوق ثریا می رویم
ما ز بالاییم و بالا می رویم





Technomate
Your Digital Partner For Life

افغان ست AFGHAN SAT

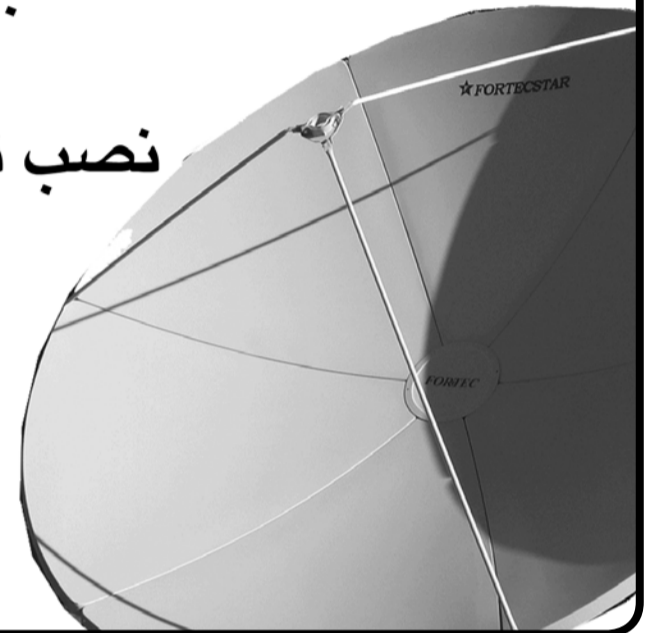
بهترین سرویس قبل و بعد از فروش
کیفیت برتر، قیمت مناسبتر
کلیه شبکه های افغانی، فارسی، عربی، ترکی
کردی و کانالهای اروپایی
نصب سیستم ثابت و موتورایزر

Tel: 020 8640 9605

Help Line: 07967 724 435



نصب آنتن تلویزیون
و
نصب تلویزیون پلاسما



با سپردن کلیه مشکلات خود در امور تصادفات به
کادر مجرب Signature Claim آسودگی خاطر خود را تضمین نمایید.

تصادف کرده اید و فکر میکنید مقصر نیستید؟
در موقع تصادف سرنشین بوده اید؟
جهت دریافت خسارت از بیمه دچار مشکل شده اید؟
آیا دچار حادثه در محل کار یا خیابان شده اید؟
آیا راننده تاکسی هستید و ماشین PCO لازم دارید؟
با یک تلفن به کمپانی Signature Claim می توانید به همه خواسته های خود دست یابید.

برای اطلاعات بیشتر با آقای محمد عزیزی
تماس حاصل فرمایید

تعویض اتومبیل تصادفی شما رفع مشکلات دریافت خسارت
جلوگیری از افزایش قیمت بیمه قرار ملاقات در محل مورد نظر شما



Signature
ACCIDENT CLAIM HELPLINE LTD

Tel: 020 8202 2822 08000 470 940

5Park Road, West Hendon, London, NW4 3QB

07958 192 192

azizi@signatureclaims.co.uk



info@persianweekly.co.uk

موسیقی



۲۶ سال از خاموشی پایه گذار مکتب آواز اصفهان گذشت



تاج اصفهانی در سال ۱۲۸۲ در اصفهان به دنیا آمد و از آنجایی که پدرش شیخ اسماعیل واعظ اصفهانی از صدایی دلنشین برخوردار بود و با گوشه‌ها و ردیف‌های آوازی ایران نیز آشنایی داشت او نیز این صدا را از پدرش به ارث برده بود اما چون جلال قبل از مدرسه رفتنش هیچ وقت جلوی پدر نخوانده بود او از چنین موضوعی بی‌خبر بود.

واعظ اصفهانی تاج را به مدرسه عالی که در بازارچه رحیم خان در نزدیک مسجد رحیم خان بود فرستاد و به خاطر صوت خوشی که جلال داشت مکتب و مؤذنی و قرائت قرآن را به او واگذار کرده بودند. یک روز عصر وقتی جلال ۹ ساله از مدرسه برمی‌گشت با خود اندک اندک زمزمه می‌کرد و این زمزمه تا نزدیک در منزل ادامه داشت در همین حین پدرش صدای او را شنید و از آن زمان ابتدا خودش مقدمات و اصول ردیف‌ها را به او آموخت و سپس او را به مرحوم آسید عبدالرحیم اصفهانی استاد مسلم آواز آن زمان سپرد و تاج مدتی نزد این استاد گوشه‌ها را یاد گرفت. پس از مرحوم آسید عبدالرحیم پدر تاج برای این که او را با گوشه‌های سازی در ردیف‌ها آشنا کند، تاج را به خدمت شادروان نایب اسداله نی‌زن معروف برد و تاج زمانی نسبتاً طولانی در خدمت این استاد نکته‌ها و ظرایف آواز ایرانی را فرا گرفت.

مرحوم میرزا حسین خان ساعت ساز معروف به خصوص آخرین استادی که تاج بنا به توصیه پدر برای فراگیری گوشه‌ها و ردیف‌ها به خدمتش رفت که او پس از اتمام فراگیری نزد این استاد، دیگر در آواز پیشگام شده بود و اندک اندک در محافل می‌خواند.

بعد از دایر شدن رادیو اصفهان تاج ضمن خوانندگی، سرپرست نوازندگان رادیو اصفهان شد و در رادیو اصفهان به اجرای برنامه‌هایی با تار اکبرخان نوروزی و برنامه آموزش گوشه‌های دستگاه‌های موسیقی ایرانی پرداخت.

او در تمام طول زندگی هنری‌اش با هنرمندانی چون مرحوم نایب اسداله نی‌زن معروف، شکر ایوب السلطنه استاد تار، استاد ابو الحسن صبا، مرتضی محجوبی، رضا محجوب، حسین یاحقی، علی اکبر خان شهنازی، حسن کسایی، جلیل شهناز، علی تجویدی و... همکاری داشته است.

جلال تاج اصفهانی در ۱۳ آذر ۱۳۶۰ درگذشت و از او ۶ فرزند به نام‌های تاجی، پروین، هما، پروانه همایون و جمشید برجای مانده است.

اجرای چکناواریان به یاد پواروتی



لوریس چکناواریان پنجشنبه (۸ آذر) به یاد پواروتی، برای کودکان سرطانی ایران، اتریشی‌ها را به همراه ارکستر ارمنستان رهبری کرد. این فستیوال را چکناواریان در هفتادسالگی اش با حضور ارکستر مجلسی ارمنستان و نوازندگان صاحب نام اتریشی در سالن آمفی تئاتر «فرهاد خیبری» بیمارستان فوق تخصصی سرطان اطفال محک برگزار کرد. در نخستین شب اجرا دو آواز ناپلی به یاد پواروتی اجرا شد و با «والتر» و «لزگینکا» ادامه پیدا کرد. گفته می‌شود عواید حاصل از این فستیوال صرف تجهیز و راه اندازی بخش پیوند مغز استخوان این بیمارستان خواهد شد. این فستیوال به همت موسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان «محک» همزمان با آغاز بهره برداری از طرح عظیم بیمارستان فوق تخصصی سرطان اطفال محک و در هفتادمین سال تولد «لوریس چکناواریان» برگزار می‌شود. این اجراها که تا نیمه آذرماه جاری ادامه دارند، به گونه‌ی برنامه‌ریزی شده است که هر شب قطعه‌های متفاوتی ارائه شود. یک سال پیش نخستین فستیوال موسیقی محک را همین آهنگساز با همراهی ارکستر مجلسی ارمنستان و با همکاری دو سولیت اتریشی با هفت اجرا به صحنه بردند.

سبک موسیقی متال و جزئیات آن

موسیقی متال زاده اعتراض است. اعتراض به مسائلی که شاید در تاریکی سایه‌ها محو شده‌اند و بعضی از آنها دیگر آنقدر عادی شده‌اند که شاید خود ما نیز کوچکترین توجهی نسبت به اون نداریم! موسیقی متال موسیقی فریاد است! و در عین حال آرامش خاص پس از فریاد را در ذهن شنونده ایجاد میکند. سعی میکنم که در حد توان و درک خودم در مورد موسیقی متال و ارتباط بین موسیقی متن آهنگها و تئوری ساخت آهنگها و تکنیکهایی که تو آهنگسازی از شون استفاده میکنند بحث کنم. در این مقاله میخوام مقدمه ای رو بر موسیقی متال و انواع سازهایی که در این نوع موسیقی استفاده میشه و ساختار آهنگهای این نوع سبک موسیقی شروع کنم تا بتونیم این نوع موسیقی تکنیکال و مملو از حس و زیبایی رو با هم بهتر درک کنیم.

موسیقی متال

بحث در مورد پیدایش این نوع سبک رو در کتابهای بسیاری خوندم و تکرار دوباره اون رو در این مطلب جالب نمیدونم. موسیقی متال زاده اعتراض است. اعتراض به مسائلی که شاید در تاریکی سایه‌ها محو شده‌اند و بعضی از آنها دیگر آنقدر عادی شده‌اند که شاید خود ما نیز کوچکترین توجهی نسبت به اون نداریم! موسیقی متال موسیقی فریاد است! و در عین حال آرامش خاص پس از فریاد را در ذهن شنونده ایجاد میکند. تمام ماها وقتی از موضوعی عصبانی میشیم و این خشم و عصبانیت ما به حد بالایی میرسه عصبانیت خودمون رو با فریاد نشون میدیم خیلی‌ها میگن که این داد و بیدادهای بی‌موردی که در این نوع موسیقی وجود داره همه برای به سری تخلیه‌های روانی هستش و داد و فریادهایی بی‌مورد هستند! ولی واقعا وقتی مادری معتاد بچه ناقصی رو به دنیا میاره که حق زندگی رو از اون میگیره! و یا در برابر مسئله ای مثل جنگ! و کشتار دسته جمعی انسانها و یا در برابر صنعتی شدن بی حد و مرز جوامع و از بین بردن طبیعت و درختانی که در صورت نبودشان نابودیمان حتمی خواهد بود! آیا میتوان وقتی این مسائل رو مطرح میکنیم لبخند بزیم و فریادمان را در درون حبس کنیم و با ملایمت بر خورد کنیم! در واقع این نوع سبک اعتراض سازهایی هم میطلبه که این اعتراض رو تکمیل کنند. صدای گیتار برقی با افکتهای خاصی که استفاده میکنند در واقع بهترین گزینه برای این نوع سبک هستش همراه با صدای کوبنده و محکم درامز! که بیس اونو تکمیل میکنه و هماهنگی خاصی که بین بیس و درامز در بعضی از آهنگها وجود داره واقعا حس جالبی رو در شنونده ایجاد میکنه و کلا صدای بیس نوعی حالت رمزآلود رو در این سبک ایجاد میکنه.



سازهای مورد استفاده در سبک متال

در متال اصیل و پایه از ۳ ساز گیتار الکتریک و بیس و درامز استفاده میشه که باز در گروههای اصیل ۲ نفر هستند که گیتار الکتریک میزنن که یکی زدن ریتم و دیگری لید رو بر عهده داره. (ریتم مجموعه ای از چند ریتم (Riff) هستش که در زیر گیتار لید نواخته میشه و اکثرا ۲-۳ ریتم هست که تکرار میشه ریتم هم خودش میتونه مجموعه ای از Palm Mute های باشه (پالم میوت تکنیک خاصی هستش که در سبک متال کاربرد بسیاری داره که دست راست که پیک یا مضراب رو میگیره روی قسمتی از انتهای بدنه گیتار جایی که سیمها وارد بدنه گیتار میشن (Bridge) قرار میگیره و بعد پیک روی سیمها زده میشه که صدای سیمها خفه شده و صدای جالبی رو ایجاد میکنه) و یا ریتم میتونه مجموعه ای از کوردهایی باشه که به صورت متناوب اجرا میشن که بسته به گرایش

خاص موسیقی متال متفاوت هستند. ولی در کل وجود پالم میوت در بخش ریتم بسیار حائز اهمیت هستش. (لید مجموعه ای از ملودیها و لیکهایی (Lick) هستش که روی گیتار ریتم نواخته میشه و گیتار لید کار تکنوازی و نواختن سولو رو بر عهده داره. لیک هم مجموعه ای از تنهایی هست که طبق قانون خاصی اجرا میشن و در اکثر سولو ها وجود دارند و شنیده میشن هر گیتاریستی از لیکهای خاصی استفاده میکنه که حالتی سلیقه ای داره و همیشه گفت از روی ملودی ها و لیکهایی که گیتاریست از اونها استفاده میکنه میشه لهجه یک گیتاریست رو مشخص کرد) گیتار بیس که حالت متداولش در سبک متال سازی هستش که از ۴ سیم تشکیل شده ولی خوب بیس ۵ سیم ۶ سیم ۸ سیم و ... هم وجود دارند. در حالت استفاده درست از بیس فضاهای خالی در موسیقی متال رو با بداهه نوازی خوب و قوی که از نوازنده بیس شنیده میشه پر میکنه ولی در اکثر گروهها هم هست که بیس همون نتهای گیتار ریتم رو میزنه با تفاوتی جزئی که میشه ایجاد این تفاوت رو هم به درامز مربوط کرد که در بسیاری جاها بیس با درامز هماهنگ میشه. درامز هم که از تیکه های متفاوتی تشکیل شده در حالت متداول سبک متال Tom ۳-۴ یک Snare و ۲ تا بیس درام به همراه چندین سنج Cymbal که انواع سنجها که هر چی بیشتر باشند مشخصا تنوع برای ساخت لاین درامز بیشتر میشه و دست درامز بازتر میشه انواع سنجهایی که متداول هستند و صدای اونها رو در آهنگهای متال میشنوم (Hi-hat, Crash, Ride, Splash, Chinese) هستند که مثلا صدای «های هت» اگه باز باشه و یا بسته باشه متفاوت و صدای راید هم اگه روی قسمت Bell زده بشه و یا رو بدنه سنج باز متفاوت! پس ترکیبی از این چند ساز موسیقی متال رو با این همه تنوع ایجاد کرده.

در موسیقی متال برای تغییر صدای گیتار از افکت های زیادی استفاده میکنند. انواع صداهای Distortion (نوعی افکت که شاخص سبک متال هست) که با انواع افکتهایی از قبیل Flanger و Chorus و ... ترکیب میشن و یا صداهای Clean هستند که باز میتونن به صورت تنظیمات مختلفی مورد استفاده قرار بگیرند. گیتار لید باز از انواع پدالهای Wah استفاده میکنه که در صدا تغییرات خاص و جالبی ایجاد میکنند.

گرایشهای مختلف سبک متال

سبک متال دارای گرایشهای مختلفی هستش که به نحوی در اون گرایش خاص یا صدای خواننده (و کالز) فرق میکنه و یا نوع نواختن همون ۳ ساز اصلی و یا سازهای دیگه ای به این ۳ ساز اضافه میشن. این عوامل و بعضی از عوامل دیگه که میتونن محتوای متنهای گروهها هم باشه باعث میشه که گرایشهای مختلفی از سبک متال زاده بشن! انواع مختلفی از قبیل Progressive Metal, Death Metal, Doom Metal, Metal, Black Metal, Thrash metal و رو میتونیم گرایشهای مختلف سبک متال دونست که باز خود این گرایشها نیز تقسیم بندی میشن.

ساختار آهنگهای متال

اصولا آهنگهای این سبک از قسمتهای مختلفی تشکیل شدنند که این ساختار میتونه تغییر پذیر باشه ولی در حال کلی یک آهنگ در سبک متال باید از قسمتهای زیر تشکیل شده باشه:

Intro - Verse - Chorus - Solo - Outro که باز این قسمتها اضافه و یا کم میشن. قسمت Verse که معمولا قبل Chorus قرار میگیره و قسمتی هستش که و کالز همراه گیتار ریتم اجرا میشه و متن نسبتا طولانی تری نسبت به Chorus رو به همراه داره. قسمت Chorus قسمتی هستش که اکثرا بعد از شنیدن آهنگ در ذهن میمونه و این تو ذهن بودن از معیارهای Chorus هستش شاید دلیلش این باشه که ملودی خاصی داره و چندین بار هم تا آخر آهنگ تکرار میشه اکثرا اسامی آهنگ در Chorus آهنگها هم تکرار میشن. قسمت سولو رو که قبلا هم بحث کردیم قسمتی از آهنگ هستش که گیتار لید هنرنمایی میکنه و میشه گفت از جذابیت موسیقی متال سولوهای خوبی هست که در این سبک وجود داره



پذیرایی با
میوه و شیرینی

جشن شب یلدا و کریسمس

هزار و یکشب

یکشنبه ۲۳ دسامبر

۹ شب تا ۴ بامداد

یکشب طولانی و شاد شاد همراه با هنرمندان محبوب لندن



پویان



ناصر کندازی



پیام



مانی



لیلی



امید



آروین

SATURDAY 29 DECEMBER

After Party

۱۰ شب تا ۴ بامداد



ورودیه: تا قبل از ساعت ۱۱ ۷ پوند اعضای هزار و یکشب ۱۰ پوند غیر اعضا ۱۲ پوند WWW.1001night.co.uk

تلفن اطلاعات: 07967021001 THE YACHT CLUB,
TEMPLE PIER, VICTORIA EMBANKMENT, LONDON, WC2R 2PN
DRESS CODE: STRICTLY SMART (NO jeans, NO trainers)

روبروی
آندرگراند
TEMPLE



DJ ALLIGATOR & SHAHARUM K

Sunday 23 December 2007

LIVE IN CONCERT

H&E Productions Presents

بزرگترین کنسرت Xmas 2007 در سالن مجل SeOne

۱۸۰۸۸۰

ورود به سالن 8pm شروع برنامه 9:30am تا 2am

بهای بلیط پیش فروش £25 پوند شب برنامه £30 پوند

With the Best DJs

Address: SeOne London, 41-43 St Thomas Street, London SE1 3QX Tel:020 74071617

 London Bridge

Dress Code: Strictly Smart

Only over 18

برای اطلاعات بیشتر ویا رزرو بلیط و VIP با این شماره ها تماس بگیرید 07944104334 - 0784.3035592

برای تهیه بلیط فقط به سوپرمارکتها و یا رستوران های معتبر ایرانی لندن مراجعه فرمایید.



www.seonelondon.com

www.mahanfoods.com



مواد غذایی ماهان



Ask your nearest store

بزودی در کلیه فروشندگیهای
محصولات ماهان

Sweets

Dairy

Juices

Pickles

Cheese

Mahan Pomegranate Juice

آب انار ۱۰۰٪ طبیعی ماهان

Tel: 02089630012 • Fax: 02089630090

190 Acton Lane, London NW10 7NH

واریته شکوهمند

شب نشینی بازار مشترک
موسسات ایرانی

شنبه هشتم دسامبر



ملودی نواز شگر دلها با صدای گرمش شور و حال و شادی شب شما را پذیرا شده. همراه با رقص مکزیکی استندآپ کمدی و رقص و پایکوبی تا پاسی از نیمه شب.

شیدا شو گرل هنرمند و شیطان

به شما توصیه میکند در این شب متفاوت یک چیز را فراموش نکنید، همراه آوردن شانستان را برای شرکت در قرعه کشی، گردن بند و گوشواره الماس، سکه طلا و بسیار جوائز دیگر.

شنبه هشتم دسامبر در کلوب مجلل کوپاکابانا.

ورود به سالن ۶ بعد از ظهر شروع برنامه راس ساعت ۷

آدرس در پشت بلیط ورودی چاپ شده.



بلیط ورودی

جشنواره

در فروشگاه های معتبر لندن

تلفن اطلاعات: ۰۷۸۴۶۰۹۴۷۳۹

بهای بلیط ۱۵ پوند.



info@persianweekly.co.uk

انجمن حمایت از معلولین ایرانی در بریتانیا

(عضو جامعه خیریه انگلستان)

Iranian Disability Support Association



فرید انصاری مدیر اجرایی انجمن

ولی تا کنون موفق به یافتن محلی نشده‌ایم. از هموطنانی که قادر هستند در این مورد به ما یاری رسانند استمداد می‌طلبیم. برخی از نیازمندان به کمک ما به خاطر کاستیهای جسمانی یا روحی به ویژه سالمندان قادر به مراجعه به دفتر انجمن نیستند، ما به منظور یاری‌رسانی به منازل آنها مراجعه می‌کنیم. انجمن توانسته است با همکاری اعضا و دوستان و کمک مالی موسسه معتبر انگلیسی Awards for All دو شماره از فصل نامه توانا را منتشر کند. این نشریه به صورت رایگان به خانه اعضاء و دوستداران انجمن ارسال می‌شود و در اماکن ایرانی مثل جامعه ایرانیان و فروشگاههای ایرانی به صورت رایگان پخش می‌شود. به طور خلاصه انجمن در دوران کوتاه حیات خود با امکانات بسیار محدود تلاش نموده از حقوق شهروندی توان جویان و بیماران ایرانی و خانواده آنان دفاع و حمایت نماید. اضافه کنیم انجمن حمایت از توان جویان ایرانی (IDSA) علاوه بر همکاری نزدیک با سازمانهای زیر مورد حمایت معنوی آنان قرار گرفته است. جامعه ایرانیان در غرب لندن - فدراسیون معلولین لندن - مرکز مشاوره و حمایت از توان جویان در منطقه ریچموند، خدمات داوطلبانه برای توان جویان واقع در لندن و منطقه ریچموند - مرکز راهنمایی و اطلاع رسانی به توان جویان در منطقه ریچموند - مرکز حمایت از معلولین اقلیتها در منطقه کنزینگتون - مرکز رفاه اجتماعی ریچموند - شورای پناهندگان - مرکز کمک به پناهجویان - موسسه صلیب سرخ لندن.

از ابتدای فعالیت، جامعه ایرانیان ما را یاری کرده و جا دارد از کمکها و راهنمایی‌های این موسسه بخصوص از شخص آقای کاوه کلاترتی قدردانی کنیم. انجمن از نظر مالی توسط برخی از نیکوکاران ایرانی حمایت شده است. و من خود را موظف می‌دانم که از طرف انجمن از تمامی انسانهای والا و نیکوکاری که در این مدت به ما یاری رسانده، به ویژه موسسه جای احمد و آقای حاج رحیم افشار که همیشه انجمن را مورد لطف قرار داده‌اند تشکر صمیمانه نمایم. همچنین از کمکهای مالی و حمایت معنوی سازمانهای معتبر انگلیسی (Trust for London) و (Awards for All) قدردانی می‌نمایم.

هیات اعضاء انجمن حمایت از معلولین ایرانی امیدوار است با کمک و همیاری کلیه ایرانیان خیرخواه و نیکوکار بتواند در آینده گامهای مفیدتر و مثبت‌تری جهت کمک به هموطنان بیمار و معلول مقیم خارج و داخل ایران بردارد. ما از دوستان و هموطنان می‌خواهیم، هرکس در حد توان خویش در این امر انسانی به ما یاری رساند.

گوش دادن به بعضی از مشکلات و مصائب مراجعه کنندگان گاهی چنان شنونده را تحت تاثیر قرار می‌دهد که به جز عشق و علاقه به همیاری و کمک رسانی به آنان نیروی دیگری ما را در این مسیر به حرکت وا نمی‌دارد و همین عشق و علاقه پایدار ما را هر روز مصمم‌تر می‌نماید. با همیاری و پشتگرمی شما انسانهای شریف ما خواهیم توانست به توان جویان و خانواده آنان که امروز نیازمند کمک هستند یاری رسانیم.

ما را در این راه تنها نگذارید.

اما روشهای ما چگونه است.
۱ - ارجاع و راهنمایی نیازمندان به ادارات مربوطه و ارسال نامه یا پرونده برای درخواستهای کمک هزینه - مسافرت - مسکن و ترانسپورت. به علت عدم آشنائی کامل ایرانیان و یا پر کردن مدارک به توان خواهان و خانواده آنان یاری رسانده و از آنان حمایت می‌کنیم و خوشبختانه بیش از ۵۰ درصد از این مراجعان به اخذ حقوق شهروندی خویش نائل آمده‌اند. ترجمه و حضور در دادگاههای تجدیدنظر (Appeal Court) و همراهی توان جویان به بیمارستان از دیگر اقدامات انجمن محسوب می‌شود. مترجمان انجمن بیش از ۶۰ بار هموطنان را در بیمارستانها و دادگاهها همراهی کرده‌اند.
۲ - اطلاع رسانی - مشاوره - راهنمایی و برگزاری جلسات به ویژه کارگاههای آموزش خودشناسی و روانشناسی کاربردی به منظور کمک به کلیه ایرانیان و فارسی زبانان عزیز برای غلبه بر مشکلات روحی و ایجاد روابط نیکوی انسانی و بازیافت زندگی از اقدامات و خدمات دیگر انجمن است.
سرویس اطلاع رسانی و مشاوره انجمن ۲ روز در هفته فعال است. در ضمن به دنبال پیدا کردن مکانی در لندن هستیم تا بتوانیم حداقل سه روز در هفته به توان جویان ایرانی و فارسی زبان کمک کنیم

انجمن حمایت از توان جویان (معلولین) ایرانی از سال ۲۰۰۴ در غرب لندن فعالیت خود را آغاز کرده و در این مدت کوشیده است به رغم امکانات محدود به مراجعان نیازمند کمک کند. فرید انصاری دزفولی بنیانگذار و مدیر انجمن حمایت از توان جویان ایرانی در گفتگو با کیهان گفت: در ابتدای کار با مشکلات فراوانی روبرو بودیم و دشواریها به حدی بود که انجام این مهم را تقریباً غیرممکن نشان می‌داد به طوری که بخود حتی اجازه نمی‌دادیم تبلیغات گسترده‌ای برای معرفی این انجمن انجام دهیم. ولی من و همکاران اندک سعی کردیم مشکلات را از سر راه برداریم و خوشبختانه توانستیم انجمن را به عنوان یک تشکیلات خیریه به ثبت برسانیم. بعد از مطالعه و تحقیق و تماسهای پی در پی با مراکز مختلف ایرانی و فارسی زبان ایجاد چنین موسسه‌ای بسیار لازم می‌نمود تا آنکه اواخر مارس سال ۲۰۰۵ شروع به تبلیغات گسترده در بین ایرانیان و فارسی زبانان نمودیم. جامعه ایرانی یا بهتر بگوئیم اقلیت ایرانی مقیم بریتانیا انجمنها - کانونها - موسسات و نگاههای مختلف به راه انداخته‌اند. تنها بخشی که چه در ایران و چه در خارج از ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند توان جویان و خانواده آنان هستند.
طبق آمار سازمان ملل حداقل ۱۰ درصد افراد هر کشور و جامعه‌ای دارای کاستیهای جسمانی و روحی هستند. با توجه به شمار بزرگی از ایرانی‌ها در بریتانیا هزاران نفر از هموطنان ما مستقیم و غیرمستقیم با مشکلاتی از این دست روبرو هستند بنابراین باید افرادی دست را بالا می‌زدند و به یاری این عزیزان می‌پرداختند. که این مسئولیت نصیب ما شده و از این خدمت گذاری بسیار خوشحالیم.

هدف انجمن که نخستین انجمن حمایت از توان جویان ایرانی و فارسی زبان می‌باشد، ایجاد زندگی بهتر برای افرادی است که معلول و بیمار باشند یا از افراد بیمار و توان جو مراقبت می‌کنند. علاوه بر این هدف علاقمندی برای جامعه ایرانی و فارسی زبان توضیح دهیم که نقص عضو به معنای ناتوانی نیست و بسیاری از انسانها که در ظاهر هیچگونه کاستی جسمی و روحی ندارند در زمینه‌های یا زمینه‌های مختلف ناتوان هستند. به خاطر دارم روزی دخترخانمی به انجمن تلفن کرد و گفت مادرم مرا با صندلی چرخدار به خرید می‌برد. سن من ۱۴ سال است معمولاً وقتی دوستی از کنار ما می‌گذرد حال مرا از مادرم می‌پرسد. در صورتی که علاقه دارم حال مرا از خودم جویا شود. درست است که بر صندلی چرخدار نشسته‌ام اما می‌توانم صحبت کنم.

درست بر این درک است که ما برای نشریه‌مان نام توانا را انتخاب کرده‌ایم. نخستین شماره نشریه توانا با عکس دختر خانم ۱۰ ساله ایرانی تزیین شده است که با وجود کاستیهای جسمانی موفق به بردن برنده جایزه مهمی شده است. و روی جلد شماره ۲ توانا مزین به عکس فوتبالیستهای معلول افغانی است که به برنامه مین رویی در آن کشور مربوط می‌شود.

از آوریل سال ۲۰۰۵ تا به امروز ۵۶۵ نفر برای یاری و مشاوره با انجمن ما تماس گرفته‌اند. اگر هر مراجعه کننده به طور متوسط ۴ بار به منظور رفع مشکلات و نیازهای خویش و برخورداری از حمایت و راهنمایی با انجمن تماس بگیرد انجمن ۲۲۶۰ بار پاسخگو و راهنمای مراجعه کنندگان بوده است. انصاری می‌گوید:

فعالیتها ما به صورت داوطلبانه انجام می‌گیرد که ما آن را در کنار کار و مشغله روزانه خود انجام می‌دهیم و از آنجایی که در خواست و نیاز کمک از سوی مردم زیاد است و از آنجا که هدف ما پاسخ شایسته به این درخواستها است در نظر داریم فردی را جهت یاری رساندن استخدام کنیم که متاسفانه کمبود مالی تا بحال چنین امکانی را به ما نداده است.

خدمات ما به این شکل ارائه می‌شود که انجمن اطلاعات و راهنمایی خود را در مورد امکانات رفاهی و حقوقی - کار - تحصیلات - مسافرت - تفریح - تعطیلات - ترانسپورت و کارگاههای آموزشی به طور رایگان در خدمت هموطنان قرار می‌دهد.



ساختمان مرکز مشاوره و حمایت از معلولین ایرانی

انجمن را یاری رسانید ما به کمک های شما نیازمندیم

How to contact us?

The telephone line is open Monday to Saturday between 10 am and 7 pm.

At other times callers can leave a message on our Mobile: 07932819687 or Telephone: 02088316080

We can also be contacted by Fax: 02088316079 E-mail: IranianDSA@AOL.COM www.iraniandsa.co.uk

Address: IDSA The Disability Support and Advice Centre 4 Waldegrave Road Teddington TW11 8HT UK

Iranian Disability Support Association (IDSA)

Standing order mandate

To: (name and address of your bank)

Please pay the BARCLAYS P.O. BOX No, 193 8/12 CHURCH STREET WALTON-ON-THAMES SURREY KT12 2YW UK Sort Code 20 90 56 for the credit of Iranian Disability Support Association Account Number 90260878 the sum of (in words)Pounds (£)

On the..... day of 2006 and thereafter every month until further notice and debit my account accordingly.

Name of account to be debited:

Account Number:Sort Code:

Signed: Date:

When completed please return to IDSA and we will forward it to your bank: IDSA 4 Waldegrave Road Teddington TW11 8HT UK



ادبیات و اندیشه



info@persianweekly.co.uk

از رسانه های ادبی جهان چه خبر

تنها مرگ به نوشتن ام
پایان می دهد

سعید کمالی دهقان

گاردین و بهترین کتاب های کریسمس

روزنامه انگلیسی زبان گاردین این هفته سراغ تعداد زیادی از بهترین نویسندگان دنیا رفته است و از آنها این سوال را کرده که بهترین کتابی که در کریسمس خوانده اند، یا هدیه داده اند چه بوده. ضمیمه ادبی گاردین که شنبه ها منتشر می شود این هفته بیشتر صفحات خود را به این موضوع اختصاص داده است. «چیماماندا آدیچی» نویسنده ۲۹ ساله نیجریه بی رمان «نیمی از خورشید تابان» که امسال برنده یازدهمین دوره جایزه معروف ادبی «اورنج» شده بود در این رابطه برای گاردین می نویسد: «کریسمس سال گذشته در شهر آبا و اجدادی ام بودم و در بالکن و در معرض باد خشک زمستانی، دو عصر خود را صرف خواندن کتاب خاطرات «مشاهده دنیای سیاه و سفید» نوشته «لینوس اوگبوجی» کردم. کتاب درباره سال های اولیه حضورش در نیجریه و سپس تحصیلات دانشگاهی در مصر و مهاجرت به ایالات متحده بود. کتاب خوب، ساده و بی تکلفی بود. دوستش داشتم.» وی سپس به کتاب هایی اشاره می کند که امسال قصد هدیه دادنشان را دارد و می نویسد: «کتاب هایی که می خواهم هدیه بدهم، عبارتند از کتاب «پسر بورما» نوشته «بی باندله»، که رمانی است بانمک درباره آفریقای هایی که در زمان جنگ جهانی دوم با انگلیسی ها جنگیدند و همچنین کتاب «جاده طلایی» نوشته «کایل میلنر» که خاطرات جالبی است درباره پیچیدگی های نژادی در آمریکا.»

«جی.جی. بالارد» نویسنده ۷۷ ساله انگلیسی داستان های علمی، تخیلی که رمان های «امپراتوری خورشید» و «تصادف» اش فیلم شده، در این رابطه می نویسد که کتاب «لندن؛ شهری ناپدید می شود» را پارسال خوانده و امسال می خواهد کتاب «سندرم گستاخی؛ بوش، بلر و مستی قدرت» نوشته «دیوید اوون» را بخواند و آرزو می کند که بتواند سال آینده نیز کتاب «معماری پارکینگ» نوشته «سیمون هنلی» را مطالعه کند. «جان بنویل» نویسنده ۶۲ ساله ایرلندی که کتاب «دریا» اش دو سال پیش برنده جایزه «بوکر» شد، بهترین کتابی را که در سال ۲۰۰۷ خوانده رمان «امرسون؛ ذهنی بر آتش» نوشته «رابرت ریچاردسون» معرفی می کند. «جولین بارنس» نویسنده پست مدرن انگلیسی کتاب خاطرات «ژول رنارد» را خوانده و آن را یکی از بهترین «خاطرات فرانسوی» توصیف کرده و تعریف و تمجید های «آندره ژید» را درباره این کتاب شاهد آورده و امیدوار است که در انگلستان هم ناشری به فکر چاپش باشد و به زودی آن را منتشر کند.

«ای.اس. بایات» نویسنده پست مدرن انگلیسی انتخاب بهترین کتاب سال را سخت می داند و با این همه یاد یکی از دوستان آلمانی اش کرده و می نویسد که سال ها پیش هر دو، داستان «جانور در جنگل» نوشته «هنری جیمز» را بهترین داستان کوتاهی دانسته اند که تا به حال خوانده اند. «هری کونزو» نویسنده ۲۸ ساله انگلیسی رمان های «امپرسیونیست» و «انقلاب های من» از کتاب «برف» نوشته «اورهان



پاموک» نویسنده ترک برنده نوبل سال گذشته نام می برد و آن را «تصویری از یک شهر ترکیه زیر روکشی از برف» توصیف می کند. وی همچنین به یکی از کتاب های «جولین کوپ» درباره موسیقی زیرزمینی سال های ۶۰ و ۷۰ ژاپن اشاره می کند. «دیوید لاج» نویسنده انگلیسی رمان «درمان» که سال ها نامش در لیست نهایی جایزه بوکر قرار داشته، به علاقه شدیدش در کودکی به کتاب های «چارلز دیکن» اشاره می کند و آن را مدیون پدرش می داند که سال ها برای کریسمس کتاب های «دیکن» به او هدیه داده. وی در جوانی شیفته «گراهام گرین» شده و علاقه به «گرین» را همیشگی توصیف کرده است. پیشنهاد کریسمس او به «گاردین» کتاب «نامه های گراهام گرین» است که توسط «ریچارد گرین» ویرایش شده و به بازار کتاب آمده است. وی مکاتبات «گرین» را مهم دانسته و می نویسد: «نامه های گرین نشان می دهد که یک مرد چطور می تواند با احساس، آرام، ناراضی از خود و حساس به احساسات دیگران باشد.» «هیلاری منتل» نیز به یکی از کتاب های

«تونی مورسون» به نام «محبوب» اشاره می کند

لوموند و گفت وگو با «تی.سی. بویل»

روزنامه فرانسوی لوموند که در صفحه پایانی ضمیمه ادبی خود به سراغ نویسندگان معروف دنیا می رود و با آنها مصاحبه می کند، این هفته با «تی.سی. بویل» نویسنده سرشناس آمریکایی گفت وگو کرده است. «لوموند» به مناسبت انتشار ترجمه جدیدترین رمان «بویل» به



زبان فرانسه، این گفت وگو را انجام داده است. فرانسوی ها از سال ها پیش با «تی.سی. بویل» آشناوند و رمان های زیادی از او به فرانسه برگردانده شده است. «بویل» برنده بهترین رمان خارجی جایزه معتبر «مدیسی» فرانسه در سال ۱۹۹۵ شد و از آن به بعد با اقبال خوبی در این کشور روبه رو شد. «تی.کوراگاسان بویل» دوم دسامبر سال ۱۹۴۸ در آمریکا به دنیا آمده و تا به حال بیش از ۶۰ داستان کوتاه در نشریات معتبر آمریکا از جمله «نیویورکر» منتشر کرده است. وی همچنین جایزه ملی آمریکا و جایزه «پن فاکنر» را از آن خود کرده است و شش مرتبه جایزه «آ.آ. هنری» را برده. «حرف بز، حرف بز» نام جدید ترین رمان «تی.سی. بویل» است که چند ماه پیش به فرانسه ترجمه و منتشر شد.

لوموند در ابتدای این گفت وگو می نویسد: «پایتخت فرانسه غپاریسف، برای این کالیفرنایی همیشه یک شهر خارجی بوده. او شیفته شهر خودش است، تی.سی. بویل واقعا مریض کشور خودش است و نمی تواند مدت زیادی بدون آن خانه اش دور بماند و خفه نشود. تا به حال چند بار تلاش کرده که از خانه اش دور شود و به کشورهای خارجی برود اما این تلاش ها نتیجه یی نداشته است. همیشه زود به دفتر کارش برگشته و شروع کرده به رفع نیاز مبرم اش؛ نوشتن.» لوموند در ادامه از «بویل» نقل قول می آورد: «من معتاد نوشتن ام... وقتی کتابی را تمام می کنم، یعنی وقتی صفحات پایانی آن را می نویسم، ایده رمان جدیدی به ذهنم می رسد. وسوسه برانگیز است. فکر نمی کنم روزی برسد که خیال پردازی های من تمام شود، هیچ راهی برای نوشتن وجود ندارد. بعضی اوقات دوستانم می گویند چرا خودت را بازنشسته نمی کنی؛ خب من هم جواب می دهم مگر شما برای غذا خوردن یا نخوردن اختیاری عمل می کنید؟ تنها مرگ است که به این جریان پایان می دهد.» لوموند در ادامه به اعتقاد شدید «بویل» به نوشتن اشاره کرده و تعداد قابل توجهی از رمان ها و داستان های کوتاه او را نام برده است.

لوفیگارو و مجموعه نامه های «لویی فردینان سلین»

لوفیگارو این هفته کتاب نامه های «لویی فردینان سلین» به ویراستارش «ماری کانواوجیا» را که به تازگی در فرانسه منتشر شده، معرفی کرده است. «سلین» سال هاست با کتاب «سفر به انتهای شب» ترجمه مرحوم «فرهاد غبرایی» و همچنین در چند سال اخیر با رمان «مرگ قسطی» ترجمه «مهدی سحابی» در ایران شناخته شده است. «لوفیگارو» در ابتدای معرفی خود می نویسد: «در سال های پایانی دهه چهل و سال های اولیه دهه پنجاه، یعنی زمانی که فرانسه در گیر و دار گلیسم بود، رفت و آمد به مودون، یعنی جایی که دکتر سلین بعد از برگشت از دانمارک در سپتامبر سال ۱۹۵۱ آنجا ساکن شده بود، برای افراد بسیاری مقدس بود.» خیلی ها افتخار آشنایی با «سلین» را در «مودون» داشته اند. لوفیگارو در ادامه این کتاب را حاوی مکاتبات مهمی بین «سلین» و ویراستار مخصوص اش «ماری کانواوجیا» دانسته است. «لویی فردینان سلین» نویسنده و پزشک معروف فرانسوی است که در ۲۷ مه ۱۸۹۴ به دنیا آمد و اول ژوئیه ۱۹۶۱ در «مودون» درگذشت. «سلین» پس از «مارسل پروست» نویسنده شاهکار «در جستجوی زمان از دست رفته» دومین نویسنده فرانسوی است که آثارش با اقبال خوبی در ترجمه در سراسر جهان روبه رو شده است. کتاب ۷۵۲ صفحه یی نامه های «لویی فردینان سلین» به «ماری کانواوجیا» را انتشارات معروف گالیمار فرانسه در نوامبر ۲۰۰۷ منتشر کرده است و ۰۵/۳۷ یورو قیمت دارد.

روزگاری که کارل مارکس مطبوعات

انگلستان را به ریشخند می گرفت

لندن ۴ سپتامبر ۱۸۵۷ نوشته Karl MARX

تندروی های سپاهیان شورشی هند * به واقع چندش آور، مضمّن کننده و از حد توصیف خارج اند، به گونه ای که نظیرش را جز در جنگ های برآمده از قیام ملت ها، نژادها و بویژه ادیان نتوان دید. کوناخ سخن، درست به همان گونه ای هستند که انگلستان شریف، طبق عادت، در مواردی بدین شرح به ستایش از آن ها می پرداخت: ارتکاب اعمال افراطی و انده ای ها علیه «آبی ها»، چریک های اسپانیایی بر کفار فرانسوی، صرب ها بر همسایگان آلمانی و مجاری، کروا ها بر شورشیان وین، گارد سواره کاونیک یا دسامبريست های بناپارت بر فرزندان دختر و پسر فرانسه پرولتری. رفتار سپاهیان، هر چند ننگین و مذموم، چیزی نیست مگر بازتاب فشرده رفتار انگلستان در هند، نه فقط در تمام دوران استقرار امپراتوری شرقی این کشور، بلکه حتی در ۱۰ سال اخیر سلطه طولانی آن. برای آن که مشخصه ای از این سلطه گری به دست آید، بیان این نکته کافی است که شکنجه نهادی از اندام واره سیاست مالیاتی آن را تشکیل می دهد. تاریخ بشر با چیزی شبیه پرداخت مزد آشنایی دارد و قاعده تاریخی پرداخت بر این قرار است که ابزار آن را نه تحقیر شدگان که تحقیر کنندگان به دست خود شکل داده اند. نخستین ضربه هایی که بر پیکر پادشاهی فرانسه فرود آمد از جانب اشرافیت بود، نه از سوی روستاییان. شورش هندوستان را رعیت های زجر دیده، تحقیر شده و چپاول شده توسط انگلیسی ها آغاز نکردند. این سپاهیان نان پرورده انگلیسی ها که پوشاک و خوراک شان را از این کشور دریافت می کردند و مورد تقد و نوازش آنها قرار می گرفتند بودند که دست به کار شدند. برای پیدا کردن نمونه های مشابه اعمال فجیعی که سپاهیان مرتکب شده اند، نیازی نیست، آن گونه که برخی روزنامه های لندن ادعا می کنند، به سده های میانی استناد کنیم یا از تاریخ معاصر انگلستان فراتر برویم. فقط کافی است نخستین جنگ چین که به اصطلاح رویدادی تازه انجام یافته است را مورد بررسی قرار دهیم. در این جنگ ها، سربازان انگلیسی، آن هم فقط برای تفریح، اعمال شنیعی مرتکب شده اند. ریشه شور و شوق آنها، نه تقدیس تعصبات مذهبی بود، نه کینه توزی برافروخته در تقابل با نژادی فاتح که می خواهد خود را به زور تحمیل کند، نه واکنشی برانگیزنده در برابر مقاومت سرسختانه یک دشمن قهرمان. تجاوز به زنان، به سلابه کشیدن کودکان و به آتش کشیدن روستاها تنها بلهوسی های وحشیانه ای بود که توسط خود افسران انگلیسی و نه ماندانان های چینی به ثبت رسیده است. در فاجعه کنونی نیز در خطای مطلق خواهیم بود اگر تصور کنیم هر چه سببیت هست از سوی سپاهیان است و از سوی انگلیسی ها جوی رحمت و بشردوستی به تمامی جاری است. از نامه های افسران انگلیسی نفرت و کینه می تراود. یکی از آنها از پیشاور (واقع در پاکستان فعلی) نامه ای فرستاده و در آن به توصیف نحوه خلع سلاح هفتم سواره نظام نامنظم می پردازد که حاضر نشده بود از دستوره های مافوق اطاعت کرده، دست به سرکوب هتک ۵۵ پیاده نظام بومی بزند. او با شرف گزارش می دهد که این مردان را نه تنها خلع سلاح کردند بلکه کت و چکمه های شان را هم در آوردند، ۱۲ پنس به هر کدام پرداخت، آنها را تا ساحل رود هندوس هدایت، بر کشتی سوار و در رودخانه میان آب ها رها کردند. کاتب نامه، با آب و تاب، انتظارش را از غرق شدن تک تک سرنشینان میان تنداب های رودخانه تشریح می کند. فرد دیگری از اقدام تعدادی از ساکنان پیشاور یاد می کند که در مراسم عروسی، طبق یک سنت ملی، ترقه های باروت دار منفجر کرده و باعث ایجاد وضعیت اضطراری شده بودند. روز بعد، مرتکبین این اعمال مورد اتهام قرار گرفته «چنان تنبیه شدند که هرگز فراموش نخواهند کرد». از پندی Pendi، به سر جان لارنس اطلاع دادند که ۳ نفر از سردستانان محلی دسیسه چینی می کنند؛ او در پیام پاسخ دستور داد جاسوسی را در جلسات آنها شرکت دهند. بر اساس گزارش جاسوس، سر جان لارنس در پیام دومش دستور داد: «آنها را دار بزنید.» این رؤسا را دار زدند.

نعره های مستانه «تایمز» این خونخوار پیر... به قول کابِت Cobbett (۲)، و شیوه بازیگری نقش یک شخصیت خشمگین در اپرایی از موزارت که می تواند با اندیشه دار زدن دشمن، بریان کردن، مثله کردن، به سیخ کشیدن و زنده سلاخی کردن اش، با الحانی دلنشین پسند افتد- اگر در پس این سخنوری های تراژیک ریسمان های چرخاننده کمدی را به وضوح به چشم نمی دیدیم، این تلافی جویی جنون آمیز ابلهانه می نمود. «تایمز» بیش از اندازه ستیزه جویی می کند و این فقط ناشی از هراس نیست. موضوعی به کمدی در می آید که مولیر در نیافته بود: تارتوف Tartuffe انتقام، او، صاف و ساده، تنها در پی آن است که تبلیغاتی جنجالی به نفع اموال دولت و جهت پوشاندن اعمال حکومت به راه بیاندازد. از آن جا که دلی، به مانند باروهای جریکو، با وزش نسیمی سقوط نکرد، امپراتوری بریتانیا از فریاد های انتقام جویی دچار سرسام شده تا بلکه مسئولیت دولتش را در برابر وقایع ناگواری که رخ داده، با آن ابعاد غول آسایی که پیدا کرده اند، به فراموشی بسپارد.

نوشته کارل مارکس در ۴ سپتامبر ۱۸۵۷. این متن در نیویورک دیلی تریبون ۱۶ سپتامبر ۱۸۵۷ انتشار یافته است. * در متن از واژه cipaye استفاده شده که اشاره به سربازان هندی در خدمت ارتش بریتانیا است. (م) ** «گر به ۹ دم»: ابزار شکنجه ای است که دزدان دریایی و سپس ارتش انگلستان در سده های ۱۸ و ۱۹ از آن استفاده می کردند. یک نوع تازیانه بود با دسته چوبی به طول ۲۰-۴ سانتی متر که ۹ رشته چرمی یا طناب به طول ۴۰ تا ۶۰ سانتی متر از آن آویزان بود و انتهای هر رشته را یک گره می زدند. این تازیانه ها به علت عفونتی که ایجاد می کردند و خطر مهلک آن برای نفر بعدی، یک بار مصرف بودند. (م) ۱- این واژه دارای ریشه سانسکریت است به معنی «ارباب عالم» و یکی از اسامی خدای کریشنا.

۲- روزنامه نگار، نویسنده مقاله های جدلی و سیاست مدار انگلیسی (۱۷۶۳-۱۸۳۵).

۱۸۵۷ نوشته کارل مارکس در ۴ سپتامبر ۱۸۵۷. این متن در نیویورک دیلی تریبون ۱۶ سپتامبر ۱۸۵۷ انتشار یافته است. * در متن از واژه cipaye استفاده شده که اشاره به سربازان هندی در خدمت ارتش بریتانیا است. (م) ** «گر به ۹ دم»: ابزار شکنجه ای است که دزدان دریایی و سپس ارتش انگلستان در سده های ۱۸ و ۱۹ از آن استفاده می کردند. یک نوع تازیانه بود با دسته چوبی به طول ۲۰-۴ سانتی متر که ۹ رشته چرمی یا طناب به طول ۴۰ تا ۶۰ سانتی متر از آن آویزان بود و انتهای هر رشته را یک گره می زدند. این تازیانه ها به علت عفونتی که ایجاد می کردند و خطر مهلک آن برای نفر بعدی، یک بار مصرف بودند. (م) ۱- این واژه دارای ریشه سانسکریت است به معنی «ارباب عالم» و یکی از اسامی خدای کریشنا.

۲- روزنامه نگار، نویسنده مقاله های جدلی و سیاست مدار انگلیسی (۱۷۶۳-۱۸۳۵).



info@persianweekly.co.uk

آغاز چاپ روزنامه ها با ماشین خودکار قوه بخار و...

چاپ روزنامه «تایمز» لندن از بیست و هفتم نوامبر سال ۱۸۱۴ (۱۹۳ سال پیش) با ماشین خودکار قوه بخار ساخت دو آلمانی به نام کونینگ و بانور آغاز شد که رویدادی بزرگ در تاریخ روزنامه نگاری به شمار می رود زیرا که از آن پس ظرفیت و سرعت چاپ بیشتر، هزینه کمتر و مطبوعات با بهای ارزان تر عرضه شدند و عامه مردم استطاعت خرید آنها را به دست آوردند. «تایمز» از سال ۱۷۸۸ انتشار می یافت- تا ۱۷۸۵ نام آن «یونیورسال رجیستر» بود- و به انتشار اخبار و تفسیرهای بین المللی بهای بیشتر می داد. این روزنامه که توسط «جان والتر» تاسیس شده بود تا سال ۱۹۲۲ در خانواده والتر باقی ماند و در این سال به خانواده «استور» و از ۱۹۶۶ به تامسون (کانادایی) فروخته شد که روپرت مورداک (استرالیایی) در سال ۱۹۸۱ آن را خریداری کرد، مثنی آن را محافظه کارانه ساخت و اینک دارای ۷۰۰ هزار نسخه تیراژ است. موسسه تامسون در پی یک سال اعتصاب کارکنان فنی تایمز و توقف انتشار آن از دسامبر ۱۹۷۸ تا نوامبر ۱۹۷۹ مجبور به فروش آن شد. کارکنان فنی این روزنامه مایل به الکترونیک شدن حرفه‌پننی، صفحه بندی، پلیت سازی و چاپ آن نبودند، که مورخان آن را عجیب ترین اعتصاب نوشته اند. امسال در سالروز خودکار شدن چاپ تایمز دو گزارش رسمی نومیدکننده انتشار یافت. یکی کاهش هفت درصدی آگهی های طبقه بندی شده روزنامه ها (نیازمندی ها) و دیگری پایین آمدن تیراژها به میزان سه و نیم درصد است. کاهش آگهی های کوتاه (نیازمندی ها) به علت توجه به انتشار این آگهی ها در اینترنت و گسترش وب سایت های معامله گری است. تیراژها نیز در پی کاهش این قبیل آگهی ها کم شده است. به علاوه، روش انگلیسی (تابلویی) یعنی انتشار عکس بزرگ و کاستن از عرض ستون ها و ایجاد فاصله و... کارساز واقع نشده و مخاطبان اخبار مطلق (نه تفسیر، مقاله، فیچر و حاشیه) ترجیح می دهند آنها را در سرچ انجین های اینترنت ببابند و بخوانند. مخاطبان شبکه های تلویزیونی نیز رو به کاهشند زیرا اخبار ویدیویی هم در اینترنت قرار می گیرند.

۱۴ آذرماه سالروز درگذشت «الکساندر دوما»

«الکساندر دوما داوری دولا پاتری»، معروف به «الکساندر دوما» یکی از مشهورترین رمان نویس های فرانسه، در سال ۱۸۰۲ به دنیا آمد و در پنجم دسامبر ۱۸۷۰ از دنیا رفت.



دوما در مدت چهل سال داستان ها و نمایشنامه ها و مقالات و اشعار متعددی منتشر ساخت که تعدادشان از دویست نیز تجاوز می کرد ولی هیچ یک از آنها از حیث ارزش ادبی و سایر محسنات با «سه تفنگدار» قابل مقایسه نیست.

در کلیه آثار دوما، «سه تفنگدار» (۱۸۴۴)، «کنت مونت کریستو» (۱۸۴۶) و «لاله سیاه» (۱۸۵۰) معروفترین آنها هستند که می توان گفت این آثار در زمره آثار پرمخاطب جهان در همه اعصار قرار داشته و دارند. آثار دراماتیک او که در زمان خود نیز شهرت بسیار داشت عبارتند از: سه تفنگدار، گردن بند خانم موتسوروی، ملکه مارگو، ژوزف بالسامو، پاسداران چهل و پنج گانه، آموری، لاله سیاه، تأثرات سفر، گودال جهنم، خدا وسیله ساز است، تبعیدشدگان، ابوالهول سرخ، آسکانیو، برج کج و کنت مونت کریستو، غرش توفان؛ قبل از طوفان. این رمان نویس در روز ۵ دسامبر ۱۸۷۰ در سن ۶۸ سالگی در روستای زادگاهش «ویلر کوتره» در گذشت.

ناآشنایان، تقریباً بدون استثنا روی افزایش قیمت های بازار سرمایه گذاری می کنند.

به نظر چنان می نماید که این واقعیت منطقی صحیح اما عملاً بی ربط که سود در روندهای پیش فروش محدود است و حال آنکه در مراحل پیش خرید چنین محدودیتی در کار نیست، انگیزه روانی چنین رفتاری است.

درحالی که بورس بازان بزرگ که عملاً باید اشیا را تحویل دهند، احتمال های هر دو طرف بازار را حساب می کنند، سرمایه گذاری روی پول محض - که در سرمایه گذاری روی آینده یافت می شود - به سرمایه گذاری در یک جهت - که بالقوه بی نهایت است - علاقه دارد.

این گرایش که صورت درونی تکاپوی منفعت مالی را قوام می بخشد، به وجهی روشن تر در نمونه ذیل نمود می یابد. کشاورزی آلمان، در فاصله سال های ۱۸۸۰ - ۱۸۳۰ سود سالانه مستمراً فزاینده تولید می کرد و این تصور را به وجود آورد که سوددهی مزبور، روندی بی نهایت است؛ بنابراین، دارایی ها نه به قیمتی متناسب با ارزش جاری شان بلکه معادل با سود متوقع آینده شان عرضه می شدند؛ به همین علت است که کشاورزی اکنون دچار این وضع فلاکت بار است.

آدم واقعا ولخرج را نباید با افراد لذت پرست یا صرفاً سبکسر اشتباه گرفت؛ هرچند همه این عناصر در ولخرج نوعی، به هم می آمیزند. آدم ولخرج همین که به شیء مطلوبش دست می یابد، نسبت بدان بی اعتنا می شود؛ تمتع و کامجویی او محکوم است به اینکه هرگز قرار و دوام نیابد؛ لحظه دستیابی او به یک شیء با نفی کامجویی او مصادف می شود.

از این حیث، زندگی برای او همان شکل اهریمنی را پیدا می کند که برای فرد مال اندوز؛ هر مقصودی که حاصل می شود، به عیش او برای خوستی که هرگز برآورده نمی شود، دامن می زند، زیرا کل این گرایش در جستجوی ارضا است؛ چون که از یک هدف غایی می برد و در بطن مقوله ای جای می گیرد که از آغاز هر غایتی را رد می کند و خود را محدود به وسایل و یک لحظه مانده به آخر می کند.

شخص خسیس از آن دو انتزاعی تر است. وقوف او به هدف در فاصله ای به مراتب بیشتر از هدف غایی متوقف می شود و حال آنکه آدم ولخرج به اشیا ی مطلوب خود نزدیک تر می شود، زیرا حرکت او به سمت غایتی عقلانی در مرحله ای واپس تر می ایستد تا آن را تصرف کند؛ توگویی آن، خود هدف غایی است.

از یک طرف، این وحدت صوری تقابل کامل نتایج مشهود و از طرف دیگر، فقدان یک هدف انضمامی نظم آفرین - که با اشاره به بی معنایی یکسان هر دو گرایش، تاثیر متقابل نامعینی بین آنها برقرار می کند- این واقعیت را توضیح می دهد که مال اندوزی و ولخرجی اغلب اوقات در یک شخص واحد یافت می شوند؛ خواه در بخش آنها در حوزه های متفاوت علایق و خواه در پیوند با احوال و حالات متغیر. قبض و بسط این حالات چنان در مال اندوزی و ولخرجی جلوه می کند که گویی، هربار، محرک فرد یکی بوده و فقط ظرفیتش فرق می کرده است.

معنای دوگانه پول برای خواست ما نتیجه باهم نهاد ۲ نقشی است که پول ایفا می کند؛ هرچه نیاز به خوراک و پوشاک فوری تر و عام تر باشد، میل به آنها بالطبع محدودتر می شود. ممکن است مقادیر کافی، بالاخص از چیزهای لازم و ضروری، در کار باشند که بدین ترتیب در اصل شدیدترین موارد میل اند. در تضاد با نیازهای طبیعی ما، تقاضاهای کالاهای تجملی محدودیت نمی شناسد.

عرضه اجناس تجملی هرگز از تقاضای آنها در نمی گذرد. مثلاً، فلزات گرانبها، با توجه به اینکه مواد لازم برای ساخت جواهرات اند، استفاده های بیشماری دارند. این امر، نتیجه غیرضروری بودن اساسی آنهاست.

هرچه ارزشها به بنیاد و اساس زندگی ما نزدیک تر باشند و هرچه بیشتر با شرایط بقای محض ما یکی باشند، تقاضای مستقیم شان قوی تر و البته از حیث کمیت محدودتر است و احتمال رسیدن به حد اشباع در مراحل اولیه بیشتر است.

پول در دل خویش حامل ساختار نیاز به تجملات است؛ چراکه هر محدودیتی بر میل به خود را کنار می زند که تنها به میانجی رابطه مقادیر مشخص با ظرفیت ما برای مصرف کردن، ممکن خواهد بود. با این همه، پول برخلاف

فلزی گرانبها که در ساخت جواهرات به کار می رود، نیازی ندارد میل نامحدود به خود را با فاصله گیری فزاینده از نیازهای آنی و مستقیم متعادل کند، زیرا پول، همبسته اساسی ترین نیازهای زندگی هم شده است.

این خصلت دوگانه نظرگیر پول، نظر به میل بدان، به شکلی مجزا در مال اندوزی و ولخرجی نمود می یابد، زیرا در هر دو مورد، پول در میل ناب بدان مستحیل می شود. هم مال اندوزی و هم ولخرجی وجه منفی چیزی را عیان می سازند که دیدیم وجه مثبت پول نیز هست؛ یعنی اینکه پول قطر دایره ای را که در آن سابق های روانی متعارض ما شکوفا می شوند، بزرگ می سازد. به عبارتی، آنچه مال اندوزی در قالب فلج مادی نشان می دهد، ولخرجی در قالب بی ثباتی و گسترش خواهی عیان می سازد

ولخرجی؛ پاره های از فلسفه پول

■ جرج زیمل - ترجمه صالح نجفی

لذت ناشی از ولخرجی کردن مربوط می شود به مجال خرج کردن پول برای هر چیزی که پیش آید و باید آن را متمایز ساخت از لذت حاصل از تمتع گذرا از چیزها و فرق گذاشت بین آن و تفاخر و جلوه فروشی مربوط بدان و تغییر و تحول مهیج میان اکتساب و استفاده چیزها؛ لذت مورد بحث بیشتر مربوط می شود به کارکرد ناب اسراف و ولخرجی، قطع نظر از محتوای جوهری و اوضاع و احوال متلازم آن.

برای آدم خراج، جاذبه لحظه ولخرجی کردن هم از خود افزایش پول و هم از جذابیت چیزهای مصرفی، پیشی می گیرد. این امر به طور مشخص موقعیت فرد ولخرج را در نسبت با سلسله غایات برجسته می کند. اگر نقطه فرجامین این سلسله، تمتع از طریق مالکیت یک چیز باشد، آن گاه اولین مرحله واسط اساسی مالکیت پول است و دومین مرحله، پول را صرف آن چیز کردن.

برای آدم خسیس، اولین مرحله مطبوع و فی نفسه مطلوب می شود ولی برای آدم ولخرج، مرحله دوم است که کیف می آورد. برای آدم ولخرج، پول همان قدر مهم است که برای خسیس؛ گرچه نه به شکل تصاحب آن بلکه در قالب حرام کردن آن. درک آدم ولخرج از ارزش، به لحظه تبدیل و انتقال پول به دیگر صورتهای ارزش وابسته است، آن هم تا بدان حد که او با اشتیاق می خواهد برای تمتع از این لحظه، به بهای برپادادن همه ارزشهای انضمامی تر پول بپردازد.

بنابراین به راستی درخور توجه است که بی اعتنایی نسبت به ارزش پول - که ذات و جاذبه ولخرجی به شمار می آید - این ارزش را به صورت چیزی تجربه شده و قدر دانسته، پیش فرض می گیرد زیرا آشکارا، دورانداختن چیزی که برای آدمی بی تفاوت است، خود نیز کاملاً بی تفاوت خواهد بود. مورد ذیل معرف ولخرجی غیرمنطقی و لگام گسیخته مرسوم در رژیم گذشته است.

وقتی شاهزاده کنتی (Prince Conti) الماسی به ارزش ۴ تا ۵ هزار فرانک را برای بانویی فرستاد و او الماس را برگرداند، شاهزاده فرمان داد الماس را چنان خرد کنند که بتواند از آن به عنوان پودر مخصوص نوشتن استفاده کند تا جواب نامه زن را بدهد. تین (Taine) به این داستان، اظهار نظر ذیل را در خصوص عادات عرفی آن دوره می افزاید: «هرچه کمتر به فکر پول باشی، چه اندیشه تری».

البته این نظر متضمن درجه ای از خودفریبی است، زیرا نگرش منفی آگاهانه و موکد به پول

- به سان فرایندی دیالکتیکی - بر ضد خود استوار است؛ یعنی بر آن نگرشی که برای پول اهمیت و جذابیت قائل است و بس.

این حکم درباره برخی فروشگاهها در شهرهای بزرگ صادق است که برخلاف فروشگاههایی که مشتریان را با قیمت های ارزان جلب می کنند، با بی قیدی مظاهرانه تاکید می کنند که اجناس شان بالاترین قیمت ها را دارد.

آنها بدین وسیله به جذب آراسته ترین اقشار جامعه می اندیشند که اصلاً قیمت اجناس را نمی پرسند. در این مورد، نکته جالب توجه این است که آنها نه بر موضوع اصلی - خود شیء - بلکه بر متضایف یا همبسته منفی آن تاکید می گذارند؛ اینکه قیمت مهم نیست. و بدین ترتیب، ناخودآگاه پول را دگر بار در مرکز توجه قرار می دهند؛ هرچند به شکل سلیبی.

ولخرجی، به علت رابطه نزدیکش با پول، به سهولت تمام شتاب می گیرد و آنانی را که دچار ولخرجی اند، از ملاحظه موازین معقول ناتوان می سازد، زیرا نظم و قاعده ای که از طریق سنجه پذیرفتاری (receptivity) اشیا ی انضمامی حاصل می شود، از دست می رود.

وجه مشخصه حرص مفرط پول، دقیقاً همان ولخرجی است؛ حرص پول، به عوض جستجوی تمتع از چیزهای واقعی، به دنبال چیزهای ناملموس و نامحسوس می گردد که تا بی نهایت گسترش می یابند و هیچ حد و مرز بیرونی یا درونی نمی شناسند.

وجود توأمان پول اصلی و تقلبی، بزرگترین احتمالها را برای افزایش درونی جنون پول پرستی پیش می آورد که در مقایسه با آن، دیگر خواهش های شدید نفسانی همواره مبتنی بر علل روان شناختی می نمایند. ما می دانیم این قضیه حتی در انقلاب های چین روی داد، زیرا حکومت دستمزد ها را با پول تقلبی می پرداخت اما مالیات ها را فقط با پول اصل می پذیرفت.

من، فقط در حد فرضیه، فکر می کنم این عدم اعتدال که بخشی از نفس علاقه به پول است، در عین حال ریشه پنهان پدیده عجیب و غریبی است که در بازار بورس یافت می شود؛ این پدیده که بورس بازان جزء





info@persianweekly.co.uk

ورزشی ایران و جهان



قطبی: فیروز کریمی فقط حرف می زند



سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس تهران گفت: فیروز کریمی تنها حرف می زند و عمل نمی کند.

افشین قطبی در تمرین پرسپولیس درباره اظهارات اخیر سرمربی استقلال گفت: فیروز کریمی از آن دسته مربیانی است که فقط حرف می زند و در عمل ناکامند. وی ادامه داد: استقلال در ۳ هفته گذشته خوب نتیجه گرفته بود؛ اما با حضور کریمی برابر پاس همدان شکست خورد و این اتفاق یکی از شگفتی‌ها در فوتبال است. نمی‌خواهم در مورد استقلال و سرمربی آن حرفی بزنم؛ اما وی در مورد من حرف‌هایی زده بود که باید پاسخ می‌دادم. قطبی درباره شایعه انتقال چند بازیکن پرسپولیس به امارات گفت: حسین بادامکی، محسن خلیلی و علیرضا نیکبخت واحدی از بهترین بازیکنان تیم من هستند، بنابراین برای کسب جام قهرمانی نمی‌توانم اجازه فروش آنها را بدهم. با توجه به شرایط مالی باشگاه توان خرید نفرات جدید را نداریم، بنابراین منطقی نیست که مهره‌های کلیدی را از دست بدهیم.

وی درباره شایعه مربیگری اش در تیم ملی تاکید کرد: در بدو ورودم به ایران بارها اعلام کردم که فقط به پرسپولیس فکر می‌کنم و در صورت موفقیت در این تیم، چنانچه پیشنهادی از تیم ملی داشته باشم به آن فکر می‌کنم. قطبی همچنین درخصوص خبر تعلیق احتمالی فوتبال ایران تصریح کرد: امیدوارم هر چه زودتر مشکلات فوتبال ایران بر طرف شده و این تیم در قاره آسیا به حق خود برسد.

بولتون در غیاب تیموریان از لیورپول شکست خورد

تیم بولتون واندرز در غیاب لژیونر ایرانی در ورزشگاه آنفیلد با ۴ گل مغلوب لیورپول شد. تیم لیورپول یکشنبه شب در جریان مسابقات هفته پانزدهم لیگ برتر با نتیجه ۴ بر صفر مقابل بولتون به برتری دست یافت. در این بازی لیورپولی‌ها با گل‌های هیپیا ۱۷، تروس ۴۴، جرارد ۵۶ (پنالتی) و بایل ۸۶ حریف خود را شکست دادند. در دیداری دیگر تاتنهام هاتسپرز تن به شکست ۳ بر ۲ مقابل بیرمنگام داد. در این بازی هردو گل تیم تاتنهام توسط رابی کین در دقیقه ۵۰ و ۵۳ زده شد. این بازیکن سپس در دقیقه ۶۸ توسط داوور از زمین اخراج شد. مک شیفی ۲۴، کامرون جرومه ۶۲ و سباستین لارسون ۹۰ نیز گل‌های تیم پیروز را به ثمر رساندند.

جدول رده بندی:

-۱ آرسنال ۳۶ امتیاز (یک بازی کمتر)



-۲ چلسی ۳۱ امتیاز

-۳ لیورپول ۳۰ امتیاز

-۴ منچستر یونایتد ۳۰ امتیاز (یک بازی کمتر)

-۵ منچستر سیتی ۳۰ امتیاز

تغییر محل تمرینات استقلال

فیروز کریمی سرمربی جدید تیم فوتبال استقلال تهران امکانات زمین چمن ورزشگاه شیرویدی را تایید نکرد تا مسئولان این باشگاه در صدد تغییر زمین تمرینات این تیم باشند. فیروز کریمی روز چهارشنبه برای نخستین



بار در محل تمرینات تیم فوتبال استقلال حضور یافت. او پیش از آغاز تمرین امکانات زمین شماره ۲ ورزشگاه شیرویدی را مورد ارزیابی قرار داد که ظاهراً مورد تایید وی قرار نگرفت. امکانات محل تمرین، چمن نامناسب، نزدیک بودن فاصله تماشاگران با زمین تمرین از مهمترین عوامل ناراضی‌کننده کادرفنی استقلال برای تغییر زمان تمرین آبی پوشان عنوان شده است. در صورت اجابت درخواست فیروز کریمی از سوی مسئولان باشگاه استقلال کار آماده سازی این تیم به احتمال زیاد در ورزشگاه آزادی دنبال خواهد شد. استقلال تهران برای اجاره چمن ورزشگاه آزادی کار سختی پیش رو خواهند داشت گرچه آبیه‌ها برای آمدن به شیرویدی زیاد به آب و آتش زدند.

کاکا مرد سال فوتبال اروپا



بازیکن برزیلی تیم فوتبال آ.ث میلان با جا گذاشتن رونالدو و مسی به عنوان بهترین بازیکن قاره اروپا در سال ۲۰۰۷ برگزیده شد.

به نقل از رویترز، کاکا، ملی پوش ۲۵ ساله از سوی مجله معتبر فرانس فوتبال توانست بیشترین آرای ۹۶ روزنامه نگار ورزشی جهان را به خود اختصاص داده و به این افتخار مهم دست یابد. وی به این ترتیب جای فابیو کاناوارو، مدافع و کاپیتان تیم ملی ایتالیا و عضو رئال مادرید را گرفت که در سال ۲۰۰۶ این افتخار را بدست آورده بود.

کاکا با کسب این عنوان هشتمین بازیکن در تاریخ حیات باشگاه آ.ث میلان ایتالیا است که توانست به این عنوان مهم برسد. کریستانو رونالدو، هافبک پرتغالی منچستریونایتد انگلیس و لیونل مسی، بازیکن آرژانتینی بارسلونا در رده های بعدی قرار گرفتند.

رده بندی ده بازیکن برتر این گزینش به این ترتیب است:

۱ کاکا - برزیل - میلان

۲ کریستانو رونالدو - پرتغال - منچستریونایتد

۳ لیونل مسی - آرژانتین - بارسلونا

۴ دیدیه دروگبا - ساحل عاج - چلسی

۵ آندرا پیرلو - ایتالیا - آ.ث میلان

۶ رود فان نیستل روی - هلند - رئال مادرید

۷ زلاتان ابراهیموویچ - سوئد - اینترمیلان

۸ سس فابریگاس - اسپانیا - آرسنال

۹ روبینیو - برزیل - رئال مادرید

۱۰ فرانچسکو توتی - ایتالیا - رم

نایک اومبرو را می خرد



نایک با خریدن اومبرو قصد دارد عرصه را بر آدیداس تنگ کند.

شرکت آمریکایی تولید وسایل ورزشی نایک، شرکت بریتانیایی اومبرو را در معامله ای به ارزش ۵۸۰ میلیون دلار خواهد خرید.

نایک با خریدن اومبرو قصد دارد عرصه را بر آدیداس تنگ کند. شرکت آمریکایی تولید وسایل ورزشی نایک، شرکت بریتانیایی اومبرو را در معامله ای به ارزش ۵۸۰ میلیون دلار خواهد خرید.

شرکت اومبرو عمدتاً در عرصه تولید لباس و وسایل فوتبال فعالیت می کند و مسئولان این شرکت از موافقت با نهایی شدن این قرارداد خبر داده اند. شرکت نایک اعلام کرده این معامله به آن امکان می دهد "به شدت حضور خود در یک عرصه در حال رشد را گسترش دهد". کارشناسان این اقدام نایک را در ادامه تلاشهای این شرکت برای کسب سهم بیشتر در بازار بین المللی محصولات فوتبال ارزیابی کرده اند.

پس از اعلام خبر این قرارداد، ارزش سهام شرکت اومبرو حدود ۱۵ درصد افزایش یافت. استیو میکین، مدیرعامل اومبرو، این معامله را برای سهام داران "عالی" توصیف کرد.

او گفت: "ما به عنوان بخشی از نایک، شرکتی قدرتمندتر و بهتر خواهیم بود و این معامله به ما امکان می دهد با استفاده از منابع جهانی و تخصص نایک، به استراتژی رشدمان شتاب بیشتری بدهیم". مشتریان بیچاره، نگرانند.

شرکت اومبرو علاوه بر فراهم کردن لباس، کفش و لوازم فوتبال از جمله برای تیم های ملی انگلستان (در ۲۰ سال گذشته)، جمهوری ایرلند، ایرلند شمالی، نروژ و سوئد، در همین مورد با شش باشگاه لیگ برتر انگلستان و باشگاه های رنجرز و هارتز در اسکاتلند هم قرارداد دارد و در مجموع تجهیزات فوتبال فدراسیون ها و باشگاه های ۹۰ کشور جهان را تامین می کند.

از این رو فدراسیون فوتبال انگلستان هم مذاکراتی را با شرکت نایک انجام داده است و مقامات این سازمان اعلام کردند نایک به آنها اطمینان خاطر داده است که رابطه تیم های ملی فوتبال انگلستان و شرکت اومبرو قطع نخواهد شد.

شرکت اومبرو که مقر آن در شهر منچستر قرار دارد، ماه گذشته اعلام کرد فروش پیراهن های تیم ملی انگلستان "تا امید کننده" است.

مارک جهانی

شرکت نایک از اوایل دهه ۱۹۹۰ به تدریج وارد بازار محصولات فوتبال شد و پیوسته سهم خود از این بازار را افزایش داده است، تا جایی که با شرکت آدیداس، رقیب اصلی خود نیز برابری کرده است. نایجل کوری مدیر شرکت بازاریابی ورزشی Brand Rapport در این باره گفت: "بین نایک و آدیداس رقابتی همیشگی برای قرارداد بستن با تیمهای مطرح وجود داشته است." از نظر بازاریابی، مارک نایک برای باشگاه های برتر جهان و فدراسیون فوتبال کشورهای مختلف بسیار جذابیت داشته است.

با این حال فدراسیون فوتبال آلمان، پیشنهاد ۶۸۰ میلیون دلاری نایک برای تامین تجهیزات را رد کرد و پیشنهاد آدیداس با تقریباً نصف این رقم را پذیرفت. برخی کارشناسان خرید شرکت اومبرو را به خرید شرکت کانورس (Converse) تولید کننده کفش و لباس بسکتبال تشبیه می کنند و معتقدند که گرچه در بسکتبال، نایک عمده بازار را در اختیار داشت، اما کماکان جا برای گسترش وجود داشت. شرکت نایک در سند پیشنهاد خرید خود نوشته است: "اومبرو با تجارت نایک در عرصه فوتبال تطابق زیادی دارد و شرکت اومبرو قصد دارد بعنوان یک دفتر مستقل نایک در بریتانیا عمل کند".

گزارش: راژان نوری

جریمه ۵ میلیونی به دلیل شکست



مسئولان تیم فوتبال صنعت نفت آبادان، بازیکنان این تیم را مبلغ پنج میلیون تومان جریمه کردند. شکست دو بر یک تیم صنعت نفت مقابل

ذوب آهن باعث شد تا مسئولان این تیم برای تنبیه بازیکنان جریمه پنج میلیون تومانی در نظر بگیرند. این مبلغ از پیش قرارداد آنها کسر خواهد شد. شکست نفت به ذوب آهن ششمین باخت متوالی تیم آبادانی بود. این تیم در حال حاضر در رده هفدهم جدول جای دارد.

دستمزد ۶ میلیون پوندی برای جذب مورینیو

فدراسیون فوتبال انگلیس برای جذب سرمربی پرتغالی سابق تیم چلسی، حاضر به پرداخت دستمزدی کلان شده است.

به نقل از دبلی تلگراف، فدراسیون انگلیس که سخت در تلاش است تا مربی برای جانشینی استیو مک لارن برگزیند، برای استخدام خوزه مورینیو، سرمربی معروف پرتغالی دستمزدی ۶ میلیون پوندی در نظر گرفته است.

بر اساس اظهارات یک مقام ارشد این فدراسیون، در صورتیکه مذاکرات میان این سازمان و مورینیو نتیجه مثبت دهد و این مربی به عنوان سرمربی جدید تیم ملی انگلیس برگزیده شود، حاضر است مبلغ ۱۲۰ هزار پوند در هفته به عنوان دستمزد به او پرداخت کند. مطابق این گزارش، فدراسیون فوتبال انگلیس این رقم را از سهم خویش از تبلیغات تلویزیونی پرداخت می کند.





info@persianweekly.co.uk

به یاد داشته باشید با صرافی های معتبر پولهای خود را ارسال نمایید

۵ دقیقه تلفنی با حسین کعبی



آقای کعبی در مطبوعات درج شده که شما قصد ترک کردن تیم لستر سیتی، بازگشت به ایران و پیوستن به تیم پرسپولیس را دارید. آیا این حقیقت دارد؟

من از شرایط فعلی حضورم در لستر سیتی راضی هستم و هیچگونه مشکلی با بازیکنان و مربیان ندارم. این فقط در حد یک صحبت بود که اگر علاقمند باشم به ایران برگردم، آیا می توانم به تیم پرسپولیس ملحق شوم یا خیر؟ که متوجه شدم تبدیل به اخبار رسانه ها شد که کعبی قصد دارد به ایران بازگردد و با تیم پرسپولیس قرارداد همکاری ببندد.

پس همچنان می خواهید به بازی در لستر سیتی ادامه دهید؟ بله، من هیچگونه مساله ای با لستر سیتی ندارم و از شرایط بازی در این تیم خشنودم. تنها مساله ای که وجود دارد این است که در این مدت ۲ بار مربی تغییر کرده و این تغییرات سبب می شود که وقتی مربی جدیدی به روی کار می آید تا با بازیکنان (خصوصا آسیایی) و نحوه بازی آنها آشنا شود مدت زمانی را به خود اختصاص می دهد. البته من سعی میکنم تا بتوانم خودم را با شرایط وقف دهم و جایگاه خودم را در تیم پیدا کنم.

روابط شما با اعضای تیم به چه صورت است؟ من روابط بسیار دوستانه و خوبی با اعضای تیم دارم و آنها هم بسیار صمیمانه با من برخورد می کنند.

شایعاتی شنیده شد مبنی بر اینکه شما از لستر سیتی به منچستر یونایتد خواهید رفت. درست است؟ نه، بنده چنین قصدی را ندارم و این شایعه است.

قرعه کشی گروه های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ مشخص شد و تیم ایران در گروه ۵ آسیا در کنار رقیبانی همچون کویت، امارات و سوریه قرار گرفت. این ترکیب را چگونه ارزیابی می کنید؟ باید بگویم که ایران در این گروه بازی های سختی را در پیش خواهد داشت. تیم هایی که ایران با آنها همبازی است، هر کدام تیم های قدرتمند و مدعی قهرمانی هستند. ایران نباید آنها را دست کم بگیرد و باید با توانمندی بالایی در این دوره بازی ها حضور یابد.

با تشکر از وقتی که در اختیار هفته نامه پرشین قرار دادید و آرزوی موفقیت برای شما.

سخنگوی فیفا: انتخابات فدراسیون فوتبال ایران رسیمت ندارد



به گزارش رویترز، انتخابات فدراسیون فوتبال ایران به دلیل مخالفت فدراسیون بین المللی فوتبال (فیفا) مبنی بر حضور سیاسیون در این انتخابات بار دیگر به تعویق افتاد.

در پی تصمیم جدید فیفا و با تعویق انتخابات، رای گیری به روز شانزدهم ژانویه منتقل شده است. امیر حسین کریم پور، عضو روابط بین المللی فدراسیون فوتبال درباره اتفاقات رخ داده به رویترز گفت: طبق اساسنامه ای تأیید شده فیفا، دولت حق دخالت مستقیم در انتخابات فدراسیون فوتبال دولت را ندارد و به دلیل بروز مشکلاتی این چنینی این انتخابات بار دیگر به تعویق افتاد.

وی ادامه داد: همچنان در برخی از زمینه ها با فیفا دچار مشکل هستیم و باید آنها بر طرف شود. نامزد شدن محمد علی آبادی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی برخلاف خواسته فیفا است. سال گذشته فوتبال ایران به دلیل دخالت مستقیم دولت مخصوصا سازمان تربیت بدنی از حضور در فعالیت های بین المللی تعلیق شد. رویترز در این زمینه گزارش داده فیفا انتخابات فدراسیون فوتبال را به رسمیت نمی شناسد؛ زیرا بر اساس اساسنامه تصویب شده کمیته انتقالی، نباید سیاسیون در ورزش و برای تصاحب پست حضور داشته باشند. سخنگوی فیفا در این زمینه تأکید کرد: فدراسیون بین المللی فوتبال به ایران هفته گذشته اطلاع داده است، حضور علی آبادی در انتخابات در بخش ریاست رسمیت ندارد و اگر شرکت کند، این انتخابات مورد قبول فیفا نیست، چرا که او فقط می تواند یکی از اعضای مجمع عمومی باشد؛ اما به عنوان ریاست حق شرکت ندارد.

رویترز در پایان گزارش خود آورده است: ایران یکی از تیم های موفق آسیاست و تاکنون سه بار عنوان قهرمانی جام ملت ها را کسب کرده و سه بار نیز در جام جهانی حضور داشته است. محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری ایران از هواداران فوتبال محسوب می شود.

طعنه قطبی به استیلی

کاش تیم را خودم می بستم

۷۷ ساعت پس از آنکه

حمله رسانه بی قطبی

به فیروز کریمی و تیتز

«فیروز به جای حرف

زدن تیمش را درست

کند» جامعه فوتبال را

تحت تأثیر قرار داد، این

بار سرمربی پرسپولیس

برای نخستین بار به

دستیاران خود حمله

کرد تا کسانی که در

ماجرای اختلاف نظر

قطبی و استیلی، سرمربی

پرسپولیس را مظلوم

مطلق می دانستند، کمی

از موضع خود عقب

نشینی کنند. در حالی

که پرسپولیس از ۱۵ بازی خود ۳۵ امتیاز گرفته و در ۱۰ مسابقه

پیروز شده است افسشین قطبی با ایرنا مصاحبه کرده و گفته: «اگر



تیم را خودم می بستم، نتایج بهتری می گرفتیم» خبرنگار با تعجب می پرسد: «دیگر چه کسی را می خواستید بیاورید از این بازیکن ها بهتر؟» قطبی جواب می دهد: «به هر حال اینکه سرمربی خودش تیم را ببندد خیلی فرق دارد با اینکه دستیارانش بازیکن ها را انتخاب کنند و بعد سرمربی بیاید و کارش را شروع کند.» سرمربی پرسپولیس در این مصاحبه برای نخستین بار اعلام کرده با جدایی دستیارانش مخالفتی ندارد چون نمی تواند مانع پیشرفت آنها شود. البته آرزوی قطبی هم از زبان خودش اعلام شده: «فوتبال ایران خیلی قدرتمند است. می خواهم روی نیمکت تیم ملی بنشینم و ایران را به دور دوم جام جهانی برسانم.» تا اواسط نیم فصل اول لیگ برتر گمانه زنی های مطبوعاتی بر مبنای ضعف مدیریت و قدرت روانی افسشین قطبی در مواجهه با رقیبا و رسانه ها قرار داشت اما او در عرض چند روز چهره تازه خود را نشان داد و پس از آنکه بدون مقدمه علیه فیروز کریمی صحبت کرد، به طور غیرمستقیم مقابل حمید استیلی هم موضع گیری کرد تا ثابت شود احساس قدرت سرمربی پرسپولیس روز به روز بیشتر می شود و افسشین قطبی برای رسیدن به آرزوی بزرگش خیلی عجله دارد؛ اینکه روی نیمکت تیم ملی بنشیند و ایران را به دور دوم جام جهانی برساند. البته به احتمال زیاد در چنین روز فرخنده یی حمید استیلی را کنار سرمربی تیم ملی نخواهیم دید چرا که قطبی اعلام کرده نمی خواهد جلوی پیشرفت دستیار جوانش را بگیرد و همین الان هم اگر استیلی بخواهد از پرسپولیس برود، مخالفتی با تصمیم او نخواهد داشت. به هر حال قطبی که تعداد مصاحبه هایش با تصاعد هندسی رو به افزایش است، شناخت نامه کامل تری از خود به رسانه ها تحویل می دهد.

TONY R Ltd

ارسال هرگونه کالا و لوازم به تمام نقاط دنیا
جابجایی و بسته بندی لوازم دفتری و
مسکونی و انبار داری کالا



تخفیف ویژه برای ارسال کالا به ایران

www.tonyr.co.uk

شرکت حمل و نقل بین المللی

- * Home Removals
- * International Removals
- * European Removals
- * Domestic UK Removals
- * Storage* Office Removals
- * Corporate Relocation
- * Trade Moves

020 8451 00 22



info@persianweekly.co.uk

آموزش و فن آوری



ارائه آیفون با قابلیت های نسل سوم تلفن همراه

شرکت اپل اعلام کرد گوشی تلفن همراه جدید آیفون را که قابلیت کار با شبکه های نسل سوم تلفن همراه را دارد در سال آینده میلادی وارد بازار می نماید.



گفتنی است نسل سوم شبکه های تلفن همراه، انتقال اطلاعات را با سرعتی بیشتری انجام خواهد داد و محدودیت های موجود در شبکه های بی سیم (wifi) از جمله به نیاز به مجاز بودن برای اتصال را ندارد. در حال حاضر اقبال چندانی به استفاده از خدمات نوظهور 3G در جهان وجود ندارد و اپراتورها کماکان به درآمد حاصل از sms و تماس های صوتی

وابسته اند، اما کارشناسان خوشبین معتقدند این وضعیت ظرف چند سال آینده تغییر می کند. آنها به این نکته اشاره می کنند که حداکثر سرعت اتصال به اینترنت از طریق شبکه های فعلی 3G حدود 3.84 مگابیت در ثانیه است و لذا استفاده از فناوری های دیگر مانند Wi-Fi و Wi Max به صرفه تر است.

در حال حاضر حدود 200 میلیون کاربر در سراسر جهان از این فناوری استفاده میکنند که بیشتر این مشتریان در اروپا و آسیا مستقر هستند. عرضه تلفن همراه آیفون با استانداردهای نسل دوم موجب نارضایتی بسیاری از کاربران این تلفن همراه شد که شرکت اپل قصد دارد با ارائه نسل سوم این تلفن همراه رضایت کاربران خود را به دست آورد. در این گزارش مصرف بالای انرژی تلفن های همراه نسل سوم از عمده ترین مشکل این فناوری ذکر شده است که شرکت اپل باتری های با توان بالا را برای مشتریان تلفن همراه جدید خود وعده داده است.

رویکرد جدید یاهو در نمایش تبلیغات



ياهو با توافق با شرکت ادوب، تبلیغات را در فورمت معروف خواندن اسناد این شرکت یعنی PDF نمایش می دهد.

سرویس جدید یاهو به تبلیغ کنندگان اجازه می دهد تبلیغات را در گوشه ای از صفحه ای سند PDF نمایش دهند. بر اساس این گزارش

این جدیدترین راه توسعه مکان هایی است که یاهو می تواند در آن ها تبلیغات آن لاین کند.

این نخستین بار است که ادوب اجازه می دهد تبلیغات دینامیک در فایل های PDF به نمایش درآیند؛ در صورت چاپ سند PDF تبلیغات مذکور چاپ نخواهند شد. تبلیغات دینامیک برای مخاطبان ویژه قابل تغییر هستند تا یک کاربر ویژه یک تبلیغات را دوباره مشاهده نکند. فایل های PDF می توانند به وسیله ی شماری از نرم افزارها ایجاد شده و سپس به وسیله ی یک PDF خوان مانند ادوب ریدر خوانده شوند.

گوگل اینترنت بیسیم رایگان عرضه می کند



گوگل اعلام نمود در حال دریافت مجوزهای لازم برای راه اندازی شبکه اینترنت بی سیم در سرتاسر آمریکا است.

گوگل در نظر دارد اینترنت بی سیم خود را از اوایل سال 2009 در سرتاسر آمریکا بر روی موج متوسط block c عرضه نماید. گفتنی است این موج متوسط از سوی هیات نظارت بر مخابرات آمریکا با پایه قیمتی 1/4 میلیارد دلار به مزایده گذاشته شده است.

گوگل اظهار امیدواری کرد که ظرفیت های اینترنت بیسیم موجب افزایش رقابت بین شرکت های ارتباط تلفن سیار شود. لازم به ذکر است که هیات نظارت بر مخابرات آمریکا اعلام کرده است که برنده مزایده موظف به دادن اختیار به کاربران برای انتخاب دلخواه نرم افزار خود است. این در حالی است که هم اکنون، بسیاری از شرکت های تلفن سیار آمریکا، کاربران را ملزم به استفاده از نرم افزاری خاص برای راه

اندازی گوشی های مجهز به امکانات شبکه می کنند.

تولید مکمل روغن موتور بر پایه «نانوالماس»



پژوهشگران یک شرکت نانوفن آوری ایران موفق به تولید مکمل روغن موتور بر پایه نانوالماس شد که تولید آن تاکنون در انحصار دو کشور آمریکا و روسیه بوده است.

پژمان سلیمانی، مدیرعامل شرکت تولیدکننده این محصول اظهار داشت: نانوالماس که به عنوان مکمل به روغن موتور خودرو افزوده می شود از نانو ذرات با پایه کربن در اندازه های 4 تا 6 نانومتر تشکیل شده است.

وی خاطر نشان کرد: این محصول در بسته های 100CC عرضه می شود و هر بسته از این محصول به عنوان مکمل به چهار لیتر روغن اضافه می شود و سازگاری کامل با تمامی روغن های موجود در جهان دارد. به گفته وی، این محصول با قیمتی حدود یک چهارم نمونه های مشابه خارجی تولید شده و به اذعان کارشناسان استفاده از آن میزان استهلاک اتوبوس ها را به نصف کاهش داده است.

سلیمانی با بیان این که فن آوری تولید این محصول پیش از این تنها در انحصار دو کشور آمریکا و روسیه بوده است، خاطر نشان کرد: این محصول در ابزار ماشین کاری دقیق مانند پرس ها، ماشین تراش، ماشین های صفحه تراش و دستگاه های سنگ سمباده، ابزارهای عمومی مانند کمپرسورها، چرخ دنده ها و پمپ ها، موتورهای بنزینی و دیزلی مانند خودرو، تراکتور، کشتی ها، هواپیماها و همچنین موتورهای کوچک، آب بندی قطعات چرخنده و متحرک، گیربکس ها و سیستم های انتقال قدرت محرکه کاربرد دارد.

وی درباره مزایای استفاده از «نانوالماس» گفت: استفاده از این افزودنی به کاهش دو تا پنج برابری زمان سرویس موتور، افزایش شتاب خودرو، افزایش طول عمر روغن موتور تا دو برابر، کاهش درجه حرارت موتور تا 20 درجه سانتیگراد، کاهش اصطکاک بین قطعات، کاهش مصرف سوخت بین 5 تا 15 درصد، کاهش صدای موتور، جلوگیری از نشی روغن، کاهش زمان آب بندی موتور تا دو برابر و افزایش نرمی حرکت منجر می شود.

ناسا: شاتل آتلانتیس آماده پرتاب است



مقامات سازمان فضایی آمریکا، ناسا روز سه شنبه 4 دسامبر اعلام کردند، به دلیل هوای مساعد و نبودن هیچ گونه مشکل فنی همه شرایط برای پرتاب شاتل فضایی آتلانتیس در روز پنج شنبه 6 دسامبر آماده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، استیو پین، یکی از مقامات ناسا در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد، تمام مقدمات برای پرتاب شاتل فضایی آتلانتیس به سوی ایستگاه فضایی بین المللی (ISS) آماده است.

پرتاب شاتل برای ساعت 21 و 21 دقیقه به وقت گرینویچ (16 و 21 دقیقه به وقت محلی) از مرکز فضایی کندی در کیپ کاناورال

در ایالت فلوریدا پیش بینی شده است. قرار است شاتل فضایی آتلانتیس لابراتور اروپایی کلمبوس را به ایستگاه فضایی بین المللی منتقل کند. کتی وینتر، یکی از کارشناسان هواشناسی پایگاه نظامی هوایی کیپ کاناورال گفت، هوا برای روز پنج شنبه بسیار مساعد خواهد بود و فقط 10 درصد امکان دارد هوا برای پرتاب نامساعد شود. اگر پرتاب شاتل فضایی آتلانتیس به هر دلیلی 24 ساعت به تاخیر بیافتد، در این صورت شرایط آب و هوایی فقط 60 درصد برای پرتاب مساعد خواهد بود. استیو پین گفت، شمارش معکوس برای پرتاب آتلانتیس طبق برنامه قبلی از ساعت 2 بامداد روز سه شنبه به وقت گرینویچ آغاز شده است. او افزود، پر کردن مخزن خارجی آتلانتیس در ساعت 12 و 6 دقیقه روز پنج شنبه به وقت گرینویچ آغاز می شود.

KHATIBI & ASSOCIATION
Business Advisors Chartered Accountants Registered Auditors

THE INSTITUTE OF CHARTERED ACCOUNTANTS
IN ENGLAND AND WALES

موسسه حسابداری و حسابرسی خطیبی

مالیتهای اشخاص، شرکا و شرکتها
ثبت شرکت و برنامه های تجاری

PAYE & VAT; Personal, Partnership and Company's
Tax return

Complete Tax Planning, PAYE & VAT Auditing and Accounting
service, Business Plans & Company registration

Tel/Fax: 020 7604 4378

Office M32, Merlin House, 122-126 Kilburn
High Road, London, NW6 4HY

LUTON REMOVAL

انتقال اثاثیه منزل و محل کار

در لندن و یا شهرستانها با کارگر رایگان
جابجایی یا حمل وسایل سنگین محل کار و منزل
بردن وسایل و پارمانده کارهای ساختمانی
با کادر مجرب ایرانی

ما ارزانترین قیمت را با بیمه کامل به شما عرضه می کنیم
اگر مشکل جا برای اثاثیه منزل یا محل کار خود دارید
بمدت دو ماه رایگان در انباری بسیار تمیز نگهداری خواهد شد

079 8416 6054 - 079 0466 0856



Contemporart Persian Restaurant

پارسیان رستورانی کاملاً متفاوت



نان داغ و کباب داغ



Tel: 020 8830 0772

(حلال)

228 High Road, Willesden, London NW10 2NX



info@persianweekly.co.uk

خانه و خانه داری



راهنمای خرید چکمه

ریزنکته هائی که باید هنگام خرید چکمه و مراقبت از آن مورد توجه قرار داد را به خاطر بسپارید: وقتی هوا سرد می شود، نوع پوشش افراد تغییر می کند. کفش ها نیز به عنوان پاپوش از این امر مستثنا نیستند. در واقع با سرد شدن هوا، نقش محافظتی کفش از پا در مقابل سرما و بارندگی ها پررنگ تر شده و همه ترجیح می دهند از نوع پوشیده تر آن - یعنی پوتین یا چکمه - استفاده کنند. اگر شما هم قصد خرید دارید، پیش از آن، نیم نگاهی به نکات زیر بیندازید. علاوه بر این، توجه به پیشنهادهای زیر برای نگهداری و مراقبت های پس از خرید نیز خالی از لطف نخواهد بود:

پاپوشی بزرگتر از پاهایتان بخرید:
هنگام خرید چکمه، رعایت ۲ نکته مهم ضروری است:
۱ - برای خرید چکمه نیز مانند کفش های معمولی بهتر است صبح هنگام را انتخاب نکنید؛ زیرا معمولاً پاهای اغلب افراد بعد از استراحت طولانی مدت شبانه، کمی کوچکتر از اندازه واقعی آن شده و در صورتی که شما برای خرید کفش، صبح راهی بازار شوید، احتمال این وجود دارد که کفش خریداری شده چند ساعت بعد، برای پاهایتان تنگ شده و حتی تحمل آن نیز غیرممکن شود. این مشکل در مورد افرادی که به دلایل مختلف با مشکل ورم پا مواجه هستند، جدی تر است.
۲ - اگر می خواهید پوتین یا چکمه ای اسپرت و غیررسمی بخرید، آن را نیم یا حتی یک شماره بزرگتر از پاهایتان خریداری کنید؛ زیرا با توجه به این اصل که هر چه پاها گرم تر باشند، بدن ما نیز احساس گرمای بیشتری خواهد کرد، اغلب ما در فصول سرد سال از جوراب های ضخیم و حوله ای استفاده می کنیم. در نتیجه همین ضخامت، سبب بزرگتر شدن حجم پاها شده و برای راحتی بیشتر نیاز به کفش کمی بزرگتر از پاها خواهیم داشت.

شوره زدایی از کفش های چرم و جیر:
هرگز کفش های خیس شده در اثر باران و برف را برای خشک کردن در مقابل بخاری یا شومینه یا در مجاورت با رادیاتور قرار ندهید؛ زیرا با این کار روی آنها سفیدک یا شوره ایجاد می شود و ظاهر کفش را نا زیبا می کند. بنابراین بهترین کار، انجام روش قبلی یعنی استفاده از روزنامه های باطله و خشک کردن کفش در زمان طولانی تر است.
حالا اگر با تمام این اقدامات لکه شوره روی کفش های شما ظاهر شده، محلولی به نسبت مساوی از آب و سرکه آماده کنید و آن را با برس یا پارچه ای آغشته به آن بر سطح سفیدک زده بمالید. سپس با پارچه یا پنبه ای مرطوب، به اصطلاح آبکشی کنید. در پایان هم اگر کفشتان از جنس چرم باشد، آن را واکس بزنید یا اینکه با وازلین روی آن را چرب کرده و برق بیندازید تا چرم خشک نشود.
کفش هایتان را با روزنامه قالب بزنید:

اگر کفش هایتان در مجاورت با باران و برف خیس شده و فرم آن تغییر کرده، پس از اینکه به خانه آمدید، داخل آن را با مقداری روزنامه باطله مچاله شده پر کنید. به این ترتیب، روزنامه هم رطوبت داخل کفش را به خود جذب می کند و هم مانند قالبی قابل انعطاف عمل خواهد کرد.

قالبی برای ساق چکمه ها آماده کنید:
با توجه به اینکه ساق بلند چکمه ها بعد از بیرون آمدن از پا، به یکی از طرفین خمیده شده و احتمال ترک خوردن از آن ناحیه وجود دارد، بهترین کار، قرار دادن چند عدد لوله مقوایی یا حتی لوله پلیکای باریک داخل ساق کفش است. لوله پلیکاها را باید به صورت آماده خریداری کنید و بعد به اندازه لازم ببرید ولی برای تهیه لوله های مقوایی، به پارچه فروشی ها مراجعه کرده و چند لوله مقوایی مخصوص پارچه را از فروشنده درخواست کنید. لوله مقوایی را با توجه به ارتفاع ساق چکمه با کاتر بریده و به صورت ایستاده داخل چکمه قرار دهید.

چکمه تان را لاک بزنید:
به طور قطع دیده اید که در بعضی مدل کفش ها و چکمه ها برای ایجاد نمای زیباتر، دور تا دور کفش یا روی آن را با نخ سفید یا شیری رنگ مخصوص کفافی می دوزند ولی این زیبایی بسیار کم دوام است چون فقط پس از چند بار پوشیدن کفش و مجاورت با گل و لای، بارندگی های پاییزی و زمستانی و آلودگی هوا، نخ دوخت آن کثیف شده و کفش، دیگر نمای اولیه خود را نخواهد داشت. بنابراین پیش از تغییر رنگ، از همان ابتدا، روی دوخت را با چند لایه لاک بی رنگ ناخن بپوشانید. از این پس، دیگر نگران کثیف شدن و تغییر رنگ نخ کفش نباشید.

چاره های برای کفش های لیز بیابید:
به هنگام خرید چکمه یا هر کفش دیگری برای فصول سرد سال، به فکر روزهای بارانی و برفی و لیز خوردن های احتمالی نیز باشید. بنابراین کفشی بخرید که کف آن عاج دار بوده یا شیارهای عمیق داشته باشد و در صورتی که کف پوتین قدیمی تان فاقد چنین مشخصاتی است، لازم نیست در فکر خرید چکمه ای نو باشید. برای این منظور راهکارهای دیگری نیز وجود دارد.

۱ - پاشنه و قسمتی از ته کفش را - هر چند که هنوز نو بوده و ساییده نشده است - دو تکه کفی شیاردار بچسبانید.
۲ - بعضی کفش های نو و رسمی، دارای کفی صاف و بدون شیار هستند ولی به مرور زمان در تماس با سطح آسفالت کوچه و خیابان زبر شده و از خاصیت لیز بودن آن کم می شود. شما می توانید این کار را از همان ابتدا انجام دهید. به این معنا که سمباده زبری بردارید و ته کفش را چند بار سمباده بکشید تا کمی زبر شود. به این ترتیب، مانند قبل لیز نخواهد بود.



کوکوی قارچ



مواد لازم:
قارچ: ۲۵۰ گرم
تخم مرغ: ۴ عدد
پیاز متوسط: ۲ عدد
زعفران سائیده آب کرده یک قاشق
غذاخوری
آرد یک قاشق سوپخوری
نمک و فلفل: به قدر لازم

طرز تهیه:
پیاز را به صورت نگینی خرد کرده و کمی سرخ کنید. تخم مرغها را با نمک و فلفل و آرد خوب بهم بزنید تا پف کند. سپس زعفران سائیده، قارچ خرد شده و پیاز داغ را به این مخلوط اضافه کرده و خوب مخلوط کنید. بعد مایع کوکو را در روغن داغ شده ریخته و با شعله ملایم بگذارید. بعد از اینکه هر دو روی کوکو سرخ شد، کوکو را در دیس قرار داده و اطراف آن را با سبزیجات پخته یا خام تزئین کنید.

آگهی های شما به کیفیت و استمرار این هفته نامه یاری می رساند

رنگ چشم ...!!!

چرا رنگ بعضی چشم ها آبی و بعضی دیگر قهوه ای است؟ چشم انسان رنگ خود را از ماده ای میگیرد که ملانین نامیده میشود.
این یک نوع ماده رنگی است که بدن تولید میکند و همان ماده ای است که به پوست و مو هم رنگ میدهد هر ذره کوچک ملانین قهوه ای تیره است حالا اگر ذرات زیادی از این ملانین پهلو می قرار بگیرند، رنگ چشم قهوه ای تیره دیده خواهد شد اشخاصی که چشمان آبی دارند علتش شبیه علت آبی بودن آسمان است! در فضای بالای سر ما ذرات کوچک غبار و رطوبت با نور آفتاب برخورد میکنند و ترکیبی از رنگهای مختلف بوجود می آید اکثر رنگها مستقیماً از جو عبور می نمایند ولی دسته ای از اشعه آبی وقتی به ذرات ریز غبار یا آب در فضا برخورد میکنند پخش میشوند و عیناً همین موضوع در چشمانی که دارای مقدار کمی از ذرات ملانین هستند روی میدهد ذرات کوچک قهوه ای کوچکتر از آن هستند که دیده بشوند، آنها سایر رنگهای روشن را جذب میکنند ولی رنگ آبی را پخش می نمایند.



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

موفق نبود میتوانید بپرسید: "خوب تازگیها مشغول چه کاری هستی؟"
"عجب داستانی، مثل فیلم..."

تظاهر به بی اطلاعی در جمع شایعه پردازان
در دوره دوستانه ماهانه شرکت کرده اید و صحبت از جدایی یکی
از دوستان و شوهرش است، شما کل ماجرا را از زبان این دوست
شنیده اید، اما با درمیان گذاشتن این اطلاعات خصوصی با دیگران
علاقه ندارید. این اظهار بی اطلاعی شما باید متقاعد کننده باشد، در غیر
اینصورت ناگهان متوجه میشوید که تحت فشار دیگران همه داستان را
لو داده اید.

بهترین راه این است که تظاهر به بی حوصلگی کرده و یا با یک پرسش
یا طرح موضوعی دیگر، بحث را منحرف کنید. مثلا: "داستان این دوتا
مثل داستان فیلم... است، بازیگر نقش اول عالی بود، فیلمو دیدین؟ من باز
هم میخوام ببینم، براتون بلیط بگیرم؟" معصومانه و زیرکانه...

وای... همون چیزی که لازم داشتیم...
و انمود کنید از هدیه خوششان آمده است
هرچند این کار چندان آسان نیست، اما اگر به وقت، علاقه و پولی که
برای خوشحال کردن شما صرف شده فکر کنید، چندان مشکل نخواهد
بود. تظاهر به خوشحالی کنید و "از صمیم قلب" تشکر کنید "ممنونم از
اینکه به فکر من بودی" یا "به به، اینو از کجا پیدا کردی؟" سپس هدیه
را روی میز گذاشته و دوستان را در آغوش بگیرید. به این ترتیب شما
با معطوف کردن تمام توجه و علاقه خود به شخص هدیه دهنده و عدم
تمرکز بر هدیه ای که دوستش ندارید، دوست خود را بسیار خوشحال
خواهید کرد.

مشکل است، بهترین راه این است که وانمود کنید متوجه ماجرا شده اید،
اما آنقدرها هم خنده تان نگرفته، لیخند بزنید و بگویید: "چه هوشمندانه"
یا "یادم باشد اینرا برای دوستم تعریف کنم". شاید اگر فرصتی پیش
آمد آنرا واقعا برای دوستان تعریف کنید و بپرسید کجای داستان خنده
دار است.

تظاهر به فهمیدن نکته جذاب یک لطیفه "ببینید دوستان..."
تظاهر به اعتماد به نفس
اگر از صحبت در جمع واهمه دارید و قرار است ایده خود را برای
گروهی از همکاران توضیح دهید یا باید برای عده ای ماجراجویی را تعریف
کنید، باید سرشار از اعتماد به نفس "به نظر برسید"، حتی اگر چنین
حسی نداشته باشید. بهتر است بایستید و کمی بلندتر از معمول صحبت
کنید. از آنجایی که خیره شدن به بالا و پایین و همچنین به یک شخص
خاص، نشان ضعف شما خواهد بود، اتاق را در ذهن خود به سه قسمت
تقسیم کنید و نگاه خود را بین این بخشها حرکت دهید. هنگامی که
آسوده و راحت به نظر برسید، این حس کم کم به خودتان هم منتقل
خواهد شد.

"به به شما کجا، اینجا کجا..."
وانمود کنید او را به جا آورده اید
خانمی در مجمع دانشجویان به سراغ شما می آید: چقدر از دیدن
خوشحالم... نگویید: "بخشید، شما؟" باید لبخند بزنید و بگویید "من از
همان جوانی هم اسمها را فراموش میکردم، شما خانم...؟" شنیدن نام
او میتواند خاطراتی را به یادتان بیاورد و حتی ممکن است این خانم
اطلاعات مفیدی درباره برخوردهای قبلیتان به شما بدهد. اگر این روش

تظاهر کردن "بهترین کار است؟"

در زندگی امروز، گاهی کمی دور از واقعیت عمل کردن میتواند یک
قابلیت و حسن تلقی شود و ما را از مشکلات و یا اشتباهات اجتماعی
بزرگ دور نگه داشته و تاثیر بسیار خوبی بر طرف مقابلمان بگذارد و
موجب شود خودمان و دیگران در آرامش بیشتری باشیم.
در اینجا به شش موقعیت که وانمود کردن به داشتن حسی غیر حقیقی
در آنها عادی ترین رفتار تلقی میشود، اشاره میکنیم:

"چه جالب..."
تظاهر به جذابیت موضوع گفتگو
هنگامی که نمیتوانید هیچ نکته جذابی در داستان پر آب و تاب دوستان
پیدا کنید، به خود یادآوری کنید که شما هم میتوانید در چنین موقعیتی
باشید. همه ما میدانیم که دیدن عکس العمل بی روح مخاطب در مقابل
شنیدن ماجراجویی که فکر میکنیم بسیار جالب است، چقدر ناراحت کننده
است. وانمود کردن به اینکه موضوع جالب است، لطف بزرگی در حق
دوستان خواهد بود.

برای اینکه این علاقه تا حد امکان "واقعی" به نظر برسد، در گفتگو
شرکت کنید، سر تکان بدهید، سؤال بپرسید و مانند کسی که دنبال راه
فرار است، به اطراف نگاه نکنید.
"ها ها..." تظاهر به فهمیدن نکته جذاب یک لطیفه
همه از شدت خنده منفجر شده اند اما شما چیز خنده داری در لطیفه ای
که شنیده اید، نیافته اید، از آنجایی که تظاهر به خنده شادمانه بسیار

غذاهایی برای شادابی پوست

از قدیم گفته اند: رنگ رخساره خبر می دهد از سر درون. البته احتمالا کسانی که ضربالمثل را ساخته اند
منظورشان از رنگ رخساره و سر درون، شادابی پوست و بیماری جسمی نبوده ولی واقعیت این است
که آنهایی که پوست سالم و ظاهر شادابی دارند، معمولا از لحاظ جسمی و روحی هم سالم ترند یا
حداقل سالم تر به نظر می رسند. تئذیه مناسب شاید سریعترین راه برای داشتن پوست سالم نباشد اما
قطعا راحت ترین و به صرفه ترین کار است. شما اگر تغذیه مناسبی داشته باشید نه تنها از خراب شدن

پوست خود جلوگیری می کنید، بلکه
از دردسرهای مراجعه به پزشک و
استفاده از داروهای شیمیایی گران
قیمت (که معمولا بی عارضه نیستند)
راحت می شوید.

میوه ها و سبزیجات: به دلیل دارا
بودن مواد آنتی اکسیدان، نقش مهمی
در جلوگیری از پیری زودرس پوست
دارند. آنتی اکسیدانها موادی هستند
که از بدن در برابر نور خورشید
و عوامل آسیب رسان محافظت
کنند. ویتامین E، C، و بتاکاروتن از
معروف ترین آنتی اکسیدانها هستند
که تاثیر آنها در حفظ سلامت پوست
به اثبات رسیده است.

در بین مواد غذایی، تخم آفتابگردان
سرشار از ویتامین E است،
ویتامین C در مرکبات ترش به فور
یافت می شود و هویج سرشار از
بتاکاروتن (پیش ساز ویتامین A)
است.

البته خوردن مکمل های ویتامین A
می تواند از سرطان پوست جلوگیری
کند و روشی برای درمان جوش های
صورت هم به شمار می رود اما توجه

داشته باشید که مصرف مقادیر بسیار بالایی از ویتامین A ممکن است خطرناک باشد و منجر به
مسمومیت کبدی شود. بنابراین استفاده از کرم های موضعی که حاوی ویتامین A هستند روش بهتری
است.

از آنجا که حرارت موجب از بین رفتن آنتی اکسیدانها و افزایش رادیکال های آزاد می شود بهتر است
زمان پخت مواد غذایی را تا آنجا که می توانید کاهش دهید و از سرخ کردن بیش از حد غذاها، در روغن
زیاد خودداری کنید.

رژیم های پرچرب: مطالعات نشان داده است که افرادی که از یک رژیم کم چرب استفاده می کنند احتمال
ایجاد سرطان پوست در آنها بسیار کمتر است. به طور کلی یک رژیم مناسب برای سلامت پوست،
رژیمی است که سرشار از میوه و سبزیجات، مغزها، حبوبات، تخم مرغ، روغن گیاهی مثل روغن
زیتون، روغن ماهی، غلات و آب باشد. در مقابل رژیم های سرشار از گوشت قرمز، شیر پرچرب، کره،
فراورده های قندی و سبب زمینی می تواند برای شادابی و سلامت پوست مضر باشد.

مایعات: مصرف مقادیر بالایی از مایعات در روز به کاهش خشکی پوست کمک می کند و به این ترتیب
مانع پیری زودرس پوست می شود. متخصصین مصرف ۶ الی ۸ لیوان آب را در روز توصیه می کنند،
در ضمن قهوه و چای هم به مقدار زیاد توصیه نمی شود زیرا که حاوی کافئین بوده و باعث افزایش دفع
ادرار و در نتیجه از دست رفتن مقدار بیشتری از آب بدن می شود.

رژیم های لاغری: سریع ترین راهی که شما می توانید از طریق آن پوستتان را چروک کنید، این است که به
طور ناگهانی وزن خود را حسابی کم کنید. دلیل این مساله هم واضح است: هنگامی که شما دچار اضافه
وزن هستید، چربی های اضافی منجر به کشیدگی پوست شما می شوند و پس از کاهش وزن ناگهانی،
چون چربی های اضافی زیر پوست از بین رفته پوست شل شده و چین و چروکها بر روی آن پدیدار
می شود. البته میزان شل شدن پوست پس از کاهش رژیم های لاغری در سنین مختلف متفاوت است و هر
چه سن شما بالاتر باشد، میزان شل شدن پوست بیشتر است.

این مساله را همیشه در ذهن داشته باشید که افزایش و کاهش وزن به صورت متناوب نه تنها اثرات منفی
بر روی پوست شما می گذارد بلکه بر روی سلامت کامل بدن هم تاثیر منفی دارد.

FOOD STATION رستوران به همراه نان داغ و کباب داغ



طعم واقعی غذای ایرانی یاد آور خاطرات شیرین

در قلب ایلینگ

0208 566 2953



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید

برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید



مراش به جایی وصل باشد. هر دو حیوان به علت پس زدن عضو، بعد از ۶ روز جانشان را از دست دادند اما دمیخوف مایوس نشد و در عرض ۱۵ سال بعد، آزمایش خود را ۱۹ بار دیگر تکرار کرد و توانست عمر موجودات عجیبش را تا یک ماه هم برساند.

۹ - دکتر خفن پزشکی به نام استابینز فیرث - که در اوایل قرن نوزدهم در فیلادلفیا طبابت می کرد - عقیده داشت تب زرد یک بیماری مسری نیست. پس تصمیم گرفت نظریه اش را روی خودش امتحان کند. او استفراغ بیماران مبتلا به تب زرد را روی زخم های باز آنها ریخت و بعد معجون پر از میکروب را بالا کشید. فیرث بیمار نشد اما نه به خاطر درست بودن نظریه اش؛ تب زرد واقعا مسری است. منتها سال ها بعد دانشمندان متوجه شدند که این بیماری فقط در صورت ورود مستقیم میکروب آن به جریان خون (مثلا بر اثر نیش پشه) منتقل می شود.

۱۰ - چشمان تمام باز یان اسوالد از دانشگاه ادینبورو درباره به خواب رفتن در شرایط بحرانی تحقیق می کرد. او در سال ۱۹۶۰، چند داوطلب پیدا کرد و چشم های آنها را با نوار چسب، باز نگه داشت و بعد آنها را در شرایطی خفن، در معرض محرک های مختلف قرار داد؛ یعنی از ۵۰ سانتی متری به صورتشان فلش می زد، به کف پایشان شوک الکتریکی می داد و دم گوش آنها هم صداهای بلند در می کرد. با همه این اوضاع، هر سه داوطلب توانستند در عرض ۱۲ دقیقه به خواب فرو بروند. مرز در عقل و جنون باریک است

مارتین رامیرز، در سال ۱۹۲۵ خانواده اش در مکزیک را رها کرد و به دنبال لقمه نانی به آمریکا رفت. اما بعد از چند سال دچار افسردگی شدید شد و گذارش به پزشکیان افتاد که در او تشخیص اسکیزوفرنی غیرقابل درمان دادند. به همین دلیل، مکزیکو بینو ۳۰ سال آخر عمرش را در آسایشگاه های روانی گذراند. رامیرز تا زمان مرگش در سال ۱۹۶۳، دیگر حرف نزد اما زیاد نقاشی کشید. امروزه نقاشی های او جزء برجسته ترین نمونه های هنر قرن بیستم به شمار می روند و خیلی ها دنبال پیدا کردن کارهای شناخته شده او هستند. باور به نزدیکی نبوغ و جنون، اصلا مسئله جدیدی نیست. ریشه این عقیده را حتی در آثار ارسطو هم می شود پیدا کرد. هنوز هم محققان زیادی روی این موضوع کار می کنند و پیشرفت های فناوری هم به کمک آنها آمده. یکی از دانشمندان - پروفیسور مایکل فیتزجرالد - ادعا می کند ارتباط مشخصی بین خلاقیت و اختلالات روانی پیدا کرده است. دکتر فیتزجرالد استاد کالج ترینیتی در دوبلین (پایتخت ایرلند) و متخصص یک بیماری روانی به نام نشانگان (سندرم) اسپرگر است. این بیماری در واقع نوع خفیفی از بیماری اوتیسم است که مبتلایان به آن در برقراری روابط اجتماعی دچار مشکل هستند و عادات و علایق خاص و تکرار شونده دارند. (مثال مشهور بیمار اوتیسمی در سینما، شخصیت داستین هافمن در فیلم Rainman است). البته در نشانگان اسپرگر برخلاف حالات کلاسیک اوتیسم، اوضاع خیلی وخیم نیست و افراد مبتلا به آن به اختلالات حادی مثل تاخیر در گفتار یا مشکلات شناختی دچار نیستند.

طبق تحقیقات فیتزجرالد، تعداد قابل توجهی از مشاهیر و نام آوران دانش و هنر به نشانگان اسپرگر مبتلا بوده اند. او با بررسی زندگینامه و خاطرات به جامانده درباره شخصیت هایی مانند بتهوون، موتزارت، هانس کریستین آندرسن، ایمانوئل کانت و جورج اورول نتیجه گرفته این افراد در عین خلاقیت زیاد، به این اختلال روانی هم گرفتار بوده اند و چه بسا همین بیماری باعث بروز نبوغ آنها شده است. به عقیده فیتزجرالد، همان ژن هایی که باعث بروز نشانگان اسپرگر می شوند، منشأ بروز خلاقیت هستند و به یک عبارت: «اسپرگر و خلاقیت ۲ روی یک سکه هستند». البته این نظریه با تردید و نگاه شک آلود دانشمندان نه چندان اندکی روبه روست که شواهد موجود را برای نتیجه گیری کافی نمی دانند. بحث پرهیاهوی رابطه نبوغ و جنون کماکان ادامه دارد و متخصصان حوزه های اعصاب و روان با وسواس مشغول سر و کله زدن با موضوعی هستند که شاید گریبان خودشان را هم - به عنوان یک نابغه - بگیرد!

زنده کردن مردگان روی الاکلنگ

علی کاشفی پور



انتشار کتابی درباره خفن ترین آزمایش های تاریخ علم، توجه رسانه ها را به خود جلب کرد. «فیلها در اسید و دیگر آزمایش های خفن علمی»؛ این عنوان کتابی است که ۲ هفته پیش منتشر شد. الکس بوز، نویسنده کتاب می گوید برای نوشتن آن کلی منابع و آرشیوهای علمی را زیر و رو کرده تا فهرستی از عجیب ترین و وحشتناک ترین تجربه های علمی را ردیف کند. کتاب، داستان واقعی دانشمندی است که با تلاش زیاد، به دنبال اثبات درک نامتعارف شان از دنیای اطراف بوده اند. چند روز قبل از توزیع کتاب، مجله نیوساینتیست، خلاصه ای از آن را چاپ کرد که شامل ۱۰ مورد از تکان دهنده ترین کارهایی بود که به اسم علم انجام شده اند. البته پیش از آن، بوز در وبلاگش، یک فهرست ۲۰ موردی را آورده بود. اگر بعد از خواندن فهرست، کمی دود از کله تان بلند شد، تعجب نکنید اما به هیچ وجه به فکر تکرار آزمایش ها نیفتید.

۱ - فیل در اسید

در سال ۱۹۶۲، وارن تامس - مدیر باغ وحشی در اکلاهاسیتی - تصمیم گرفت ۲۹۷ میلی گرم LSD - یعنی حدود ۳ هزار برابر یک بار مصرف متعارف افراد معتاد - را به فیللی به نام توسکو تزریق کند. دانشمند کنجکاو ما می خواست ببیند آیا تزریق این داروی توهمزا باعث پرخاشگری فیل های نر می شود یا نه.

نتیجه فاجعه آمیز بود؛ فیل بیچاره ابتدا نعره های کشید و بعد از چند دقیقه بی قراری، افتاد و بالاخره بعد از یک ساعت مرد. اساتید دست اندرکار آزمایش در توجیه کارشان گفتند که فیلها بیش از حد انتظار آنها به دارو حساس بوده اند.

۲ - ترس در آسمان

باز هم در دهه ۱۹۶۰، ۱۰ سرباز برای تمرینات نظامی سوار بر هواپیمایی بودند که ناگهان خلبان به آنها اطلاع داد که هواپیما خراب شده و در حال سقوط به اقیانوس هستند. بعد از سربازها خواسته شد که فرم هایی را تکمیل کنند؛ بر مبنای این اسناد، افراد تایید می کردند که ارتش آمریکا مسئولیتی در قبال جبران خسارت های ناشی از مرگ یا جراحت آنها ندارد.

سربازهای بخت برگشته خبر نداشتند که سوژه یک آزمایش قرار گرفته اند و هواپیما مشکلی نداشت؛ گروهی از محققان می خواستند با مقایسه میزان اشتباهات افراد هنگام پر کردن فرمها، تاثیر ترس از مرگ آنی بر تمرکز و تعقل آنها را بررسی کنند.

۳ - قفلک

در دهه ۱۹۲۰، یک استاد روان شناسی آمریکایی به نام کلارنس یوبا عقیده داشت خنده ناشی از قفلک، غریزی نیست و آدمها این واکنش را به صورت تقلیدی از بقیه یاد می گیرند. او این نظریه را روی پسر خردسالش امتحان کرد. بقیه اعضای خانواده حق نداشتند در حضور پسر کوچک، به خاطر قفلک بخندند.

آزمایش سخت گیرانه یوبا چندان موفقیت آمیز نبود. قبل از اینکه پسر به ۷ ماهگی برسد، اگر قفلکش می دادند، می خندید اما این باعث نشد یوبا یک بار دیگر نظریه اش را روی دخترش هم امتحان نکند.

۴ - موش های بی سر و صورت های رنگ شده

در سال ۱۹۲۴، کارنی لندیس از دانشگاه مینه سوتا می خواست درباره نحوه انعکاس نفرت در چهره افراد تحقیق کند. به این منظور، او با چوب پنبه سوخته خط هایی روی صورت چند داوطلب رسم کرد و بعد از آنها خواست آمو نیاک استنشاق کنند، به موسیقی جان گوش بدهند، به تصاویر غیر اخلاقی نگاه کنند و در نهایت، دستشان را در یک سطل پر از قورباغه فرو کنند. سپس از هر یک از داوطلبها خواست که سر یک موش سفید را قطع کنند.

با اینکه بعضی ها مردد بودند و بعضی ها هم داد و فریاد می کردند، بیشتر داوطلبان قبول کردند کار خواسته شده را انجام بدهند؛ «آنها شبیه اعضای یک فرقه سری شده بودند که برای قربانی به پیشگاه بت بزرگ آماده می شدند».

۵ - زنده کردن مرده ها

رابرت کورنیش - استاد دانشگاه برکلی - در دهه ۳۰ عقیده داشت که راهحلی برای زنده کردن مرده ها پیدا کرده است؛ او اجساد را روی الاکلنگ می گذاشت، تکان می داد و در ضمن به آنها آدرنالین و داروهای ضد انعقاد تزریق می کرد تا جریان خون را دوباره راه بیندازد.

روش کورنیش در مورد سگ هایی که خفه شده بودند، نسبتا جواب داد؛ البته سگ های برگشته به این دنیا کور بودند و از ضایعات مغزی رنج می بردند. او بعد سعی کرد روش خود را روی انسانها امتحان کند و برای همین رضایت یک محکوم به مرگ را گرفت که پس از به دار کشیده شدن، او را به دنیا برگرداند. اما دولت محلی کالیفرنیا به خاطر ترس از فرار متهم در صورت موفقیت آزمایش، جلوی آن را گرفت.

۶ - آموزش در خواب

در سال ۱۹۴۲، لارنس لشان - که معلم کالجی در ویرجینیا بود - می خواست به طور ناخود آگاه عادت ناخن جویدن را از سر شاگردانش بیندازد. برای همین شبها در حالی که پسرها به خواب خوش فرو رفته بودند، نواری را بالای سر آنها می گذاشت که مدام تکرار می کرد: «ناخن های من مزه خیلی بدی دارند». یک بار هم که دستگاه پخش صدایش خراب شد، خود معلم دلسوز وسط خوابگاه ایستاد و جمله را تکرار کرد. تلاش های لشان بی نتیجه نبود؛ تا پایان ترم ۴۰ درصد شاگردان عادت ناخن جویدن را کنار گذاشتند.

۷ - بوقلمون های آسان پسند

در دهه ۱۹۶۰، مارتین شین و ادگار هیل روی رفتار بوقلمون های نر در زمان جفتگیری تحقیق کردند و به نتایج عجیبی رسیدند؛ این پرندگان خیلی مشکل پسند نیستند. آنها عروسک یک بوقلمون ماده را در قفس پرند نر گذاشتند و بعد به تدریج از اجزای عروسک کم کردند تا ببینند کی بوقلمون نر احساسش را به ماده قلبایی از دست می دهد. در کمال تعجب، حتی وقتی که فقط سر مدل مصنوعی باقی مانده بود، بوقلمون نر هنوز مثل یک پرند ماده واقعی به آن ابراز احساسات می کرد.

۸ - سگ های دوسر

ولادیمیر دمیخوف - جراح روس - در سال ۱۹۵۴ شاهکار خودش را رو کرد؛ سگ دوسر. او سر، شانه ها و یک پای یک توله سگ را به گردن یک سگ گله آلمانی بالغ پیوند زد. جالب بود که سر دوم شیر می خورد، بدون اینکه

IDC 4 ALL

کارت شناسائی - £۱۱۰
گواهینامه - £۱۷۵
برگه تخفیف بیمه - £۱۱۵
شرکت در قرعه کشی گرین کارت - £??
فیش حقوق - £۱۲۰/۱۰۰
پذیرش دانشجویی - ??



To order call us on :07957585253

Monday to Saturday 9am - 8pm

Fax: 08717148037

Admin@IDC4ALL.Com- Postmaster@IDC4ALL.Com

WWW.IDC4ALL.COM



info@persianweekly.co.uk

به یاد داشته باشید با صرافی های معتبر پولهای خود را ارسال نمائید

افتتاحیه رستوران بار دیاموند

به اطلاع عموم می رساند که روز جمعه ۷ دسامبر رستوران بار دیاموند در محیطی خانوادگی با غذاهای مطبوع ایرانی و ایتالیایی با ظرفیت ۲۰۰ نفر مهمان با موزیک زنده و خوانندگان جوان آغاز به کار خواهد کرد.
دیاموند آمادگی خود را برای برگزاری جشن های نامزدی، عروسی، تولد و ضیافت های خانوادگی اعلام می دارد.



برای رزرو میز با تلفن های:

020 8446 6292

079 3031 5175

تماس حاصل بفرمائید

281 Bullards Lane, London, N12 8NR

شب یلدا

طولانی ترین شب سال را در سالن مجلل رستوران بار دیاموند جشن می گیریم.
۲۲ دسامبر شبی خاطره آفرین برای مهمانان سالن رستوران بار دیاموند در محیطی خانوادگی از ساعت ۷ بعد از ظهر تا یک بامداد با موزیک رقص و پایکوبی شبی را در کنار دوستان با خانواده با غذاهای مطبوع ایرانی و فرنگی، پیش غذاهای مختلف و نوشابه غیر الکلی فقط با پرداخت ۲۲ پوند بزرگسالان و کودکان زیر ۵ سال مهمان دیاموند بدون صندلی خواهد بود.
آدرس سالن برای رزرو:

281 Bullards Lane, London, N12 8NR

020 8446 6292

079 3031 5175



شب کریسمس

در سالن مجلل رستوران بار دیاموند.

X mas Party

شبی را در کنار دوستان مسیحی و ایرانی و با خانواده خود در محیطی گرم و خانوادگی جشن می گیریم.
۲۴ دسامبر شب کریسمس را با رقص و پایکوبی و موزیک زنده و خوانندگان ایرانی با صرف شام و پیش غذاهای مختلف و دسر نوشابه غیر الکلی بزرگسالان ۲۵ پوند کودکان زیر ۱۲ سال ۲۰ پوند و کودکان زیر ۵ سال مهمان رستوران بار دیاموند خواهند بود.
شروع برنامه ۷ الی ۱ بامداد
آدرس:

281 Bullards Lane, London, N12 8NR

079 3031 5175

020 8446 6292



info@persianweekly.co.uk

اگر دوست ندارید غم بنفوذ کنید!!!

هوای خانه چه دلگیر میشود گاهی از این زمانه دلم سیر میشود گاهی

عقاب تیز پر دشتهای استغنا
اسیر پنجه تقدیر میشود گاهی

سلام.. سلام سلام.. مطلب این هفته را با دوستم شادی نوشتم... حتما همه از اون شعر سیاوش قمیشی بالا فهمیدید کدام شادی هست... قبلا هم براتون در مورد زندگی سیاوش مطلب نوشته بودم... این شادی ما دوست داره همه کاری را با شعر سیاوش شروع کنه و اگه دست خودش بود قبل از هر حرفی و بعد از هر حرفی شعر سیاوش می گفت.. (الان خیلی خودش را کنترل میکنه و تو دلش میخونه!)

می خوایم در مورد چند تا موضوع صحبت کنیم که ممکنه برای بعضی ها جالب باشه و برای بعضی ها خاله زنگ بازی ولی وقتی که چشمهاتون باز کنید می بینید که این موارد همه مشکل هست و نه خاله زنگ بازی و به عبارتی دیگه اسمش نشناختن و احترام نگذاشتن به خود انسانهاست و نه خاله زنگ بازی و البته همانطور که همیشه گفته شده "هر کی دوست نداره نخونه"

موضوع اول: متمدن شدن ایرانیها!!!

تو خانه میشینن فکر میکنن پایان زندگی اشان هست... بگذریم از این موضوع ها... حتما به پاریس یک سری بزنید... یک هفته هم اونجا باشید هنوز هیچی ندیدین... خود موزه لوور ۳ روز یا بیشتر وقت می خواد... Disneyland هم همینطور... قطارهاش خیلی شبیه لندن هست و کم نمیشین... فقط این فرانسویها نمیدونم چرا با انگلیسیها بدن انقدر... McDonald اش که رفتیم یک سس بود نمیدونستم چیه.. و جالب این بود روش ۱۳ تا زبان نوشته بود به غیر از انگلیسی... محله های خفنی داره مه تو خیابانها می رقصند و کلا خیلی برای عاشقها شهر قشنگی است... گزارش تصویریش را به زودی آماده میکنم براتون...

شادی: در آخر دوست دارم حرفهایمان را با شعری تمام کنم که می دونم برای خودم و یک عزیز دیگه هم پر خاطره هست...

قصه من و غم تو - قصه گل و تگرگه

ترس بی تو زنده بودن - ترس لحظه های مرگه

ای برای با تو بودن - باید از بودن گذشتن

سربه بیداری گرفته - ذهن خواب آلوده من

همیشه میون قاب - خالی درهای بسته

طرح اندام قشنگت - پاک و رویایی نشسته

کاش می شد چشم ببیند - طرح اندام تو داره

زنده میشه جون می گیره - پا توی اتاق می زاره

کاش می شد صدای پاهات - بپیچه تو گوش دالون

طرف دالون بگرده - سر آفتاب گردونامون

کاش می شد دوباره باغچه - پر گلهای تو باشه

غنچه سفید مریم - با نوازش تو واشه

کاش می شد اما نمیشه

می گن ایتالیایی... حالا همین آدمها وقتی با دوستهای ایرانیستون جایی هستن شعر های زیادی میدن... که افتخار میکنم ایرانی هستم... ایران... و... و... و... ترانه: بازم صد رحمت به اینجایی ها... آخر هفته پیش رفتم بوم پاریس... اول از همه بگذارین بگم که چقدر این شهر قشنگه و هر قسمتی اش را نگاه می کنید زیباست... چقدر هم پسرهای مهربان و آقایی داره... در ماشین را براتان باز میکنم... دستتون را می بوسن... صندلی را براتان میکشون عقب وقتی می خواین بشینید... آخر پسرهای romantic تو فرانسه هستن... حتی پسر ایرانی هاش... خیلی دلم می خواست که به آقای سورن در پاریس سر بزنم و شنیده بودم که ایشان صاحب رستوران کلبه هستن و اگه من اونجا را پیدا کنم خودتون هم پیدا کردم... و با زبان بی زبونی از همه راه را پرسیدم و خلاصه بعد از کلی پیاده روی کردن و بدبختی به یک رستوران ایرانی رسیدم به نام "شومینه" وارد شدم و از یکی از کارسونها پرسیدم که میدونین کجاست چون من با دوستهام اونجا قرار دارم و از لندن اومدم... و خانمی که ظاهرا مدیر اونجا بود با لهن بدی به من پرید و گفت "نخیر، نمیدونیم"... منم که خسته و گرسنه بوم گفتم خب اشکال نداره همینجا غذا میخورم... گفتم امکان هست یک جا به من بید لطف... و با کمال پر رویی و بی ادبی گفت نخیر، جا نداریم... منم که برام واقعا رفتارشون عجیب بود اومدم بیرون... و یک آقا و خانم ایرانی را دیدم که در حال وارد شدن بودن... ازشون پرسیدم می دونین کجاست و گفتن نه... ولی آدرس یک رستوران ایرانی دیگه را به من دادن تو شانزلیزه... به نام Jet Set... منم خودم را رسوندم اونجا و از همان لحظه که وارد شدم حالم بهتر شد... دختر کارسون مهربان... مدیر خنده رویی به نام میثم... و از همه مهمتر موزیک زنده بود به خوانندگی آریا... خلاصه تک و تنها نشستم یه گوشه ای و شروع کردم اطرافم را نگاه کردن... خیلی ایرانی کم بود... و وقتی دلش را پرسیدم گفتن تعداد ایرانیها در اینجا همینطور کم و کمتر میشه... و بیشتر با کانادا و فرانسه میرن و میگفتن ایرانیهای اینجا بیشترشون با هم رابطه ندارن و دیسکو یا کنسرتی باشه خیلی کم هست...

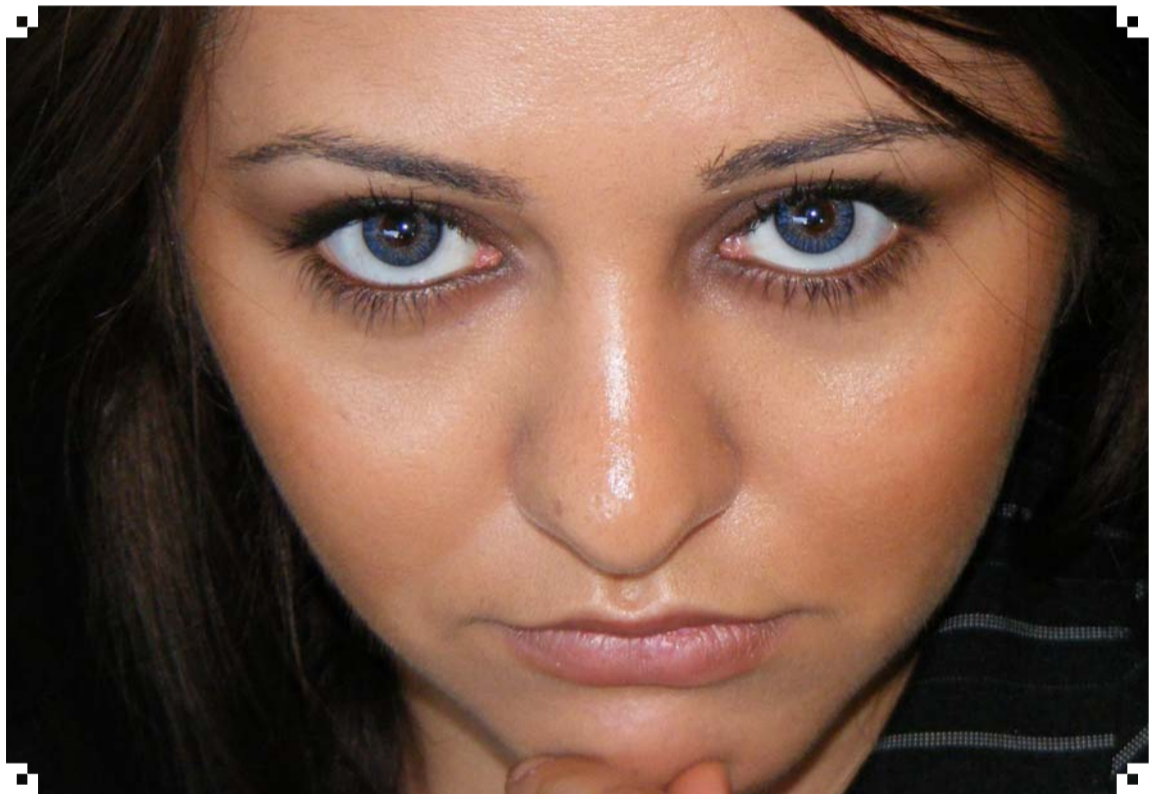
خدمات تصویر برداری و مجالس



عکاسی مدل - فیلمبرداری
مراسم شما با بهترین کیفیت



078 6509 4370



ولی بازم میگم... ایرانیهای تو فرانسه خیلی خوش تیپ تر از ما بودن و وقتی زبان قشنگ فرانسوی را صحبت میکردن دوست داشتن فقط نگاهشون کنم و لذت ببرم... خیلی قشنگ بود... ولی باز ایرانیهای اونجا که از هم دیگه فراری هستن... اوه حتی یک ایرانی هم دیدم توی قطار با یک دختر سیاه... و ایکی ثانیه فهمیدم ایرانیه... و اونم فهمید ولی برای حرس در آوردن من چسبیده بود به دختره آفریقایی؛ فکر کنم می دونست من متفرم از ایرانی با خارجی بره... حالا کاشکی دختره خوشگل بود!

شادی: خب بریم سر موضوع بعدی... فوتبال... این فوتبال اعصاب و روان من را به گونه ای آزار میده... البته بگم فوتبال ایران همیشه جای خودش را داره و اون موقع که باید طرفدار باشم... چون مال کشورم هست از خون و دل میبینم... ولی خب بعضی آقایون شورش را در میارن و ۲۴ ساعته زندگی اشون فوتبال هست... یک برنامه هست به اسم نود که سه شنبه ها نشان میده... من یکی را میشناسم بهش میگم "گیجک" البته غریبه نیست ولی خب ندونین کی من میشه بهتره... این گیجک ما هر سه شنبه سیخ میشینه جلوی تلویزیون و هی میگه بین این چی میگه... یا مثلا اینو نگاه کن چه گلی زد... دیدی؟ منم همیشه میگم اگه میخواستم ببینم خودم میدیدم... و خلاصه دعا که بابا ولم کن... بعد این گیجک ما میشینه با خودش حرف میزنه که کلا مربی حالیش نیست هیچی و یا فلان بازیکن عجب آدم دیبونه ای هست... و خیلی چیزهای دیگه که من هنوز نفهمیدم و درک نمیکنم...

نمیدونم این آقایون چه چیزی از این برنامه ۹۰ دیدن... جالبش اینه که این برنامه تصویر فوتبال هست و خودشون دارن اشکال میگیرن... دیگه چه برسه شما هم بیشتر اشکال میگیرن... باور کنید صد بار این برنامه را نشستم دیدم... ولی ما دخترها هر کاری کنیم... علاقه مند نمیشیم... و نمیتونیم هم ما را علاقه مند کنین... و همیشه برای ما این سوال هست که این فوتبال چه لذتی داره که حدود ۹۰ دقیقه ۱۱ نفر دنبال یک توپ می گردن که شاید ۱ یا ۲ دفعه این توپ بیفته دستشون شاید هم اگه خدا بخواد بتونن یک گول بزنن... و

ترانه: البته این را هم گفته باشیم که ما دخترها میدونم که فوتبال یک بازی هست و خیلی پر طرفداره و خیلی ها هم سرمایه گذاری میکنن روش ولی خب برای ما هیچ جالبی نداره... و خیلی از آقایون را دیدم که میگذارن فوتبال روی زندگی اشون تاثیر بگذاره... امان از روزی که تیمشون ببازه... با دوست دخترشون قهر میکنن... سر کار دعوا میکنن... اگه دانشجو باشن... غذای عمومی اعلام می کنن و

نمیدونیم اسمش را همیشه گذاشتن متمدن شدن یا نه شادی: نه بابا، کسانی که این کارها را می کنن کمبود دارن. این موضوع همیشه من را اذیت می کنه و یه جورایی حرس من را در میاره. و فکر میکنم تا زمانی که خارج از کشور باشم هست و باید با این موضوع رو برو بشم... و البته که بعضی ها ممکنه اسمش را بگذارن روشن فکری.

ترانه: دقیقا! تا حالا شده تو مرکز خریدی مثل Brent cross دارین خرید میکنین و چند تا ایرانی جلوی شما دارن راه می رن... وقتی متوجه میشن که شما ایرانی هستید، هموطن و هم خاک خودشون، زود میزنن تو خط انگلیسی! واقعا نمیدونم هدفشون از این کار چیه و چرا خیلی از ما این کار بی معنی و باعث تاسف را انجام میدیم.

شادی: تازه اونم با لهجه ضایع که حتی Hello هم بگن معلومه که ایرانی هستن. شروع میکنن یهو ایرانی حرف زدن که یعنی ما ایرانی نیستیم ولی بعدش که رد می شن هم صدای فارسی حرف زندشون میاد و هم شروع میکنن مردم اطرافشون را مسخره کردن. اینو نگاه کن چی پوشیده سردش نمیشه؟ اونو بین مثل این خوشحالا تابستانی پوشیده اونم رنگی! اون پسره بیچاره را ببین با کی دوست شده، اصلا به هم نمیخورن... پسره خیلی سر هست.

ترانه: بابا بسسه... به قول مهران مدیری میشه بسسه؟ این چیزها به شما چه ربطی داره... سما برین همون انگلیستون را حرف بزنید به جای گیر دادن به مردم. اوه اوه اوه... این مدل آدمها وقتی اول وارد مهمونی میشن شروع میکنن انگلیسی پروندن. بعد که کمی گذشت میبینین که طرف فارسی اش از شما هم بهتره... واقعا این کارها یعنی چی... توی Orkut که میگردم... میبینم طرف انگلیسی جواب میده ولی تمام Spelling ها غلط هست... خیلی رو میخواد و مثل این میمونه که برین بالای یک مکانی برای سخنرانی برای ده ها هزار نفر و باید فارسی حرف بزنن ولی بزنن تو خط انگلیسی و اونم همه را غلط و غلوپ حرف بزنن...

شادی: این کارها همه باعث میشه آبرو خودتون بره و نه تنها شما را مقامتان را بالا نمیاره کوچکتتر هم میشوید... من قبول دارم که تو این کشورین و ممکنه فارسی یادتون بره و حتی بعضی ها کمتر تو جمع ایرانیها هستنولی یادتان باشه که هنوز ایرانی هستیم... اگه ازتون بپرسن کجایی هستین همیشه میگن ایرانی... بگذریم بعضی ها یادشون رفته و یا میگن انگلیسی و وقتی میبینن خرابکاری شده



info@persianweekly.co.uk

صفحه شما

پیام های مهربانی

doos daram ba pesari biyene 33-36ashena shavam
khoshtip&tidy bashe.sakene kodom mahal hast
.moheme
my e-mail is : pari66@hotmail.co.uk

پسری 37 ساله تحصیل کرده و شاغل مایل به آشنایی با دختر خانم ایرانی
تحصیل کرده جهت دوستی.
M_112006@yahoo.co.uk

پسری ۳۲ ساله هستم بدون مشکل ویزا مایل با آشنای با یک
خانم ایرانی هستم جهت دوستی و ازدواج در لندن. @ferid5۳
yahoo.com

علاقتمند به آشنایی با دختر خانمی ایرانی جهت
آشنایی و دوستی می باشم.
۰۷۸۶۴۱۱۰۹۵۶ مهدی

ماتیو ۲۵ ساله به دنبال دوستی و ارتباطی صادقانه
با خانمی ایرانی هستم.
۰۷۹۱۹۰۰۲۴۷۶

آگهی های دوست یابی و پیام های
مهربانی در این صفحه رایگان است
info@persianweekly.co.uk
لطفا پیام های خود را ایمیل نمائید

هفته نامه پرشین از همکاری تعداد محدودی بازاریاب

مطبوعاتی

آشنا به زبان انگلیسی و فارسی

استقبال می کند

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های

۰۷۷۳۳۱۱۳۱۳۷ - ۰۲۰۸۴۵۳۷۳۵۰

تماس حاصل نمائید.

به یک نفر خدمت

کار خانم

جهت کار در خانه ترجیحا

میانسال مسلط به آشپزی

با حقوق مکفی برای کار

روزانه هفته ای ۳ روز

۰۷۹۶۰۴۸۴۰۷۷

یک شیرینی پز ماهر با ۲۰
ساله سابقه کار و آشنایی با
طرز پخت انواع شیرینی های
ایرانی آماده همکاری می باشد.

۰۷۷۲۴۲۶۳۲۸۷

۰۷۹۳۵۷۳۷۹۶۱

اکبری

جوانی دارای certificate
modeldirect

آماده هر گونه همکاری جهت
مدل شدن در کارهای تبلیغاتی
به صورت part time می باشد.

Hossian

۰۷۵۱۷۰۷۴۶۲۰

مراکز
توزیع
هفته
نامه

پرشین

جامعه ایرانیان
کانون ایرانیان
سوپر پرآرا
سوپر انزلی
سوپر بازارچه ایرانی
سوپر پرشیا
سوپر بیژن
سوپر بهار
سوپر تهران
سوپر تخت جمشید
سوپر جردن
سوپر خزر
قنادی رضا
سوپر زمان
سوپر زمزم
سوپر ساوالان
سوپر سارا

Super Dejla
Turkish Super
,Market
Way to say
Turkish Super
|Market,TFC
Turkish Super
Market, CODI
Turkish Super
Market, ELING
و شهرستانهای:
Birmingham,
Glasgow, Leeds,
Liverpool
Manchester,
,New Castle
Nottingham.
Southampton
Brighton

سوپر سپید
سوپر سیب
سوپر سهند
سوپر دنا
سوپر علوان
سوپر فردوس
سوپر وحید
سوپر سرور
سوپر فردیس
سوپر ایرانی
کوبینزوی
فرهنگسرای لندن
قنادی عسل ۱
قنادی عسل ۲
سوپر کسری
سوپر مازندران
سوپر منصور
سوپر مسعود
سوپر هرمز
رستوران ایلینگ
کباب
رستوران مهدی
رستوران آریانا
رستوران بهشت
رستوران شهرزاد
رستوران سراب
رستوران پارسیان
رستوران زعفران
رستوران فرشاد
مدرسه اوستا

جهت آگهی در هفته

نامه با شماره

تلفن های

۰۲۰۸۴۵۳۷۳۵۰

۰۲۰۸۴۵۳۷۳۵۱

تماس بگیرید

راننده مینی کپ جهت خانواده
های ایرانی مسافت دور و
نزدیک
۰۷۸۸۲۲۲۶۹۰۱ کوروش

قابل توجه دانشجویان
جهت انجام پروژه های
کامپیوتری و طراحی وب
سایت با شماره
۰۷۹۸۸۶۷۴۳۳۱ نسرین

خانمی جویای کار

بعنوان فروشنده و غیره

07910751909

پس از ۵۰ اجرای موفق در اروپا بار دیگر در لندن

برای آنها که در سپتامبر ندیده اند خصوصا آنها که دیده اند

هادی و صمد ده سال بعد



نمایشی تازه از پرویز صیاد

لندن یکشنبه ۹ دسامبر ساعت ۷ بعد از ظهر

در سالن مجلل لوگال هال

هادی خرسندی در نقش خودش پرویز صیاد در نقش صمدش

078 5516 2295

اطلاعات و رزرو بلیت

020 8455 5550

رزرو بلیت با کردیت کارت

Logan Hall

فرهنگسرای لندن (فینچلی)

Bedford Way 20

London WC1H 0AL

Sunday 9 Dec 7 pm



با بار آشنا

Afghanistan & Tajikistan



و شاعر شدن
چای تیار کردن
و کابل را در فنجانی نوشیدن

دادا
وقتی صدای موتوران خسته است
چای تیار کن

تربچه های رسیده
و خر لنگ
و شکریه که ترب می خورد
پل خراب بود
عبدالاحد ، خر و پل
با هم پایین آمدند
آهای برج ایفل
تو هم روزی پایین می آیی
آهای شانزلیزه چشم زخم
همزادت را در کابل می زایم
نوبل بگیرم
به افتخارم خواهی رقصیدی؟
در شب فرانسه مغرور
و آمریکایی مهربان
که کلاهش را چسبیده است
و می خواهد سیگرتش را در من خاموش کند
دادا
دارم بر می گردم
چای تیار کن
دادا
عمرم تمام شد
بی صدا گریه می کنم
قلم در کدهای رادیویی روان است
دلم به زنگ تلفون
در کابل برف می بارم
در اروپای درد، باران
چای تیار کن

دادا
به کابل قسم که غم
از سرطانم می برد
از ولاتم دور نیستم
عجالت این ببر در اسد
ماه مرگم سرطان خواهد بود.

دادا، چای تیار کن
تازه می شویم

چای خوردن
و گریستن
چای خوردن
و به تنبورک کوچیان
دل دادن.
تازه می شویم

دلت دروازه کابل باد
دادا
وقتی از بزکشی
سرفراز بر می آمدم
چای می خوردیم.
دادا چای تیار کن
دارم می میرم.
چای تیار کن
به وسعت افغانستان
شبم
به وسعت این دل
دادا
بیا خوش باشیم
بی بی سی گوش کنیم
طالبها به "تورابوره" رفته اند
وقتی قیچی کردن را از رادیو می توان یاد گرفت
چای تیار کن.
دادا
رمانم که نشر شد
برایت یک زن روس می آورم
می توانی انتقام بگیری
حالی چای تیار کن
دلم بیخ کرده، دادا
دادا
مرگ از راه رسید
امروز عاشق شدم.

به زودی
مردی در پاریس گریه می کند
و زنی در کابل خواهد زایید
و عبدالاحد دوباره می آید.

۱- - - - - سماوات: سماور

به وسعت افغانستان شبم

داکتر همایون نوری؛ در سال ۱۳۳۹ در کابل چشم به جهان گشود. در کابل دوران ابتدایی و متوسطه و دانشگاهی را گذراند و از آنجا که پدرش مولوی عبدالوهاب نوری، یکی از رجال سیاسی و مخالف رژیم های دیکتاتوری در افغانستان بود با دردهایی چون زندانهای سیاسی پدرش، شهادت او در زندان مخوف پل چرخی، همواره با درد زیسته است. کاکای او یکی از مردانی است که در دوران اختناق زندانی و دیگر به خانه باز نگشته است.

جنگهای داخلی او را واداشت تا به همراه مادر و خواهر و برادرش از کابل به پاکستان، ایران و پس از چند سال به فرانسه مهاجرت کنند. علاوه بر این همایون نوری دو سال از عمر خود را در شهر دوشنبه تاجیکستان سپری کرده است.

هیچ اثر داکتر نوری خالی از کابل نیست. کابل مدینه فاضله اوست. او به تعبیر خودش کابل را فنجانی می داند که می توان در آن چای نوشید یا کابل را در آن نوشید.

همایون نوری در طول سالهای جنگ، بسیاری از فامیل و دوستان خود را از دست داده است و این نیز درد دیگر اوست. نوری شعر می گوید تا دردهای خودش را فراموش کند. او در شعر خودش گریه می کند. شعر او زاییده سوز برف کوههای افغانستان و جفای روزگار است. او همواره در قبال اوضاع روز کشور خود حرفی برای گفتن دارد. به این شعر توجه کنید:

"در شب فرانسه مغرور/ و آمریکایی مهربان / که کلاهش را چسبیده است

و می خواهد سیگرتش را در من خاموش کند / دادا / دارم بر می گردم چای تیار کن."

دادا
چای تیار کن
دلم بیخ کرده
دادا

سماوات دلک زخمی من است (۱)
چای تیار کن

پیاده رفتگانت بر نمی گردند
چای تیار کردن

هنر پیشه سینما

گفت و گو فضل الرحیم رحیم خبر نگار آزاد با رویا مالک چهارشنبه ۱۴ نوامبر ۲۰۰۷



دوشنبه رویا مالک، در ولایت خوست افغانستان دیده به جهان گشوده و از سال ۱۹۹۰ عیسوی بدینسو در کشور آلمان با فامیلش زندگی می کند. در رشته تداوی دندان تحصیلاتش ادامه دارد و ضمناً شوق و علاقه اش نسبت به هنر سینما زمینه خوبی شد تا در برابر کمره فلمبرداری استعدادش را با اجرای نقش مرکزی در فلم (دو توس) تجربه نماید.

رویا مالک، چندی قبل غرض اجرای نقشی در فلم پروفیسور، به هالند رفته بود. اینک گفت و شنودی با او پیرامون کارهای هنریش انجام داده ام که توجه عزیز خواننده را به آن معطوف میدارم.

چگونه به هنر سینما، رو آوردید اگر ممکن باشد از کارهای تان در عرصه سینما بگوید؟

من به هنر سینما به اساس شوق و علاقه که داشتم رو آوردم، در این زمینه تحصیلات مسلکی ندارم. (دو توس) اولین فلمی بود که اجرای نقش مرکزی آن از طرف آقای شاد مان برایم پیشنهاد شد. که من با وصف اینکه تجربه قبلی نداشتم اما همان نقش را به بسیار خوبی اجرا نمودم. بعداً چندین نقشی در فلم های مختلف برایم پیشنهاد شد اما به نظر خودم چون نقش ها مناسب نبودند از پذیرش اجرای آن معذرت خواستم. اینک دومین نقش ام در فلم پروفیسور است که با محترم انجنیر کریم تنویر، محترم ظاهر هویدا و محترم بصیر حیدر، نقش بازی نموده ام. برای من جای افتخار است که با چنین شخصیت های خوب فرهنگی و هنری کشورم نقش مشترک را در فلم بازی نموده ام. بویژه جریان فلمبرداری و اجرای نقش ها و بر خورد صادقانه و بی ریا انجنیر صاحب تنویر قابل توصیف و خاطره انگیز است.

قراریکه شما گفتید به اساس شوق و علاقه به هنر سینما رو آورده اید، آیا خواست ها آرزو های که در عرصه هنر سینما داشتید با اجرای نقشی در این دو فلم کم بیش به آن دست یافته اید؟

نقشی که من در فلم دو توس داشتم تجربه اول کاریم در هنر سینما بود. انقدر که من آرزو داشتم نه اما در فلم پروفیسور، نقشی را که بازی نموده ام از آن خودم راضی هستم. رسیدن به آرزو ها به کسب تجربه و



کار بیشتر نیاز دارد اما من صرف در دو فلم نقش بازی کرده ام که رسیدن به آنهایم در عرصه سینما به کار بیشتر نیاز دارد.

نظر شما در مورد فلم های که بیشتر بر مینای فانتازی ها و خیالات ساخته می شوند تا واقعیت ها چیست؟

به نظر من فلم باید نمایانگر واقعیت ها باشد تا تخیلات واهی و به اساس همان واقعیت های موجود جامعه ما اگر فلم ساخته شود مورد پذیرش مردم هم قرار می گیرد. در غیر آن کار ما کاپی غلط از سینما هالیوود و بالیوود خواهد بود.

در کدام نقش ها خود را موفق احساس می کنید؟

به عقیده من هنرپیشه سینما باید آماده اجرای هر نقش باشد. موفقیت هنرپیشه در این است که خود را کاملاً در نقش که برایش داده شده احساس کند. من تا به حال دو نقش داشتم که هر دو نقش، نقشهای تراژیدی بودند. اما من بیشتر ترجیح میدهم در نقش های بازی نمایم که در آن عاطفه، عشق، محبت و مبارزه با مشکلات با زندگی و سرانجام موفقیت و غلبه بر مشکلات باشد.

از کارهای که روی دست دارید لطفاً بگوید؟

قرار است در یک سریال ۱۲۰ قسمتی که به کارگردانی محترم انجنیر تنویر، عنقریب کار فلمبرداری آن آغاز می شود نقش بازی نمایم و ضمناً کار تهیه ویدئو کلیپ از آهنگهای هنرمند محبوب کشور ما زنده یاد احمد ظاهر تهیه شود در آن هم نقشی دارم.

تبصره شما در مورد کمیود نقش فعال زنان در سینما داخل کشور ما چیست؟

هر انسان چی زن باشد چی مرد آرزو های در زندگی خود دارند. باید برای رسیدن به این آرزو ها زمینه به انسانهای جامعه بدون تبعیض و امتیاز مسا عد گردد دیگر نظریات کهنه دور گذاشته شود. و از جانبی دختران و زنان افغان هم اگر در خود استعدادی را در هر عرصه از هنر می بینند باید برای تباران با در نظر داشت عنعنات و فرهنگ کشور ما اقدام نماید و تلاش نمایند. گر چه مشکلات بر سر راه است اما باید زنان و دختران افغان ثابت سازند که می تواند دوشا دوش مردان افغان در عرصه هنر سینما کار های شایسته و نقش های خوبی را بازی کرده می توانند.



طراحی و تزئینات کیک

تخفیف ویژه به مناسبت عید سعید قربان و عید غدیر خم

جهت مناسبت های تولد، نامزدی، عروسی و اعیاد

طراحی و ساخت انواع کیک، دسته گل عروس - طراحی بالن و تزئینات جشنها و میهمانیها
تهیه دسرها و شیرینی های ایرانی



قیمت های باور نکردنی

کیک برای 10 نفر	£20
کیک برای 15 نفر	£27
کیک برای 20 نفر	£32
کیک برای 30 نفر	£40
کیک برای 40 نفر	£49
کیک عروسی سه طبقه برای 100-110 نفر با طراحی کامل	£195

We cater for every occasion, from the simplest to the most elaborate, birthday, anniversary, christening, communion, engagement and wedding cakes.

Sandwich platters available.

Eggless Cake and Kosher Cake Available

Tel: 020 8248 3111

9am- 7pm

www.cakecreate.co.uk - cakes@cakecreate.co.uk



info@persianweekly.co.uk

گذری بر فرهنگ و ادبیات آذربایجان

موسیقی ایرانی
مکتب تبریز

اصغر فردی

روزی بوده که از دلنوازان تبریز، جز جمعی، ساز "محمد حسن عذاری" تازی را نمی پسندید، چرا که: از تهران آموخته و آمده و حلاوت تار تبریز را در دست و پنجه ندارد و به اصطلاح ساز زنان آن عهد "دستش نمک ندارد". با تار سر ستیز دارد و چه و چه... در حالی که اگر کسی نواری از تار "عذاری" داشته باشد و به معرکه اش بنشاند، آن گاه است که پهلوانی او در تار آشکار می شود. این از آن گفتگوهایی که در گوش و گوشه نغمه بازان تبریز بود که "عذاری" با

سه تار دیگر به بزرگ ترین تعلق من بر دنیا درآمده بود و به اندازه ی معشوقم می خواستمش. او ردیف ها را نیز به دو گونه می دانست، هم ردیف آوازی و هم ردیف سازی و چیزهایی از ردیف در خاطر گرد آورده بود که شاید امروز کسی را به خاطر نباشد. زبده خوانان و زبده سازان شهر... از سالی که او دیگر تبریز را برای محل زنده ماندن برگزیده بود... با کمال مماشات و مدارا و احترام به خانه اش میآمدند. اقبال السلطان که "عمو مقامی" اش می خواند و خاطرش را عزیز می داشت... پای دائم و ثابت حلقه اش بود و از دیگران آقا میرعلی اصغر صادق الوعد و حسن یکرنگی که درباره ی او سروده است:

به هم ماند دل و دلتنگی ما به بی بالی بلندآهنگی ما

مرا هم دل دورنگی ما شکسته است سلام ای عالم یکرنگی ما

و آقا میرزاعلی نقاش که درباره ی او سرود:

پیر دیری قید ما زد کو علی نقاش بود
خاطری خوشگل که یک تبریز
خاطرخواش بودبلبل موسیقی و گنجینه ی ذوق وهنر
هم مذهب بود و هم صورتگر و

آن همه عظمتش، خاطر پسندشان نمی شد.

موسیقی و آواز مکتب تبریز در چند قعه و حلقه ی زیرین بالیده بود:

۱. دربار ولیعهد (تا بود و تبریز دار ولایتعهدی بود) محل تجمع مرغان موسیقار بود. در هر دوره ای از ولیعهدان، وجود این مرغان استمرار داشت که فقط در دوره ی ولایت عهد مظفری، نام بدل کرده و با عنوان روضه خوان اندرونی می بودند، چون که ولیعهد ذوق موسیقی را با عقیده بر حرمت غنا به همراه داشت. این دستگان اغلب خوانندگان بودند و در دوره ی طولانی ولیعهدی مظفرالدین میرزا ساز زنان در دربار نیالیدند و البته که برخی عنوان و لیبی از درخانه داشتند و پاره دیهاتی و مشغول تعلیم بچه های دربار. چ� این دوره، اصحاب دست و پنجه و حنجر مخصوص دبار فراوان بودند. جوان ترها با لقب "غلام بچه" در کنار ولیعهد و هم بازی او بودند و سالخورده ترها با عنوان معلم و مربی ولیعهد ایام می گذرانند. از این زمره، حاجی ملا کریم جناب قزوینی و ابوالحسن اقبال السلطان و حسین خان صادالملک تبریزی بودند.

۲. در تبریز خانه ی چند تن از اشراف خوش ذوق که نان شب را نه همین برای خود، که برای اهلشان هم اندوخته بودند و فقط ساز شام و عیش مدام شان کم بود، محل اجتماع دوره ای ساز زنان و آوازخوانان بود که صاحب البیت، آن ها را با ادای احترام فراهم می آورد و نجبای شهر را و خود را عشرتی می بخشید. کریم آقا صافی تبریزی - تارزن هنگامه ساز، شاعر و نوحه سرای بعدی -، میرعلی اصغر صادق الوعد (فشنگچی)، جواد آقا اردوبادی و سید حسن طلوعی (سیدحسن آقاودانگه) زینت این مجالس بوده اند.

۳. دسته ای دیگر از ارباب موسیقی و آواز تبریز، قضا را خود از اشراف و نجبا بودند که حلقه و لجنه ای رای خود داشتند و دیگران که اغلب امثال خود می بودند در خانه ی آن ها گرده می کردند که مهدی خان صوتی تبریزی، حاجی تاج تبریزی (روضه خوان)، مجدالدین ذاکری، حسن یکرنگی، و در دوره ی ما - یعنی آخرین دوره ی شکوه تبریز - حاجی غلام رضا قیطانچیان از آن دسته بود که خود در خانه حلقه ای می داشت و سازندگانی مانند حاجی محمود فرنام و غلام حسین بیگچه خانی و خوانندگانی مانند آقامیرزاعلی نقاش، کاظم آقا مارالان لی، حاجی حسین عمی تنباکوچی، حاجی عمی اوغلی سرده ری لی. مرحوم جواد آذر در مرتبت "قیطانچیان" سروده و شان او را چنین ستوده است:

ای بلبل مست نغمه پرداز
در نای تو با هوای گلشن
در سوگ تو ای زبان هراسان
در ملک هنر ز بعد اقبال
سر از دل خاک تیره برکن
برخیز و دوباره نغمه سرکن

دیگر از این اشراف، کسانی که حلقه نداشتند، اما با ملاحظات فراوانی که مبادا لکه ای! به شوکت شان بیفتد، در بعضی از این جلسات دیده می شدند، یا صدایی داشتند و خوب شنیده می شدند و یا صدایی نداشتند و در عوض موسیقی دان و مقام شناس بودند و کم می خواندند و به قول مشهور نمکی بر دیگجوش تفتیات می افکندند. از آن ها مرحوم اکبر آقا هریسچی بود که تجارتخانه ی فرش داشت، ولی متجدد بود و ته صدایی و ذوقی و چشم اشکریزی و معاشرت با شهریار شاعر که خود استادی در ساز و آواز بود.

۴. نمی دانم که شهریار را در کدام زمره بیاورم که او به تنهایی زمره ای بود. درباره ی شهریار و موسیقی، فصل مفصلی نوشته ام که در فرصتی ارائه می شود، اما مختصر این که او ساز را یعنی سه تار را بسیار استادانه می نواخت. من نکویم و مقام شناس شاعر، ه.ا.سایه، گفت که: "شهریار سه تار را کم از صبا نمی زد." و خود صبا که: "شهریار، شهریار ساز تو سوزی دارد که همیشه هوس شنفتنش دارم." گرچه سه تار از صبا آموخته بود، اما چندان عاشق سازش بود که می گفت

مارالان مارالی "کاظم آقا"
گلشن لر آرامین بلبل اولسا
"آقامیرحیب" سید تاج دار
فقر مولکونده قلندر درویش
کیمی گلشن ده بیر بلبل اولماز
اونون تک صفالی بیرگل اولماز
عشق شاهمی نین باشا تاجی ایدی
مقامات بزمی نین سراجی ایدی

در همین حلقه ای که "کاظم آقا" گفته شد، آن همه شوکت، بی ساز راست نمی آمد. ذوق غالب در این مجالس، تار را می پسندید. عجیب است که اثری از وجود سه تار در آن روزگاران نه خواننده و نه شنیده ام. کمانچه در تبریز محدود به یک - دو نفر بود که در این اواخر مرحوم عادل آرمیون تنها کمانچه کش بود. مرحوم جعفر ارمانی ویولونیست بود و آموزشگاه موسیقی داشت و جز این ها زاون، میولونیست، آشوت بابانس، نوازنده ی کلارینت، خانم باگرامیان، نوازنده ی پیانو و دیگران مخصوصاً از ارمانه وجود داشتند، لیکن به ساز و نواز ایرانی نمی گراییدند. بنابراین تقریباً "جز تار ساز دیگری در محافل ذوقی و موسیقی تبریز رایج نبود. تار را نیز فقط قوالا همراهی می کرد که حاجی محمود فرنام یک تنه هفتاد سال تبریز را از قوالا کوب بی نیاز کرده بود.

همچنان که در مقاله ی ویژه ی مرحوم بیگچه خانی نیز به همین قلم نوشته شده است، خاندان بیگچه خانی دویست سال در تبریز عهده ی نوازندگی تار را به گردن خود داشتند. پدر مرحوم بیگچه خانی که آقا حسین قلی نام داشت، از استادان بلانماز تار بوده که زکشر در منبع پیشین رفته است. او در سال ۱۲۱۰ در اثر سرطان حنجره درگذشته است، اما عموزادگان، اولاد و اقارب خاندانی او همواره نوازندگان برجسته ای بودند.

جز این خاندان ناگزیریم از چند نوازنده ی تار نام ببریم که به این حلقه رفت و آمد داشتند. تارنوازان نیز کما بیش در مراتب خوانندگان جای می گیرند، چرا که در این گروه، اوایل و اواخر عمر یک نفر گاه چنان رنگارنگ بوده است که یک نفر در یک لجنه نمی گنجد. جواد آقا منشی حضور که عکسهای از او در دست است، در آغاز جوانی فراش خلوت محمد علی میرزا ولیعهد (محمد علی شاه بعدی) بود. تار را در تهران نزد آقا غلام حسین عمو (برادر جد حاجی علی اکبر خان شهنازی) تکمیل کرده، به دربار تبریز راه یافته بود. با فعل ترین خواننده ی آن روزگار تبریز تار نمی زد که صدایش وحشی است و خودش وحشی تر. افراط در قلندری و می آلوده به آفیون در ساغر کردن ها عاقبت از او بی نوابی ساخت که در شخصت سالکی نیم شبی سرد در مراغه به قناتی می افتد و همان جا می ماند تا فردا بیخ زده اش را می یابند. پسگردش جواد آقا از محافل شاهی تا قهوه خانه ها و حلقه های فرودست جامعه بود. باز از اشراف، مرحوم اقبال رفیعی شاکرد آقا حسین قلی در تهران بود که خود اقبال رفیعی شاکردی به نام عبدالعلی خان ساعد تربیت کرده بود که بسیار خوب تار می زده است. از طایفه ی گوران های آذربایجان نیز نوازندگان پهلوانی درآمده اند که بزرگ ترین آن ها میرزاعلی خان عادل بود. او نیز تار را در تهران از آقا حسین قلی آموخته بود.

حسن آقا سلمانی فروتن، دکتر محمدیه، صاحب داروخانه ی محمدیه و کیمیا که خود شاکرد جواد آقا منشی حضور بود، میرزا ابراهیم، اسماعیل نادری، صدیقی، ابراهیم طلوعیان، فرهنگی، حسن هاتف، شهنازی مراغه، میرجواد سهامی، حسن جوان، محمد حسن خان، بورون (دماغ)، حسن آقا دشتی، نام کسانی است که تحقیق درباره ی آن ها را به آینده و آینده ای واگذار می کنیم که فعلاً نام شان را بدانیم تا گردآوری اطلاعات دیگر درباره ی این ثروت های موسیقایی ایرانی در پادربایجان و تبریز.

به هر حال موسیقی آوازی این ملکت کبان کلان، در دوره ی اخیر، حدود ملک به دو، و با اغماضی به سه ناحیه می برد. یکی مکتب تبریز که نتیجه ی شوکت خوانندگانی چون حسین خان صادالملک تبریزی، مهدی خان صوتی تبریزی، میرعلی اصغر صادق الوعد (فشنگچی)، حاجی تاج تبریزی (روضه خوان)، مجدالدین ذاکری، ناصر ذاکری، سیدحسن طلوعی (سیدحسن دودانگه) (به ابوالحسن خان اقبال آذر رسید و سکه ی سلطنت آواز این حدود به نام او خورده و تأثیر به من تبع چندی مانند رضاعلی ظلی، حاجی غلام رضا قیطانچیان، ابراهیم بوردی، ملوک ضرابی و سرتیپ برد.

دو دیگر مکتب اصفهان که کشته های بزرگان متقدمی مانند شهاب چشم دریده، بحرالعلوم اصفهانی، تاج الواعظین، سید عبدالرحیم اصفهانی، حاج عنابدی، میرزاحسین ساعت ساز، میرزا حبیب شاطر حاجی - که فضیلت آن ها راست - در بالا و اندام حنجره های حریری سید حسن طاهرزاده و تلج و ادیب خوانساری رویید.

در میان این دو ملک، مرغان چمن تهرانی پلی زدند و سیاق شورینی پدید آوردند که ثمره ی مبارک معماران بزرگی مانند جناب دماوندی، علی خان نایب السلطنه، سید احمدخان تعزیه خوان، حسین شمیرانی، قمرالملوک وزیری، حاجی محمد ایرانی مجرد، عبدالله دومی (دودانگه)، سید حسین میرخانی و نورعلی برومند نکینی است که بر انگشت محمد رضا شجریان جای دارد. این سیاق آخری فزونی های آن و کاستی های این را حد اعتدالی بخشیده و زیبایی های هر دو را به درجی درج کرده، ظرافتی نیز بر آنها افزوده است.

اما سخن از آواز دوره ی متأخر ایران که به میان آید، ناگه این پنجه ای تنتره - اقبال آذر و ظلی و طاهر زاده و تاج و ادیب - بر خاطر گذرد و حتی تمثیل بدخوانند نیز از اینان گزیده شود، چندان که رنداه به کسی که خوش نمی خواند می گفتند: فری! که مانند "تاج" و "ظلی" می خوانی.

موسیقی سازی ایران نیز همین سرنوشت آواز را در تعقیب آن داشته است. هر شاخصه ای که برای موسیقی ایرانی مکتب تبریز و دیگر سائقه ها گفته شد، برای موسیقی سازی نیز صادق است ریال به این معنا که هر چه موسیقی آوازی مکتب تبریز شلاله ای تحریرها و زنگله های نشاط بار و شاداب است، موسیقی سازی مکتب تبریز نیز - مخصوصاً "تار پر از دراب و شتاب صاف و شفاف است. هر چه سرعت مضرب و پنجه را در تار ایرانی بیفزایی و پیچیدگی های ملودیک بر آن باز بخشی، فرم به موسیقی مکتب تبریز می گراید. فریادهای اگزوتیک انسان باستان را از آن، بی پیرایه تر و ناب تر می شنوی و اگر حسرت می خوری که کاشکی نوا و نغمه های موسیقی هار سال پیش ایران را - از "تخت طاقدیس" و "شبدیز" و "کنج بادآورد" - می شنودی، با گوش خواباندن بر گوشه های جاری از افق های بوردست تاریخ مکتب تبریز، می توانی با کم ترین تغییرات آن را بازیابی. موسیقی مکتب تبریز همواره به دو زبان بالیده است. فارسی و ترکی بستر مهربان آواز و تصانیف ایرانی مکتب تبریز بوده است، چون تبریزی هزار سال این دو زبان را دوشادوش هم پیش برده و گاه به ترکی نوشته و گاه به فارسی، اما موسیقی که حاجتی به نوشتن نداشت، فارسی و ترکی در آن تعطیل نمی ورزید. "کوچه لره صوسپیمش" (بیات شیراز) "قره گله" (ابوعطا)، "پنری هایثری ها کوسوموشم سندن" (بیات ترک) و سدها تصنیف و ترانه از نموده های زیبای مکتب تبریز است.

نقاش بود
هم به شعر و موسیقی گلچین وبا ذوقی لطیف
هم مناسب خوان یکی خواننده ی
قلاش بود

تالی اقبال آذر اوستاد موسیقی
با اساتید هنر در شور و در کنکاش بور
اردوبادی بود و عذاری و دشتی لیکن او -
شمع مجلس بود و هم بر صدر مجلس
جاش بود

تیر آخر بود و بی او ترکش از ما شد تھی
چون کماندار فلک با ما پر از
پرخاش بود
و آقا میرزا جعفر بدایعی (کلامی) که باز شهریار چنین توصیفش کرد:
استاد فن ساعت و شعر است و موسی
وین هر سه جز به ساز طبیعت تمام
نیست

و حاجی غلامرضا قیطانچیان و چند تن دیگر و از جمله آقا غلام حسین بیگچه خانی شهریار در اواخر عمر ساز هیچ نمی زد، اما آواز هر روز می خواند، یعنی زمزمه ای می کرد و گویا با خواندن هر گوشه ای، خاطره ای به خاطرش می زد و گریه ای سوزناک و آواز به ناله ای تبدیل می شد که: این را "پروانه" غوغایی می خواند و این یک را "قمر" شبی چه کرد و آن دیگری را رضاخان هندی که می خواند، کربلا می کرد و دیگری را درویش خان عجب زد و اغلب تلخ یاد حبیب سماعی و صبا و غم شهریار از جوانمردگی شان و حسرت ها...

اگر دستم نگیرد دسته ی ساز
هنوزم سینه هست و سوز آواز
اگر شیرین به ناز و دل گرفته است
خدا از ما نگیرد شور و شهناز

۵. جز این ها که در خانه های اشراف شان می یافتی، جمعی دیگر در قهوه خانه ی خوانندگان (اوخیوان لار قهوه سنی) گرد می مندند. در هر دوره ای قهوه خانه ای دیگر بود که در روزگار ما قهوه خانه را دده غلام علی پرتوی می داشت. اداره ی قهوه خانه ی خوانندگان خود هنری دیگر می طلبد، چرا که مشتریانش بنایان و معماران و نوآکتان نه، که تازی ها و کمان کش ها نواخوانان بودند و با ذائقه ای غریب. این قهوه خانه اعضای زیادی داشت، چرا که در تبریز هر کسی ذوق و سودای داشت، صدای دودانگی هم داشت و دانش و ردیف و مقام و دستگاهی. مثلاً آقا میرزاعلی حقانی که حقا از قلندران تبریز بود، جزو خوانندگان به شمار نبود، اما در ردیف و گوشه های غریب هیچ کم از خوانندگان پیرامونی خود نداشت و صدای سوخته ای که از سینه ای سوخته تر برمی خاستن. در این هوه خانه ها مردانی جمع می شدند و گوشه گوشه آواز را به همدیگر تحویل می کردند. یعنی شبی که نوبت سه گاه خوانی بود، استاد و پیر مجلس، اول "مایه" می داد و هر کس به ترتیب گوشه ای را می خواند و گوشه ی بعدی را به دیگری می داد: کاظم آقا مارالان لی جاویدحاجی حسین عمی تنباکوچی، آقا میرحیب، میرزاعلی نقاش، سیدحسن روضه خوان، محمدخان اوغلی نجار، خان عمی، حسن آقا بخشایشی، صادق عهدی (شخته صادق)، اکبر سراج و برادرزاده اش کریم رهبر تبریزی (کریم قناره)، مشهدی مجید چورکیچی، حبیب الله فخمی قارابی، مشهدی حسن قهوه چی، عباس قلی دلکش و برادرش میرزاعلی اصغر روضه خوان، میرزا احمد خیابانی، سیدمهدی چهره پرداز شاکرد اقبال آذر) و نیز چند تن دیگر از خوانندگان استاد و توانای تبریز.

حاج حسین عمی تنباکوچی نی
اودوروب جانلاری یاندریاردی
"سیدحسن روضه خوان" بلبل تک
گلشن لر آرا خوش نوا ایله
گورزه بدین دشتی اوخیوان زمان
او عشق اودوندا جانی یاخیلان
اورک ده عشقی باشینداشوری
اوخوردو مین سوز ایله ماهوری



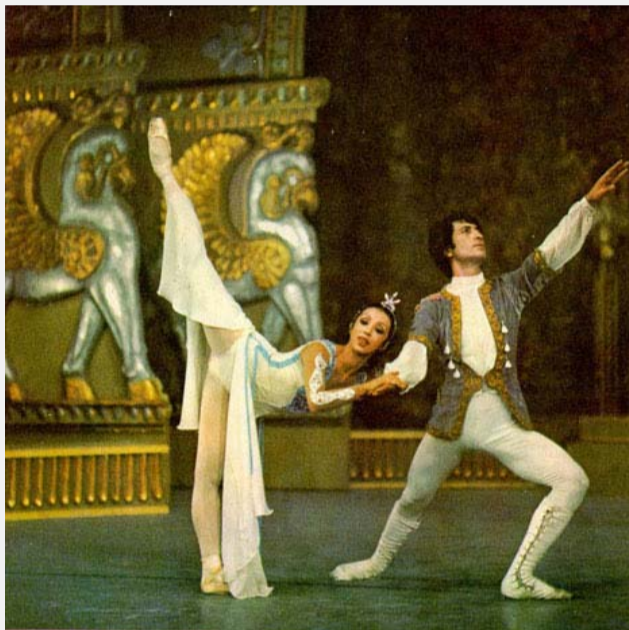
info@persianweekly.co.uk

Bizhan and Manizha Story

Written by: Dr. Bijan Kimiachi

Ferdowsi, one of world greatest poets of all times, in its magnificent "Epic of the Kings" Shahnameh Ferdowsi alludes frequently to the magic cup, Jame-e-Jam.

Most beautiful of all the legends of the cup is that of Bizhan and Manizha. Eager to seize any opportunity to prove himself the young nobleman Bizhan accepted the charge of the King Keykhosrow to go to the land of Armenia to liberate its people. His task was accomplished in good time, and on his way back to Persia with his army, Bizhan made a camp and lay resting in his tent, when Gorgin, one of his companions officers, asked him if he had ever seen or even heard of Manizha, daughter of Afrasiyab, King of Turan. Bizhan replied that he had not. Gorgin, who in his heart was jealous of Bizhan's favor in the eyes of the Persian King and would be well rid of him, described Manizha in the most seductive terms: "Cypress-stature, fragrant with musk, her cheeks are rose-tinted, her eyes languorous, her lips wine-filled and redolent of rose-water



On the morrow, Bizhan departed for the court of Manizha. When the young nobleman beheld her, the most beautiful woman he had ever seen instantly took his heart captive. Manizha was also enkindled with love for the most handsome nobleman of Persia. Acknowledging their love to each other, but aware of Afrasiyab's hatred for all Persians, they married secretly and journeyed to the court of Afrasiab. Strongly disapproving of their marriage, which he had learned of through the treachery of Manizha's attendants, Afrasiyab gave order that Bizhan should be overtaken and imprisoned in a cavern with an enormous rock covering the mouth of the pit. Manizha was cruelly expelled from her father's court to share her husband's punishment.

In the meantime, Gorgin led the army back to Persia, where he reported to Bizhan's father, the famed warrior Giv, that Bizhan had been lost in a terrible storm. But, refusing to believe Gorgin's story, Giv compelled him to retell the story in the presence of the King Keykhosrow. Turning to Giv, the king said: Stay until the month of April has arrived; then I shall call for the world-revealing cup, Jam-e-Jam, and, going into the presence of God, shall stand there looking into the cup to search through the seven climes every region and country. Then I shall reveal to you where Bizhan is, for truly it shall be shown to me within the cup.

When spring arrived, Giv came to the court with hope in his heart. The mighty King Keykhosrow demanded the cup. He dressed himself in Grecian robes and placed the royal diadem upon his head. He took the cup in his hand and went thence into the presence of God. Over the whole firmament he ranged within the cup, from the sign of Fishes to that of Ram, beholding Saturn and Jupiter, Mars and Lion, the Sun and the Moon, Venus and Mercury. All things yet to be; the wonder-working King beheld in the cup. Into every one of the seven climes he looked in the hope that he would find Bizhan.

By the will of God, he espied Bizhan there, in Turan fettered in the pit with heavy chains and praying for death in his misery, while ready in attendance nearby him stood a maid of royal stock. At sight of that pathetic spectacle, the king turned his gaze toward Giv and smiled in such a fashion that the whole throne-room was illuminated.

Keykhosrow told Giv that Bizhan was alive. Later, Rostam the strongest warrior of Persia was sent to rescue Bizhan and his beloved Manizha.

SPORT

Sepahan Kicking Off Club World Cup

TOKYO, Dec. 5--You can still see the disappointment etched on the faces of the Sepahan players. Two and a half weeks ago, the Iranians suffered a narrow defeat to Japanese side Urawa Reds in the AFC Champions League final, missing out on what would have been the greatest triumph in the club's history.

According to FIFA, despite that defeat, Sepahan still qualified for the FIFA Club World Cup Japan 2007, and while they say that revenge is a dish best served cold, it will be piping hot if they make it through to the quarterfinals and set up a repeat of the Champions League decider.

"We're not here in Japan for a holiday," said Sepahan's Croatian coach Luka Bonacic. "It's a great honor for us to be taking part in the Club World Cup. We'll give it everything we've got to get some good results. I hope we'll get to play Urawa Reds again."

Before they can think about a rematch, however, they will have to beat New Zealand outfit Waitakere United on Friday. The Iranians are very much the favorites to get through against the OFC O-League winners, but Bonacic does not want his troops looking past their current opponents and concentrating on a potential revenge match with Urawa.

"We need to be fully focused on Waitakere and take it one match at a time. Not all of their players are professionals, but they can all certainly play good football."

Uncertainty surrounds the availability of two of Sepahan's key players, captain Moharram Navidkia and striker Mahmoud Karimi who face late fitness tests ahead of Friday's match. "I hope I'll be ready in time," said a determined Navidkia. "Every man has a dream, and mine is to play in the Club World Cup."

The midfielder played for German outfit Bochum for a while and was part of the Iran team at the 2006 FIFA World Cup Germany. He has high hopes for his club here in Japan and hopes a good performance will be the springboard for a recall to the national team, in which he has only featured briefly since last year's FIFA World Cup. "It's really important for Sepahan to play well at the Club World Cup, since I want to get back into the national team."

Sepahan's foreign imports are also hoping to use the tournament as a platform for their careers. "It's an opportunity to show what we're capable of. We are going to play to our strengths and that will hopefully help us win some matches," said half-back Hossein Kazemi at the team's opening press conference in Japan.

"We'll give it our best shot and hopefully that will bring us some success. We've prepared really well for the tournament," added fellow defender Jaba Mujiri from Georgia.



Iran Water Polo Team to Attend Qualifying Games

Iran's water polo team will play against Mexico, Germany, Italy, Canada and Macedonia in Group B to qualify for the 2008 Beijing Olympic Games.

This is the last qualification event for proceeding to the Olympic Games, wrote FINA (International Swimming Federation) website.

The 12-team tournament will be held in Oradea, Romania, on 3-10 March 2008 and the top three teams will qualify for the Olympic Games.

Romania, Russia, Brazil, Greece, Kazakhstan and a team from America will be playing in Group A.

China (host), Montenegro, the US, Australia, (Egypt or South Africa), Croatia, Hungary, Spain and Serbia have already qualified.

According to FINA's regulations, a total of 12 teams will be attending the 2008 Beijing Olympic Games. Six teams from Europe, three teams from America, two Asian teams and one team from Africa will also attend the Olympic Games.





info@persianweekly.co.uk



Persian Weekly Newspaper

We are a group of interested individuals who would like to educate the Iranian community about life in the UK in order to help them integrate into their new country of residence through culture, art, entertainment, articles and personal stories and also the purpose of our weekly newspaper is to promote the fascination of Iranian culture by exposing the audience to rich traditions in Persian celebrations, literature, cinema, art, poetry, music, and cooking. In addition, we want to provide a common website for more than 3 million Iranian professionals outside Iran. Persian weekly is a non-political, non-religious newspaper that encourages anyone who is interested in Persian culture to contribute with the Persian Weekly Newspaper. You can also contribute through your article, opinion, photographs and any other ideas you might have.

Editor-in-Chief: A.Najafi

News Editor: Fereshteh Kadivar

Advertising : J. Totoonchi

Designers: Alireza Ryahi, Abbas

Web/It Manager: Behzad Rahigh

Writers: Dr Ara, Mrs Garon, Mrs Taraneh, Armia, Afsaneh Jangjou,

Website: www.persianweekly.co.uk
Email: info@persianweekly.co.uk

Printed By: Web Print

Special Thanks to:

NUJ National Union Journalist, Mr Radman

Lord Business Centre

2 Floor Unit 20
665 North Circular Road
London NW2 7AX
Tel: 020 8453 7350
Fax: 020 8453 7351

DON'T FORGET

Help to keep public area clean and tidy for everyone by taking your copy of Persian Weekly Newspaper with you, when you leave

When you have finished with this magazine please recycle it.



‘Insects Concert’ to buzz in Niavaran

Tehran's Niavaran Cultural Center is scheduled to host a musical puppet show named ‘The Insects Concert’, directed by Maryam Sa'adat.

The series of shows will begin at the center's Gusheh Hall on December 9 and the troupe is slated to play six musical pieces in each performance of the 13-day program.

The compositions, entitled ‘My Homeland’, ‘Tom and Jerry’, ‘The Key’, ‘The Playmate’, ‘High Schools’ and ‘Oh Iran’, have been arranged for the instruments keyboard, jazz percussion, electric guitar, violin and tumba which will be played by the puppeteers of the grasshopper, spider, bee, ant and ladybug.

The music has been composed by Keivan Kiaras and the lyrics, which have been written by Omid Soltan-Ahmadi, will be sung by vocalists Soltan-Ahmadi, Mohammad Bahrani, Delaram Mostofi and Mani Sharfi.

The puppeteers include Hedyeh Hashemi, Omid Soltan-Ahmadi, Mohammad Bahrani, Kazem Sayyahi, Shima Bakhshandeh, Marjan Namvar-Azad, Bahador Malekif and Negar Shahbazi.

They will be handling the beetle, cricket, fly, spider, bee, ant, grasshopper and ladybug puppets.

The ‘Insects Concert’ was given a warm welcome by people at its debut in Tehran's Banu Cultural Center in 2006. Since then the troupe has performed 1000 shows in the cities of Hamedan and Bandar Abbas and at several centers in Tehran



Music exhibit coming to town

Tehran is to host the first edition of a music exhibit from December 28 to January 4.

The event is to be held at the venue of the Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults (IIDCYA), the secretary of the festival Abdolhossein Mokhtabad said at a press conference held here on Monday.

He went on to say, ‘Overall almost 6 million people in this country are working in the field of music and related industries. For example, over 100 people are involved in producing a single music album. One of the aims of the event is to introduce these industries to the public.

‘Copyrights and economic issues pertaining to the world of music will also be discussed at the sessions scheduled to take place on the sidelines,’ he added.

He continued by expressing his regret over the fact that there are not many proper concert halls in Tehran despite the fact that concerts are now yielding high profits, adding that a sum of almost 20b rials was raised from concerts held last year.

Executive manager of the exhibit Babak Rezaei said that the event will provide an opportunity for music product manufacturers, music book publishers and producers of musical instruments to display their merchandise. Music colleges and studios will be represented and periodicals will be on sale.

As sidelines to the main exhibition there will be live music performances and discussion panels.

During the course of the event several ceremonies will also be held to honor Veteran musicians, Rezaei concluded.

The IIDCYA is located on Hejab St., Keshavarz Blvd

\$1.2 Million for charity Magic of Persia



The London-based charity Magic of Persia exceeded all expectations with sales from their charity auction of contemporary Iranian Art reaching \$1.2 million on Saturday.

Over 31 prominent Iranian artists have contributed contemporary artworks for the ‘Magic of Persia’ charity fundraiser in Dubai.

‘We are truly overwhelmed by the generosity of our world class Iranian artists and stunned by the generosity of the collectors and art lovers who came from all over the globe to support us here in Dubai,’ said Shirley Elghanian, Chief Executive of the Magic of Persia.

Iran Darroudi, Farhad Moshiri, Shirin Neshat, Shirana Shahbazi, Parviz Tanavoli, Behzad Behnam are among the prominent Iranian artists who made major contributions to the auction.

The live auction was attended by 450 guests with many others bidding in absentia from around the world; highlights included, the sale of Farhad Moshiri's Swarovski crystal adorned painting Only Love (Faghat Eshgh -) for \$300, 000 and Y.Z.Kami's Endless Prayers for \$80,000. Works by children from Al Noor Training Centre for Children with Special Needs in Dubai and The Future Centre in Abu Dhabi (both charities supported by Magic of Persia) were also auctioned for a combined total of \$23,000. All profits raised will go towards Magic of Persia's Education Programme and humanitarian grants for local and international charities.

‘Red Robin’ Among Top 5 in Malaysia

The film ‘Red Robin’ directed by Parviz Sheikh-Tadi and produced by Majid Esmaeili was selected among the best five films at the Malaysian Film Festival.



According to www.sourehcinema.com, the film, which is sponsored by Martyr Avini Cultural Artistic Institute, narrates the story of a boy who looks for somebody who could resurrect his deceased friend. Malaysian Culture, Arts and Heritage Minister Datuk Seri Dr. Rais Yatim said in a message to the festival that the event seeks to promote cooperation among countries in the field of film production. Referring to the significance of filmmaking industry, he said organizing such events will facilitate exchange of views and experiences among filmmakers while promoting creativity and innovation.



مواد غذایی ماهان

Sadaf



Easier way to have a perfect Persian Polo

راه آسان برای پخت پلوی ایرانی

Tel: 02089630012 • Fax: 02089630090

190 Acton Lane, London NW10 7NH

www.mahanfoods.com

KIAN MOTORS

تعمیر گاه کیان موتور



متخصصین ما آماده پاسخگویی به مشکلات اتومبیل شما می باشند
سرویس کامل خودروی شما جهت MOT

Services offered:

- o Oil Change
- o Engine Analysis and Repair
- o Tune-Up Services
- o Brakes
- o Cooling Systems
- o Electrical Repairs
- o Fuel Injection Systems
- o Air Conditioning Systems
- o Oil and Lubrication Services
- o All Types Of Maintenance And Repair

020 8452 9100



74 Hassop Road, Cricklewood, London NW2 6RX

079 8082 3895 - 087 0890 7579

www.kianmotors.co.uk - info@kianmotors.co.uk

انتقال یکروزه ارز به ایران و بالعکس

با بهترین قیمت

با سابقه طولانی و درخشان در کشور انگلستان

صرافی
کاسپین

67 High Street Harrogate HG2 7LQ

Tel: 011 3216 5327 - 075 1528 1302 - 077 7960 0870 Registered No: 6357955